

۳۶۸

کیهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۰ تا ۱۶ تیرماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۳۴



باخت پشت باخت!

از جمهوری اسلامی
چه باقی مانده است!؟



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم
کیهان شماره ۱۸۳۴ (۳۶۸)

جمعه ۱۰ تا ۱۶ تیر ماه ۱۴۰۱
۱ تا ۷ ژوئیه ۲۰۲۲



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب سقوط بهشت بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضای زاده



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne
Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

فهرست مطالب

- ۳ سرمقاله - زنان، کودکان، محیط زیست / الاهی بقراط
- ۳-۴ باخت پشت باخت! از جمهوری اسلامی چه باقی مانده است؟! / روشنگر آسترکی
- ۴-۵ پایان مماشات غرب با «گر به رضائی» / آیت الله خا... / حامد محمدی
- ۶-۷ جمهوری اسلامی هم ذهنی و هم عینی حلول روح قرون... / پروفیسور نوح فرهادی
- ۸ درد دلی با پیشکسوتان «جبهه ملی ایران»: شما که با خمینی... / دکتر سیف اهدانی
- ۹ بر کناری فرمانده یگان حفاظت علی خامنه‌ای سه روز پس از بر کناری... / ...
- ۱۰ وریا غفوری در دل میلیون‌ها ایرانی؛ کاپیتان آبی و حامی مردم... / ...
- ۱۱ کالبدشکافی یک طفیان (۶) / احمد احرار
- ۱۲-۱۳ ماجرای شاه و دانشگاه شیکاگو... / حشمت مؤید
- ۱۴ کودکانی که جمهوری اسلامی کشت... / ...
- ۱۵ کنکور ۱۴۰۱ با ۶۱ درصد متقاضی زن و ۳۹ درصد مرد... / ...
- ۱۶-۱۷ استاد دانشگاه طرفدار جمهوری اسلامی... / بنجامین وینتال (اورشلیم پست)
- ۱۷ مشکل نان نیز به بحران آب اضافه شد! / ...
- ۱۸ آموزش و پرورش بخشنامه داد: حذف آموزگاران مرد از... / ...
- ۱۹ ر کوردشکنی‌های منفی ادامه دارد... / ...
- ۲۰-۲۱ حکومت مذهبی و تباهی جامعه (۱) / محمود مسائلی
- ۲۲ اختلاف در نظام بر سر تغییر «فرمت» و قطر به عنوان... / ...
- ۲۳ هراس از آزاد یخواهی دهه هشتاد و نودی‌ها... / ...
- ۲۴-۲۵ معامله‌ی آثار تاریخی تحت عنوان «حراج ملی ایران»... / ...
- ۲۵ تصویب دو طرح تحقیق و تفحص در مجلس شورای اسلامی و... / ...
- ۲۶-۲۷ تکمیل سیستم سانسور و فیلترینگ؟! اختلال و کندی سرعت... / ...
- ۲۷ ماه مارس برگزار شد: «نشست محرمانه» آمریکا،... / ...
- ۲۸ پشت جلد - عکس هفته



سرمقاله

زنان، کودکان، محیط زیست



مذهبیون قرون وسطایی، چه زن و چه مرد، از هر فرقه اسلامی که باشند، اولین خاخریز سرکوبگری‌شان از خانه و با زن و کودک شروع می‌شود. روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ارتجاعی ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز هنوز به ایران نرسیده و روی مخده‌اش جایجا نشده بود که زمزمه حجاب سر داد اما با مشاهده مقاومت زنان، مجبور شد نه تنها عقب‌نشینی کند بلکه منتظر بماند تا پس از تثبیت ساختار سرکوب، حجاب اجباری و اسلامی را به جامعه تحمیل کند.

با اینهمه هر اندازه نظام در قبولاندن حجاب اجباری به عنوان فرهنگ دلخواه زنان ایران ناکام ماند، به همان اندازه بر دستگاه‌های عریض و طویل منکرات و ارشادش افزود. حالا دهه هشتاد و نودی‌ها با یک تجمع با پوشش‌های عادی در شیراز نشان دادند که ناکامی نظام در این زمینه ادامه دارد.

از سوی دیگر، اکانت +۱۵۰۰ چندیست اسامی و عکس‌های کودکانی را منتشر می‌کند که در فجایع مستقیم ناشی از جمهوری اسلامی جان کوچک خود را از دست داده‌اند: از قتل‌های زنجیره‌ای و شلیک مأموران امنیتی در زمین تا حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مسافران پرواز ۷۵۲ در هوا! اینهمه جدا از مصائب «کودکان کار»، سوء استفاده جنسی از کودکان با عنوان «کودک‌همسری»، نوزادهای رهاشده به دلیل فقر و اعتیاد و بارداری ناخواسته و موارد مشابه است.

وقتی زن و کودک در محیط زیست خود در امان نیستند، چه انتظاری می‌توان داشت که خود محیط زیست از گزند زمامداران در امان بماند؟!

نگاهی کوتاه به آنچه خود مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند و رسانه‌های داخلی تحت فشار سانسور منتشر می‌کنند، کافیسیت تا خطرات جدی که انسان و گیاه و جانور و زمین و زمان را به دلیل بحران آب و نابودی منابع آب تهدید می‌کند، دریافت.

اگر مدت‌هاست مهاجرت داخلی در ایران از مناطق خشک و کم‌آب و بی‌آب به سوی استان‌هایی که هنوز آبی در آنها جاریست، صورت می‌گیرد، اما دیر نیست به دلیل عدم مدیریت کارشناسانه منابع طبیعی و در رأس آنها منابع آب کشور، آنچه از اکوسیستم سبز و آبی عمدتاً در شمال کشور و بخش‌هایی از مناطق غربی باقی مانده، در مصیبت خشکسالی و توفان ریزگردها از بین برود. و اگر آزادی و حقوق زنان و کودکان را می‌توان به فجیع‌ترین زشت‌ترین شکل ممکن زیر پا نهاد، دو پدیده اما با هیچکس به ویژه با نظامی که ملا و پاسدار زمامدارانش باشند، شوخی ندارند: یکی اقتصاد است و دیگری محیط زیست که همواره از همان جوامع اولیه، در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. همین دو نیز طومار رژیم‌های ضد خود را در کشورهای «بلوک شرق» در هم پیچیدند چه برسد به کاریکاتور اسلامی آنها!

باخت پشت باخت!

از جمهوری اسلامی چه باقی مانده است؟!

● حکومتی که همواره لاف «عمق استراتژیک» و «اشراف امنیتی» می‌زد، بیش از پیش قافیه را به «دشمن» در خاک ایران می‌بازد بطوری که رد پای «دشمن» در لایه‌های محافظت‌شده‌ی نظامی و امنی آن نیز مشهود است.

و حسین نجات همراه بود و نزدیکی او به مجتبی‌خامنه‌ای و «بیت رهبری» از همانجا تثبیت شد. نزدیکی حسین طائب به علی‌خامنه‌ای و فرزندش او را به یکی از نیروهای معتمد «بیت رهبری» تبدیل کرد بطوری که اواخر دهه ۷۰ خورشیدی که وزارت اطلاعات با ریاست علی یونسی عملکردی مورد رضایت رهبر جمهوری اسلامی نداشت، حسین طائب از جمله اعضای تیمی بود که جریان امنیتی-اطلاعاتی به موازات وزارت اطلاعات، معروف به «اطلاعات موازی» را راه‌اندازی و هدایت کرد.

حسین طائب با چنین سابقه و اعتمادی که نزد رهبر جمهوری اسلامی داشت در «ساس» نیز از دست باز برای تسلط بر ساختار امنیتی جمهوری اسلامی برخوردار بود و کوشید در همه حوزه‌هایی که مورد مدیریت و رصد وزارت اطلاعات تحت نظر دولت بود، با موازی‌کاری ریشه‌های «ساس» را تقویت کند و بسط دهد.

گسترش حوزه فعالیت «ساس» باعث وقوع تنش‌های زیادی با «واج» شد و حتی اختلاف نظر دو نهاد امنیتی در پروژه‌ها و پرونده‌های مختلف نیز قابل توجه بوده و سرنوشت رقم زده است. برای نمونه در پرونده بازداشت مجید جمالی فشی و مازیار ابراهیمی و چند تن دیگر توسط وزارت اطلاعات به اتهام ترور دانشمندان هسته‌ای، سازمان اطلاعات سپاه

تغییر رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) یکی از مهمترین رویدادهای روزهای گذشته بود. سرلشکر پاسدار حسن سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران هفته گذشته با صدور حکمی حجت‌الاسلام حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه را برکنار و سردار پاسدار محمد کاظمی را بجای او منصوب کرد. سه روز بعد از این برکناری، اعلام شد پاسدار ابراهیم جباری فرمانده حفاظت «سپاه ولی امر» نیز برکنار شده است.

تغییر ریاست سازمانی که وظیفه اصلی آن حراست از انقلاب اسلامی عنوان شده، از چند جنبه قابل بررسی است. برکناری حسین طائب به عنوان یکی از موثرترین و نزدیک‌ترین مهره‌ها به علی‌خامنه‌ای و فرزند ارشدش مجتبی‌خامنه‌ای، به خودی خود اتفاقی مهم ارزیابی می‌شود.

همچنین این پرسش مطرح است که برکناری حسین طائب با کارنامه‌ای پر و پیمان در حوزه‌های امنیتی به سبک جمهوری اسلامی چه سرنوشتی برای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) که نهادی امنیتی و موازی با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی (واج) است رقم خواهد زد؟ آیا قرار است «ساس» کم‌کم از رقابت تنگاتنگ و البته پرتنش با «واج» کنار بکشد؟

از «گردان حیب» تا ریاست «ساس»



نسبت به حقیقی بودن اعترافات تردید داشت و در نهایت با پافشاری همین سازمان پرونده مختومه اعلام گشت و بجز مجید جمالی فشی که اعدام شده بود، دیگر متهمان آزاد می‌شوند.

در مقابل در پرونده متهمان زیست‌محیطی که در دست سازمان اطلاعات سپاه بود، وزارت اطلاعات اتهامات امنیتی و جاسوسی بازداشت‌شدگان را تأیید نکرد و گزارش‌های غیررسمی از تلاش وزارت اطلاعات برای آزادی تعدادی از

حجت‌الاسلام حسین طائب با سابقه چهار دهه عضویت در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سابقه فعالیت در معاونت اطلاعات سپاه و بسیج، ۱۳ سال پیش در حالی که پس از اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال ۸۸، «سازمان اطلاعات سپاه» (ساس) تشکیل شد به ریاست آن منصوب شد. حسین طائب از جمله چهره‌های امنیتی است که در زمان جنگ ایران و عراق در «گردان حیب» با افرادی چون مجتبی‌خامنه‌ای، علیرضا پناهیان، محمد کوثری

→ متهمان حکایت دارد.

در این میان ۷ حسین طائب طی فعالیت به عنوان رئیس «ساس»، پرونده تخلفات و فسادهای بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی و وابستگانشان از جمله مهدی هاشمی رفسنجانی، اسفندیار رحیم مشایی، حمید بقایی، حسین فریدون و مهدی جهانگیری را به جریان انداخته و آنها را به زندان و رد مال محکوم کرد. اقدامات به اصطلاح گازانبری حسین طائب در «ساس» سبب شد او حتی از سوی برخی فعالان اصولگرا هم به «پرونده سازی» و «رفتار نامتعادل» با هدف آبروریزی نظام متهم شود.

او همچنین در مهره چینی‌های کلان از جمله در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، و رد و تأیید صلاحیت نامزدهای نظام نیز فعال بوده و نقش داشته است.

موازی کاری تعطیل! تمرکز بر بستن حفره‌های امنیتی

پس از روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» به نظر می‌رسید هماهنگی میان قوه قضاییه و دولت بیشتر شده و حالا دیگر نیازی به یک نهاد موازی با وزارت اطلاعات نیست. چه بسا بسته شدن حفره‌های امنیتی که به قولی جمهوری اسلامی را به «پنیر سوئیسی» تبدیل کرده، و رویارویی با عملیات سایبری و ترور مقامات کشوری و لشکری در گرو یکپارچگی و تمرکز مشترک در نهادهای امنیتی باشد و این امر با حضور حسین طائب و شبکه‌اش در «ساس» امکانپذیر نبوده است. بهانه برای انداختن حسین طائب از صندلی‌اش در «ساس» با شکست پروژه این سازمان به دست آمد که قصد داشت شهروندان اسرائیلی را در ترکیه ترور کند. این موضوع در گزارش اخیر نیویورک تایمز درباره برکناری حسین طائب نیز مورد اشاره قرار گرفته و آمده که «تلاش نافرجام ایران برای حمله به شهروندان اسرائیلی در ترکیه، تهران را در تنگنای دیپلماتیک با آنکارا قرار داد».

نیویورک تایمز در اینباره می‌نویسد که حسین طائب قربانی کارزار بی‌امان اسرائیل برای تضعیف امنیت رژیم ایران و حمله به مقامات نظامی و رسمی آن شده است. کرن حاجیوف مشاور ارشد نفتالی بنت نخست‌وزیر اسرائیل که روز یکم ژوئیه ۲۰۲۲ جای خود را به یائیر لاپید نخست‌وزیر موقت این کشور داد، در اینباره گفته که در گذشته اسرائیل بر شاخک‌های اختاپوس در لبنان و سوریه و غزه تمرکز داشت، و حالا تمرکز خود را متوجه سر اختاپوس کرده است.

در چنین شرایطی پالایش و ایجاد هماهنگی و پرهیز از موازی کاری در راستای حفظ حیات و آبروی نظام می‌تواند اقدامی ضروری از دید علی خامنه‌ای و حلقه‌ای از نزدیکان او ارزیابی شود؛ به ویژه آنکه حفره‌های عمیق و گسترده امنیتی در درونی‌ترین لایه‌های امنیتی وجود دارد و اسرائیل با استفاده از همین حفره‌ها توانسته ضربات جبران‌ناپذیر به جمهوری اسلامی وارد کند.

قابل توجه اینکه سردار پاسدار محمد کاظمی، جانشین حسین طائب، سال‌ها مسئولیت حفاظت اطلاعات سپاه را برعهده داشته و در نتیجه می‌تواند در مسیر شناسایی و بستن حفره‌های امنیتی در این سازمان نقش موثری ایفا کند البته بدون اینکه هیچ اطمینانی به این جایجایی‌ها وجود داشته باشد که اتفاقاً افراد جانشین خود جزو آن حفره‌ها نباشند!

از سوی دیگر اساساً معادله پیچیده‌ای که جمهوری اسلامی این روزها با آن روبروست، تنها حفره‌های امنیتی - اطلاعاتی در سپاه پاسداران یا مراکز استراتژیک نیست بلکه حیات آن با تهدیدهای جدی روبروست.

هیولای پوشالی با شعار «عمق استراتژیک» و «اشراف امنیتی»!

در آخرین رتبه‌بندی «شاخص جهانی صلح» که در آن امن‌ترین و ناامن‌ترین کشورهای جهان فهرست می‌شوند، ایران در میان ۱۶۳ کشور در رتبه ۱۴۱ جهان قرار گرفته است. ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی به همراه افغانستان، کنگو، لیبی، میانمار، کره شمالی، سودان جنوبی، سوریه، ونزوئلا و یمن در صدر جدول بیشترین ترورهای سیاسی جهان قرار گرفته است. کاهش امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران در سال‌های گذشته حلالا به بحرانی عظیم برای خود جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر تأثیر زیادی بر عدم احساس امنیت گذاشته و ناامنی اجتماعی را نیز به شدت افزایش داده است. در شرایطی که مردم نخستین قربانیان ناامنی اقتصادی و اجتماعی در ایران هستند، دامنه‌ی این ناامنی به حدی گسترده شده که از دی‌ماه ۹۶ جمهوری اسلامی را در گوشه رینگ اعتراضات مردمی قرار داده است.

مردم ایران دیگر نه از هیبت بسیجی‌ها و مأموران امنیتی لباس شخصی می‌ترسند و نه از سر دادن شعارهای قاطع و شفاف علیه رژیم مانند «رضاشاه روحت شاد» و «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم» هراسی دارند.

از سوی دیگر انزوای اقتصادی ایران در پی تحریم‌هایی که حاصل ایدئولوژی ناکارآمد جمهوری اسلامی است، حالا گریبان نظام را برای تأمین هزینه‌های جاری خودش گرفته است. مذاکرات برجام در بن‌بستی نامیدکننده قرار دارد و شورای امنیت سازمان ملل در چارچوب «منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی» به بررسی پرونده جمهوری اسلامی پرداخته و اینهمه نوعی شمارش معکوس به شمار می‌رود که جمهوری اسلامی را به شدت پریشان کرده است.

حکومتی که همواره لاف «عمق استراتژیک» و «اشراف امنیتی» می‌زد، بیش از پیش قافیه را به «دشمن» در خاک ایران می‌بازد بطوری که رد پای «دشمن» در لایه‌های محافظت‌شده‌ی نظامی و امنیتی آن نیز مشهود است.

هواداران و ماله‌کشان رژیم اگر تا دیروز در توجیه همه تباهی و کاستی‌هایی که نظام به ملت ایران تحمیل کرده پشت جمله «عوض امنیت داریم» پنهان می‌شدند حالا می‌بینند که امنیتی هم در کار نیست!

ترور دست‌کم ده عامل هسته‌ای و نظامی از جمله حسن طهرانی‌مقدم، قاسم سلیمانی، محسن فخری‌زاده و اخیراً حسن صیاد خدایی و... و انفجار و خرابکاری در مراکز دفاعی، موشکی و هسته‌ای و پهبادی نظام و همچنین هک وبسایت‌ها و دوربین‌های زندان‌ها، سازمان‌های دولتی و تأسیسات صنعتی از جمله صنایع فولاد اهواز و هرمزگان، آینه تمام‌قد «عمق استراتژیک» و «اشراف امنیتی» حکومت است.

جمهوری اسلامی طی چهار دهه گذشته بیش از آنکه به تقویت زیرساخت‌ها و قدرتمند کردن ایران به عنوان کشوری که خیمه حکومت در آن علم شده، بپردازد، به تبلیغات هجو، دشمن‌تراشی برای ایران و پولپاشی برای تروریست‌ها و مزدوران منطقه‌ای و لابی‌گرانش پرداخت. نتیجه؟! گرفتار شدن در گوشه‌ی رینگ تاریخ!

با اینهمه، با وجود ضرباتی که «دشمن» برای حفظ خودش به نظام وارد می‌آورد اما تهدید اصلی علیه جمهوری اسلامی، چیزی جز قدرت و عزم مردم نیست!

روشنک آسترکی

پایان مہاشات غرب با «گره‌رقصانی» آیت‌الله‌ها همراه با کابوس «فروپاشی»

هرچند اروپایی‌ها برای از سر گرفتن مذاکرات میان جمهوری اسلامی و واشنگتن تلاش می‌کنند اما بعید است آنها همچنان معطل «گره‌رقصان» آیت‌الله‌ها بمانند.

گفتگوهای اتمی غیرمستقیم میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در دوحه که با فشار اتحادیه اروپا پس از سه و ماه نیم توقف «مذاکرات وین» صورت گرفت، طی دو روز، «بی‌نتیجه» تمام شد.

مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی مدعی شدند مقرر بی‌نتیجه ماندن این گفتگوها «سنگ‌اندازی» آمریکا و عدم ارائه تضمین از سوی واشنگتن برای عدم خروج مجدد از برجام و همچنین اعمال هرگونه تحریم جدید «با عناوین دیگر» است!

مجید تخت روانچی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در نشست شورای امنیت که پنجشنبه ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲ برگزار شد گفت که ایران از آمریکا خواستار تضمین‌های قابل راستی‌آزمایی و مشخص شده است که آمریکا دوباره تعهدات خود را نقض نخواهد کرد و از برجام خارج نخواهد شد و تحریم‌هایی را دوباره «با عناوین دیگر» اعمال نخواهد کرد! مقامات آمریکایی اما می‌گویند جمهوری اسلامی برای ادامه مذاکرات «بی‌انگیزه» است و نماینده آنها بدون درک از «شرایط اضطراری» بار دیگر بعضی مسائل قدیمی را که ماه‌هاست حل و فصل شده مطرح کردند و حتا مسائل جدیدی را پیش کشیدند که ارتباطی با توافق اتمی ندارد.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا هفته گذشته در سفرش به تهران گفته بود «اگر ایران در فرصت دو هفته‌ای، موفق به راه‌اندازی مجدد دوربین‌های آژانس در ایران نشود، نشست پشت میز مذاکره و گفتگو در مورد حل مسئله توافق هسته‌ای بی‌معنا خواهد بود و بازی تمام می‌شود.»

در این میان، مقامات جمهوری اسلامی اصرار دارند «مذاکرات دوحه» شکست نخورده و به بن‌بست نرسیده است. هرچند تأیید بی‌نتیجه ماندن آن در رسانه‌های داخلی سبب شد نرخ ارز در مسیر روند افزایشی قرار بگیرد.

هشدار در شورای امنیت به جمهوری اسلامی

دو روز پس از اعلام بی‌نتیجه ماندن مذاکرات دوحه، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز پنجشنبه ۳۰ ژوئن (نهم تیرماه ۱۴۰۱) نشستی با موضوع «منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی» برگزار کرد و در آن وضعیت مذاکرات «احیای برجام» و قطعنامه ۲۲۳۱ که مربوط به لغو تحریم‌های بین‌المللی پس از توافق اتمی ۲۰۱۵ می‌شود، به بررسی گذاشته شد.

در این نشست روزمری دی کارلو معاون دبیرکل سازمان ملل خواستار لغو تحریم‌های جمهوری اسلامی و تمدید معافیت‌های نفتی و تجاری جمهوری اسلامی شد. او همچنین افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران و رسیدن آن از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد را «شدیداً نگران‌کننده» خواند.





KAYHAN.LONDON

از جمله حسین طائب فرمانده سازمان اطلاعات ضربات سخت و عمیقی بر ساختار امنیتی نظام به شمار می‌رود. در همین ارتباط حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که می‌گفت «امنیت اسرائیل با شکستی بی‌پایان مواجه شده» حالا می‌گوید «بخش اطلاعاتی عمل دشمن کاملاً جدی و قابل اتکاست و بیشترین تجربیات موفق دشمن در عمل سرویس‌های اطلاعاتی اوست.»

وی همچنین از «رویارویی مستقیم» سازمان حفاظت اطلاعات سپاه با «سرویس‌های مجرب و کارآزموده اطلاعاتی و امنیتی» خبر داد که به گفته او «فروپاشی رژیم‌های بسیاری» را در کارنامه خود دارند.

در بالاترین رده‌های نظام بر سر معامله با آمریکا اختلافات جدی وجود دارد و ضربات امنیتی که جمهوری اسلامی دریافت می‌کند به این اختلافات دامن می‌زند. سه هفته پیش نیز علی خامنه‌ای و شمار دیگری از مقامات نظام نسبت به تهدیداتی که جمهوری اسلامی با آن روبروست هشدار داده بودند اما نوع ترس آنها با نگرانی حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی متفاوت است. رهبر جمهوری اسلامی و اطرافیان از تهدیدات درونی نگران هستند و مرتب نسبت به «بازگشت سلطنت» و «پهلوی» و شعارهای مردم از جمله «رضاشاه روح شاد» هشدار می‌دهند. تلاش برای رفع نگرانی از سوی غرب و بیش از پیش غلتیدن در دامان «شرق» و چوب حراج زدن بر منابع کشور نیز در نهایت برای مقابله با اعتراضات مردم است. مردمی که سال‌هاست به شکل‌های مختلف و حتی با گذشتن از جان خود اعلام می‌کنند این نظام را نمی‌خواهند و خواهان ادامه روند رشد و ترقی و پیشرفتی هستند که با انقلاب ارتجاعی ۵۷ نه تنها متوقف شد بلکه با حکومت اسلامی، کشور به مسیر نابودی همه‌جانبه هدایت شد.

حامد محمدی

در دولت بایدن که چشم‌انتظار روی کار آمدن آن بود نیز تن به «مذاکرات وین» بدهد و با همان شروط سختی روبرو شود که در دولت ترامپ مطرح شده بود. اکنون نیز در جمهوری اسلامی این توهم و محاسبه خطا وجود دارد که نیاز اروپایی‌ها به نفت و گاز سبب خواهد شد آنها دست از فشار بردارند.

مواضع کنونی قدرت‌های اروپایی و هشدار دائمی آنها نسبت به پیامدهای عدم احیای برجام نشان از تغییر جدی فضای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی دارد. به نظر می‌رسد آنها بجای عبور از «خط پایان» مذاکرات اتمی و رسیدن به پیروزی «احیای برجام» مجبورند به خط پایان مماشات با رژیم اسلامی در ایران برسند. هرچند اروپایی‌ها بعد از تحریم روسیه به خاطر حمله به اوکراین با بحران نفت و گاز روبرو هستند و برای از سر گرفتن مذاکرات میان جمهوری اسلامی و واشنگتن تلاش می‌کنند اما بعید است آنها همچنان معطل «گرپهرقسان» آیت‌الله‌ها بمانند.

اعتراف فرمانده سپاه پاسداران به موفقیت سرویس‌های اطلاعاتی «دشمن»

این روزها جمهوری اسلامی بیش از همیشه در تنگنا قرار گرفته است. در ایران جریان‌های نزدیک به قدرت عدم توافق را حاصل «لایبگیری صهیونیست‌ها» می‌دانند. البته تهدید از سوی اسرائیل علیه رژیم فقط محدود به استفاده از اهرم‌های دیپلماتیک نیست. بخش قابل توجهی از فشارهایی که جمهوری اسلامی با آن روبروست ابعاد امنیتی و نظامی دارد که به قول مقامات اسرائیلی بخشی از کارزار فشار چندوجهی علیه آن در همه ابعاد است.

ترور و مرگ مشکوک زنجیره‌ای شماری از فرماندهان و عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برنامه‌های اتمی و موشکی و پس از آن تغییر پیاپی چند مقام ارشد اطلاعاتی سپاه پاسداران

ریچارد میلز نماینده آمریکا در این نشست با اشاره به «طرح مطالبات اضافی خارج از برجام توسط جمهوری اسلامی» حملات پهنای به عربستان و امارات را محکوم کرد و از رژیم ایران خواست ارسال سلاح میان گروه‌های نیابتی خود در خاورمیانه را متوقف کند.

باربارا وودوارد نماینده بریتانیا در نشست سازمان ملل گفت برنامه هسته‌ای ایران هرگز به اندازه کنونی پیشرفت نکرده و تشدید اقدامات هسته‌ای جمهوری اسلامی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

او با اشاره به افزایش سریع ذخایر اورانیوم ۲۰ درصدی و ۶۰ درصدی در ایران گفت، اگر تهران با سرعت به غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد، احتمالاً تا پایان سال جاری مواد کافی غنی‌شده برای تولید سریع اورانیوم ۹۰ درصدی جهت تولید «چند مهب» خواهد داشت.

نماینده بریتانیا در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به تولید موشک‌های بالستیک توسط جمهوری اسلامی هشدار داد تداوم اقدامات تشدیدکننده بی‌ثباتی از سوی رژیم ایران سبب فروپاشی برجام می‌شود.

اولاف اسکوگ نماینده دائم اتحادیه اروپا در سازمان ملل نیز با ابراز نگرانی از «عدم توافق اتمی» هشدار داد «ممکن است از خط پایان برای احیای برجام عبور نکنیم.»

تکرار ملال آور یک توهم

پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۷ مقامات ارشد نظام این توهم را داشتند که با تحریم نفت جمهوری اسلامی، بهای نفت در بازار جهانی به بشکه‌ای ۲۰۰ دلار برسد. اسحاق جهانگیری معاون دولت روحانی می‌گفت نفت به بالای ۸۰ دلار می‌رسد و اگر نصف گذشته هم نفت صادر کنیم، درآمد نفتی ما به اندازه پیش از تحریم‌ها خواهد بود! اما هیچکدام از این اتفاقات نیفتاد و در نهایت جمهوری اسلامی مجبور شد

پروفسور نوح فرهادی: جمهوری اسلامی هم ذهنی و هم عینی حلول روح قرون وسطا در قرن جدید است



● در قرن بیستم، نظم و مناسبات سابق مبتنی بر رسته‌ها و طبقات و سلسله مراتب اجتماعی که متعلق به قرون وسطا بود لغو شد. آن مناسبات دیگر نه تنها کاربردی نداشت بلکه مانع رشد دوران سرمایه‌داری و پیشرفت جوامع می‌شد که به دلیل امکانات نوین علمی و پزشکی، جمعیت آنها نیز روز به روز افزایش می‌یافت. جامعه قرون وسطایی سلسله مراتب سخت و بسته‌ای داشت و سیستم فئودالی که اساسی‌ترین بخش نظم و نظام قرون وسطا بود، دیگر به کار نمی‌آمد و می‌بایست به تاریخ سپرده می‌شد.

● منشاء جمهوری اسلامی را به ویژه در افکار فارابی می‌توان یافت اما بدون انعطاف مذهبی وی که خمینی آن را به سود نظریه «ولایت فقیه» نادیده گرفت! برای فرد غیرفلسوفی مانند خمینی، رویکرد فارابی نوعی میانبر برای سعادت فراهم می‌کند: جامعه اسلامی با احکام و قوانین سختگیرانه، درست مشابه همان دوران قرون وسطایی که اسلام ظهور کرد!

● شناخت دیدگاه فارابی و این تطبیق ذهنی برای درک آنچه خمینی در سال ۱۹۷۹ بر ایران تحمیل کرد بسیار مهم است.

● با توجه به ساختار جامعه طراحی شده توسط خمینی، می‌توان دریافت که چرا ماموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پاسداری از ولایت فقیه و نظام است و نه ایران!

● با روی کار آمدن پهلوی، ملایان در جامعه به جای خود برگشتند و مجبور شدند به گروه‌های دیگر ارزش اضافی عرضه کنند. آنها درآمدشان را می‌بایست در ازای «خدمت» کسب کنند. روحانیون فقط در مراسم مذهبی و کفن و دفن و دعانویسی و عقد ازدواج و روضه‌خوانی به کار مشغول بودند.

● پهلوی برای نخستین بار پس از حمله اعراب مسلمان به ایران در سال 633 میلادی، به مناسبات قرون وسطایی ۱۳۰۰ ساله و سلسله‌مراتب جامعه رسته‌ای که تا قاجار و انقلاب مشروطه تداوم داشت، پایان داد. بزرگترین اشتباه در سال‌های پایانی محمدرضاشاه پهلوی این بود که هیچگاه تصویری بزرگ از خدماتی که پدرش و خودش برای ایرانیان انجام دادند، به تماشای همگان نگذاشت!

جمهوری اسلامی بر اساس اصول جامعه قرون وسطایی بنا شده است. در نظم اجتماعی قرون وسطا افراد جایگاه (مقام) ثابت و اکثر غیرقابل تغییر در جامعه داشته باشند. این وضعیت نشان می‌داد که یک فرد چه قد و قامت اجتماعی دارد.

جامعه رسته‌ها یا طبقات ثابت

در قرون وسطا، جامعه طبقه‌بندی شده بر اساس رسته یا مرتبه‌ی اجتماعی به عنوان یک دستور ثابت از سوی خداوند در نظر گرفته می‌شد. اکثر مردم در رسته یا قشر اجتماعی خود به دنیا آمده و تمام عمر نسل اندر نسل در آن می‌ماندند و

می‌مُردند. پیشرفت اجتماعی عملاً غیرممکن بود.

رسته اول: مرتبه نخست از آن روحانیت بود. همه روحانیون کلیسای روم، روحانی محسوب می‌شدند. این رسته راهبان، راهبه‌ها، واعظان ساده، اسقف‌ها، کاردینال‌ها و پاپ را در بر می‌گرفت. وظیفه آنها گسترش مسیحیت و مراقبت و برآوردن نیازهای معنوی مردم بود. اگرچه قرار نبود روحانیت در مقابل خدمات خود پولی دریافت کند، اما اعضای ارشد آن دارای زمین و املاک و ثروت زیادی بودند.

رسته دوم: دومین مرتبه متشکل از اشراف بود که مسئولیت اداره کشور را بر عهده داشتند و در زمان جنگ ارتش را رهبری می‌کردند. این رسته شامل کنت‌ها، دوک‌ها، شاهزادگان و اشراف پایین‌تر، مانند شوالیه‌ها یا عیاران بود. در رأس اشراف، پادشاه یا امپراتور قرار داشت.

رسته سوم: مرتبه زیرتر شامل دهقانان و «بورژوازی» یا مردمی می‌شد که بعدها در زبان فارسی «شهروند» نامیده شدند.

بیشتر جمعیت در همین طبقه سوم یافت می‌شد. این رسته شامل دهقانان و مردم شهرها بود. اگرچه کشاورزی در آن زمان فعالیت بسیار حیاتی به شمار می‌رفت، اما طبقه دهقان پایین‌ترین رسته در جامعه قرون وسطا بود. اغلب دهقانان مالک زمین‌هایی که روی آنها کشت و کار می‌کردند نبودند، بلکه برای مالکان آن زمین‌ها که عمدتاً از اشراف بودند کار می‌کردند. دهقانان نه فقط حق و حقوق محدودی داشتند بلکه باید «مالیات» و درواقع باج و خراج نیز می‌پرداختند و وظایفی بیش از کشت و کار نیز بر عهده می‌گرفتند.

رسته سوم در ابتدا فقط دهقانان را شامل می‌شد. اما این مرتبه‌ی زیرین در قرن دوازدهم میلادی گسترش یافت و مردم شهر را نیز در بر گرفت. این به این دلیل بود که شهرهای بیشتری در قرون وسطا ساخته شدند و ساکنان آنها می‌بایست جزو یکی از رسته‌های موجود به حساب می‌آمدند آنهم در حالی که بسیاری از این ساکنان همان دهقانان سابق بودند که در آرزوی زندگی بهتر به شهرها می‌گریختند («حال و هوای شهر شما را رها می‌سازد»). در هر حال، اکثریت مردم در همان محل و جایگاه اجتماعی که متولد می‌شدند، زندگی می‌کردند و می‌مُردند و این قرن‌ها ادامه داشت. تنها استثناء در مورد روحانیون و وابستگان کلیسا بود. برای دورانی طولانی، تنها راه رشد اجتماعی برای یک دهقان، راهب یا راهبه شدن بود. به ندرت افرادی دارای شایستگی‌های استثنایی می‌توانستند به طبقه اشراف و اشرافیت وارد شوند.

به دلیل صنعتی شدن در قرن ۱۸ میلادی، جامعه بیشتر توسعه یافت و رسته چهارم ظهور کرد: کارگران صنعتی.

اما همزمان با این تحولات و همچنین پیشرفت‌های فنی و تکنولوژی، خود این رسته‌ها اهمیت‌شان را از دست می‌دادند تا اینکه پس از طی قرن نوزدهم که جهان دگرگون می‌شد،

سرانجام در قرن بیستم، نظم و مناسبات سابق مبتنی بر رسته‌ها و طبقات و سلسله مراتب اجتماعی که متعلق به قرون وسطا بود لغو شد. آن مناسبات دیگر نه تنها کاربردی نداشت بلکه مانع رشد دوران سرمایه‌داری و پیشرفت جوامع می‌شد که به دلیل امکانات نوین علمی و پزشکی، جمعیت آنها نیز روز به روز افزایش می‌یافت. جامعه قرون وسطایی سلسله مراتب سخت و بسته‌ای داشت و سیستم فئودالی که اساسی‌ترین بخش نظم و نظام قرون وسطا بود، دیگر به کار نمی‌آمد و می‌بایست به تاریخ سپرده می‌شد.

● سلسله مراتب جامعه رسته‌ای قرون وسطا به زبان ساده و مختصر به شرح زیر بود:

● **قیصر:** پادشاه در رأس آن جامعه قرار داشت که تحت امر وی سه رسته اصلی قرار می‌گرفتند:

● **روحانیون:** پاپ، راهبان، اسقف‌ها، راهبه‌ها و ابواب جمعی کلیسا

● **اشراف:** دوک‌ها، کنت‌ها، شوالیه‌ها یا عیاران

● **دهقانان یا رعایا:** کشاورزان، صنعتگران، مردم و ساکنان شهرها

● **دنیای زیرزمینی یا خاکستری:** گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند یهودیان، افراد غیرساکن در یک محل، روسپی‌ها، افراد فقیر و تنگدست که همگی خارج از رسته‌های بالا به حساب می‌آمدند و در پایین‌ترین و پست‌ترین مرتبه اجتماعی قرار می‌گرفتند.

منشاء جمهوری اسلامی

در دی‌ماه سال ۱۳۶۷ روح‌الله خمینی نامه‌ای نوشت که تنها نامه‌ای بود که او برای رهبر یک کشور دیگر فرستاد؛ نامه‌ای خطاب به میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست و رهبر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که منادی «اصلاحات» در نظام شوروی شده بود و قصد داشت آن سیستم را با «شفافیت» (گلاسنوست) و «علنییت» (پروسترویکا) روحی تازه ببخشد. خمینی در آن نامه اعلام داشت که کمونیسم به پایان رسیده و جهان‌بینی صرفاً مادی‌گرایانه نمی‌تواند نیازهای معنوی مردم را برآورده کند و به زودی کمونیسم تنها «در موزه‌های تاریخ سیاست جهان» یافت خواهد شد. خمینی به این انتقاد بسنده نکرد، بلکه به گورباچف توصیه کرد: «از شما می‌خواهم اسلام را بطور جدی مطالعه کنید». به همین منظور، وی به رهبر شوروی پیشنهاد کرد برخی از علمای جهان اسلام را بازخوانی کند. او برای آموزش گورباچف، فیلسوفی از قرن دهم را برگزید: ابونصر محمد بن محمد فارابی. در نامه به گورباچف، خمینی البته به انعطاف مذهبی فارابی اشاره‌ای نکرد.

این نامه را در اوایل سال ۱۹۸۹ یک هیئت ایرانی در مسکو در دیدار با گورباچف با صدای بلند خواند. بنا بر گزارش رسانه‌های داخل ایران در آنزمان، نمایندگان گزارش دادند ←

بسیار کلیدی است. برای به دست آوردن و حفظ این قدرت، آنها موظف به تسلیم و فرمانبرداری در برابر «رهبر» و «ولی فقیه» هستند. امروز در رأس نیروهای مسلح که سپاه پاسداران مهم‌ترین آنها و حتی مهم‌تر از ارتش است، «مقام معظم رهبری»، علی خامنه‌ای، قرار دارد.

اینهمه در حالیکه که اکثریت شهروندان ایران را می‌توان در لایه‌های چهارم و پنجم این رسته‌بندی قرون وسطایی یافت که شامل کارگران و کشاورزان و دانشجویان و آموزگاران و پزشکان و بطور کلی مردم عادی کشور می‌شود. در اغلب موارد شهروندان صاحبان شرکت‌های بزرگ نیستند به ویژه در بخش‌هایی که به منابع طبیعی بر می‌گردد. مردم ایران حقوق و اختیارات محدودی در ارتباط با ثروت ملی دارند. آنها حق اعتراض به این ساختار قرون وسطایی را ندارند. وظیفه اصلی آنها این است که با مالیات سنگینی که به دلیل ابربحران تورم می‌پردازند، کیسه حکومت و دولت را پر کنند! عین باج و خراج دهقانان در قرون وسطا!

شناخت دیدگاه فارابی و این تطبیق ذهنی برای درک آنچه خمینی در سال ۱۹۷۹ بر ایران تحمیل کرد بسیار مهم است. زمانی که سلسله پهلوی، در مرحله ایران ۱۰، بر کشور حکومت می‌کرد، روحانیون توسط رضاشاه از حکومت دولتی مدرن حذف شدند. بعدها پسرش محمدرضا شاه به تسلط مالکان بزرگی پایان داد که رده‌های بالای روحانیت، هم به دلیل املاک موقوفه و هم به دلیل «خمس» و «زکات» (درواقع مالیات و یا بهتر بگوییم باج و خراج اسلامی)، از برکت آن فئودالها و زمینداران بزرگ بدون هیچگونه فعالیت مفید و مولد می‌خورد و می‌خوابید! شاه با اجرای برنامه نوسازی ایران در سال ۱۹۶۳، یعنی انقلاب سفید، به فئودالیسم سنتی و توزیع ناعادلانه سرمایه توسط آن اعلان جنگ داد. او زمین را بین دهقانان و کشاورزان فقیر تقسیم کرد. زنان در زمان شاه حق رای به دست آوردند و دروازه عالم اموات را ترک گفتند. اقلیت‌های مذهبی می‌توانستند آزادانه زندگی و آیین‌ها و مناسک خود را در یک کشور آزاد و سکولار برگزار کنند.

ملایان در جامعه به جای خود برگشتند و مجبور شدند به گروه‌های دیگر ارزش اضافی عرضه کنند. آنها درآمدشان را می‌بایست در ازای «خدمت» کسب کنند. روحانیون فقط در مراسم مذهبی و کفن و دفن و دعانویسی و عقد ازدواج و روضه خوانی به کار مشغول بودند.

واقعیت این است که سلسله پهلوی در ایران به جامعه خدمت کرد و برای نخستین بار پس از حمله اعراب مسلمان به ایران در سال ۶۳۳ میلادی، به مناسبات قرون وسطایی ۱۳۰۰ ساله و سلسله مراتب جامعه رسته‌ای که تا قاجار و انقلاب مشروطه تداوم داشت، پایان داد. ایران نوین پیش از انقلاب اسلامی ۵۷ بر ساختار دولتی مدرن شامل قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مستقل از هم بنا شده بود.

بزرگترین اشتباه در سال‌های پایانی محمدرضا شاه پهلوی این بود که هیچگاه تصویری بزرگ از خدماتی که پدرش و خودش برای ایرانیان انجام دادند، به تماشای همگان نگذاشت! باید اعتراف کنم که این افتخار نصیب من شده است. مادربزرگم زرین تاج نیز بارها و بارها تعریف می‌کرد که پهلویسم چه خدماتی به ایران کرد و من هرگز آن را فراموش نمی‌کنم.

برای مردم به ارمان می‌آورد. فارابی بدون ذکر نام به محمد پیامبر اسلام اشاره کرده است. از سوی دیگر فارابی می‌گوید که جانشینان بنیانگذار آن آرمانشهر نیازی به وحی و مکاشفه ندارند. خمینی از همین نکته برای طرح نظریه «ولی فقیه» و «رهبر معظم» استفاده کرد. در قرن بیستم، خمینی خود و حکومت‌اش را بر اساس این سنت تعریف کرد. نظریه سیاسی او که با آن حکومت تنوکراتیک و مذهبی را پایه‌گذاری نمود، تحت عنوان «ولایت فقیه» منتشر نیز شد. البته رهبر انقلاب اسلامی در ایران تمامی نظرات فارابی را از قرن دهم میلادی یک به یک به دوران خود منتقل نکرد، بلکه آنها را با پروژه اسلامی رادیکال خود تطبیق داد.

نکته مهم این است که یک فکر می‌بایست بیش از همه خمینی را پریشان و نگران می‌کرد و آن اینکه فارابی نظریه‌پرداز یک حکومت خاص اسلامی نبود! فارابی معتقد بود «ملت‌های متعالی و سرزمین‌های متعالی وجود دارند که دین‌شان با یکدیگر متفاوت است، با اینهمه همه آنها به هدف غایی خوشبختی [در زندگی] اشارت دارند.» متفکران اسلامی همان زمان در قرون وسطا نیز از این نظر انتقاد کردند. میراث فارابی در جمهوری اسلامی ایران گرمی داشته می‌شود. در دانشگاه تهران، دانشجویان در پردیس «فارابی» درس می‌خوانند و مردم به بیمارستان «فارابی» مراجعه می‌کنند و حکومت با بنیاد سینمایی «فارابی» سینما را ترویج و از سینمای وابسته به خود حمایت می‌کند، و وزارت علوم جایزه «فارابی» به پژوهشگرانش اهدا می‌نماید. در سال ۲۰۲۱، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت از فارابی به عنوان «مؤسس علوم و فلسفه اسلامی» نام برد و گفت که وی در جمهوری اسلامی ایران همواره حضور دارد اگرچه هنوز مدینه فاضله و «سرزمین متعالی» وی تحقق نیافته است! اندیشه‌های وی «به نقطه تکامل خود در انقلاب اسلامی رسیده است؛ لذا ما فارابی و تفکر او را از بنیان‌های فکری و نظری این نظام فکری جدید در کشور و جهان اسلام می‌دانیم.»

جمهوری اسلامی بازگشت به جامعه‌ی قرون وسطایی است
جمهوری اسلامی واقعاً یک جامعه طبقاتی با سلسله مراتب ثابت و به رهبری «مرجع عالیقدر» است که قدرت خود را از جانب خدا یا الله به خود منسوب کرده. روحانیت شامل اعضای نهادهای مختلف دینی و بدنه‌ی مذهبی جمهوری است که کارگزاران ولی فقیه محسوب می‌شوند. طلاب، حجج‌الاسلام و آیات عظام بدون صلاحیت در علوم طبیعی یا اجتماعی و اقتصادی همه امور مملکت را در دست دارند و وظیفه آنها گسترش اسلام انقلابی و حراست از انطباق مردم با احکام شریعت است که عمدتاً توسط خود رژیم تعریف شده. اگرچه انتظار نمی‌رفت که آخوندها بتوانند چنین ابعاد وسیعی از کشور را تحت کنترل خود درآورند اما آنها مهم‌ترین نقش‌های سیاسی و اجتماعی را بر عهده گرفتند و بدون هیچگونه تعهد مالیاتی، اموال و درآمدهای دولتی را به اختیار خود درآوردند. اعضای «بالاترین رسته» یا «مرتب» در جمهوری اسلامی ایران به شدت مذکر و پدرسالار و خشن هستند؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بازوی نظامی ولی فقیه!

با توجه به ساختار جامعه طراحی شده توسط خمینی، می‌توان دریافت که چرا ماموریت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پاسداری از ولایت فقیه و نظام است و نه ایران! فرماندهان سپاه پاسداران از افراد بسیار ثروتمند و با نفوذ در کشور هستند. برآورد‌های اولیه حاکی از آن است که بیش از هشتاد درصد اقتصاد و منابع طبیعی ایران در انحصار و تحت کنترل سپاه پاسداران است. اشتباهی این گروه برای قدرت به عطش سیرابی‌ناپذیر کنت‌ها، دوک‌ها و شاهزادگان جامعه قرون وسطا شباهت دارد. قدرت برای وابستگان سپاه پاسداران

برای رخ شد و پاسخ داد: «معلوم است که امام از ایدئولوژی ما خوشش نمی‌آید.» او همچنین دخالت در امور داخلی کشورش را جایز ندانست. اما چند ماه بعد معلوم شد که خمینی در اظهاراتش درباره پایان کمونیسم شوروی بیجا گفته بود اگرچه آنرا بر اساس محتوم بودن پیروزی ایدئولوژی اسلامی خودش بیان کرده بود!

اطلاعات کمی در مورد زندگی فارابی وجود دارد. اندکی پس از مرگ او، محققان زندگینامه او را نوشتند و افسانه‌ها و داستان‌های خیالی نیز بر آن افزودند. گفته می‌شود که او به بیش از ۷۰ زبان صحبت می‌کرد، «به یونانیان» سفر کرده و مانند صوفیان لباس می‌پوشید، یا در باغی پر از دار و درخت و گل در جستجوی دانش می‌بود. فارابی طبق روایات، در حدود سال ۸۷۰ در فاراب یا فاریاب ایران کهن که قزاقستان کنونی می‌شود به دنیا آمد. در «مجلس‌الحکمت» فاراب دانشمندان نوشته‌های فیلسوفان قدیم از جمله ارسطو و افلاطون را ترجمه می‌کردند و فارابی توانست آثار یونانیان را مطالعه کند؛ وی همچنین سال‌ها در محافل علمی بغداد بسر برده و بعداً به دمشق در سوریه رفت و حدود سال ۹۵۰ میلادی در آنجا درگذشت. اثر اصلی فارابی به نام «اصول افکار اهل مدینه فاضله» به نظریه سیاسی او در ارتباط با «علت‌العلل» و «خلق» جهان، ماهیت انسانی و معرفت‌شناسی اختصاص دارد. اهمیت کتاب فارابی در این است که وی چندین بار در آن تجدید نظر کرده است.

«مدینه فاضله» این پرسش را مورد بحث و تأمل قرار می‌دهد که مردم چگونه می‌توانند به خوشبختی دست پیدا کنند؟ اما به این پرسش که آیا سعادت کامل فقط در آخرت حاصل می‌شود یا در طول زندگی به دست می‌آید، در تمام نوشته‌های او پاسخ قطعی داده نشده است. با اینهمه او بیش از حد مطمئن بود که طبیعت انسان را با همه چیزهایی که برای یافتن خوشبختی نیاز دارد مجهز کرده است.

برای فرد غیرفیلسوفی مانند خمینی، رویکرد فارابی نوعی میانبر برای سعادت فراهم می‌کند: جامعه اسلامی با احکام و قوانین سختگیرانه، درست مشابه همان دوران قرون وسطایی که اسلام ظهور کرد!

با این حال، برای فارابی، خوشبختی یک پرسش و مقوله سیاسی بود. به گفته فارابی، مردم در انزوا زندگی نمی‌کنند، بلکه در اجتماعات زندگی می‌کنند، بنابراین دولت/ حکومت باید فضیلت و ارزش‌های ساکنان کشور را گسترش داده و ترویج کند. اگر این کار را انجام ندهد یا اهداف اشتباه و خطا تعیین کند، شهروندان بخت و فرصتی برای خوشبخت شدن ندارند. فارابی بطور خاص نسبت به انواع زوال در حالتی که مردم خوشبختی را نمی‌شناسند و از آن بی‌بهره مانده‌اند، هشدار داده است.

برای خمینی اما تأمین نیازهای مادی به تنهایی برای رهایی بشریت از بحران کافی نیست. مردم در «سرزمین فسق و فجور» ثروت را هدف زندگی می‌دانند؛ در «سرزمین تباهی و پستی» چیزی جز مستی و ششگی، خلسه جنسی، قمار و تحریکات نفسانی هدف نیست! در «سرزمین اعمال قدرت» میل تسلط بر همسایگان هدف به شمار می‌رود. در اظهارات خمینی در ارتباط با محکومیت منفعت‌طلبی (مادیات)، لذت‌گرایی (فساد) و امپریالیسم آمریکا (قدرت و سلطه) نیز می‌توان استدلال‌های مشابهی یافت.

در مقابل اما فارابی «آرمانشهر» یا سرزمین آرمانی خود را بر اساس «سرزمین متعالی» یا «سرزمین والا» تنظیم می‌کند. شخصیت تأثیرگذار در دولت آرمانی وی، مؤسس و بنیانگذار آنست که باید باهوش، علم‌آموخته، با اخلاق، سالم، شریف، عادل و سخنوری زبردست باشد. چنین شخصیتی است که از نزول «وحی» برخوردار شده و فلسفه را به زبان ساده

* پروفیسور دکتر نوح فرهادی استاد مدیریت استراتژیک در کتابی که در دست تهیه دارد از سال ۱۹۴۶ (پس از پایان جنگ جهانی دوم) تا سال ۱۹۷۹ (وقوع انقلاب اسلامی در ایران) را «Iran1.0» و دوره چهل ساله جمهوری اسلامی را «Iran2.0» و پس از آن را با نام «Iran3.0» به عنوان کشوری در نظر می‌گیرد که در تغییراتی شگرف به سوی اقتصاد مبتنی بر اکوسیستم‌های تجاری گام بر می‌دارد.

غربی سال ۱۳۵۷ راه خطا رفت. اما خطای او از خطای دیگران دردناکتر بود. مصدق با خمینی نوچه کاشانی دست مودت نمی‌داد که بزرگان وقت «جبهه ملی» دادند و پیروان «جبهه ملی» را نیز به بیراهه بردند. نام پر افتخار «جبهه ملی ایران» در آنجا به طرز فجیعی خدشه‌دار شد.

حال شما نگران از بین رفتن آبروی «جبهه ملی» به واسطه جانبداری گروهی از «جبهه ملی» از سخنان شاهزاده رضا پهلوی هستید؟

عزیزان و سروران «جبهه ملی ایران»، شما رهروان راه مصدق هستید. در این اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی درون ایران از شما انتظار می‌رود که با رهنمودهای خود چراغی فراراه مردم ایران باشید تا آنها هرچه زودتر به هدف خود که همانا آزادی مملکت از زیر یوغ استثمار و دیکتاتوری مذهبی است نائل شوند. چه اجباری شما را وادار می‌کند که راهنمایی‌های حاصل تجارب سیاسی خود را در این ایام حساس از آن مردم دریغ داشته و در عوض انرژی و وقت خود را صرف مسائلی اینچنین کوچک و بی‌ارزش نمائید؟ از آن گذشته، اغلب اعضای «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» جوانانی پاک و بی‌آلایش هستند که صمیمانه درد وطن دارند و عنوان «جبهه ملی ایران» با نام مصدق برایشان مترادف است. شایسته شما گرامیان نیست که با آنها بی‌مهری نمائید. آشکار است تا زمانی که جمهوری سفاک اسلامی بر سر کار است دست و بال شما در تهران بسته است و لذا انتظار نمی‌رود که قادر باشید به اقدامات ضد رژیم، نظیر آنچه گاه در خارج از ایران شاهدیم، دست بزنید. ولی می‌توانید و جا دارد اقلا از کسانی که در خارج از ایران فعالیت‌های وطن‌پرستانه داشته و اشتیاق دارند نام «جبهه ملی ایران» را همچنان زنده نگه دارند پشتیبانی کنید. من با برخی روش‌های اعضای «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» شاید اختلاف سلیقه داشته باشم اما در صداقت و میهن‌پرستی و پرکاری آنها شکی ندارم. و این را حق آنان می‌دانم که تفکری متفاوت با سلف خود در جبهه ملی، البته در چارچوب اصول پذیرفته شده جبهه ملی ایران، داشته باشند.

آیا شما مطمئن هستید که اگر مصدق زنده می‌بود همین تصمیم را اتخاذ می‌کرد که این عزیزان گرفته‌اند؟ شما که از موضع یار وفادار مصدق، زنده‌یاد دکتر صدیقی در روزهای آخر سلطنت پهلوی آگاه هستید. آیا ایشان به دعوت محمدرضا شاه برای تصدی مقام نخست‌وزیری نه گفت؟ آیا گرفتاری و دغدغه ما امروز بر سر این است که «جبهه ملی» به من تعلق دارد یا به تو؟! آیا پرداختن به اینگونه افکار بی‌ارزش در این روزگار پر مخاطره برای میهن‌مان گناه نیست؟ چه خوب است بگذاریم هر کس که در راه اتحاد مردم قدمی بر می‌دارد و یا تفکری ارائه می‌دهد آزاد و راحت باشد. و چه خوب بود که شما موضع‌گیری «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» را تحمل می‌کردید و به آنها تهمت سوء استفاده از نام «جبهه ملی» را نمی‌زدید. مطمئن باشید که تمام اسامی «جبهه ملی»‌های مختلف در دنیای رسانه‌ای مجازی شناخته شده هستند و از بابت اقدام «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» گردی بر قیای شما نمی‌نشیند.

در خاتمه تاکید می‌کنم در این بلبشویی که می‌دانیم قدرت‌های جهانی چه خوابی برایشان دیده‌اند، فقط اتحاد مردم است که می‌تواند مملکت را از هر مهلکه‌ای نجات دهد. پیشاپیش از بذل توجه شما به عرایضم سپاسگزارم و دست یکایک شما را می‌فشارم. به امید دیدن ایرانی دموکراتیک با الگوی مصدق همیشه گرامی ما.

دوستدارتان دکتر سیف اهدائی



سخنگوی شما در خارج از ایران نیز این گروه را نمی‌شناسند؟! من از ایشان که همیشه همچون برادری کوچکتر با او در گذشته همکاری داشته و به خوبی این حقیر را می‌شناسند و از خلق و خوی و رفتارم با دیگر اعضای جبهه ملی در زمان حیات شادروان مدنی مطلع هستند و از کوشش‌های همیشگی من برای رفع اختلافات پایان‌ناپذیر بین اعضاء در آن زمان واقفند گله‌مندم که چرا ایشان شما را از تاختن بر این گروه وطن‌پرست برحذر نداشتند. این کار شما بزرگان متأسفانه فقط به تفرقه و نفاق بیشتر دامن می‌زند، یعنی کاری که ناخواسته جمهوری اسلامی را خشنود می‌کند و بس. صمیمانه معتقدم که «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» در خور تشویق و تشکرند، نه حمله و عتاب.

محض اطلاع شما، اگر مطلع نباشید، عرض می‌کنم که هسته مرکزی این گروه از جبهه ملی همان یاران شادروان مدنی هستند که با کوشش مداوم خود جوانانی را به گروه خود جذب کرده‌اند و مشغول فعالیت برای آزادی میهن خود هستند. این گروه «یک‌شبه» به وجود نیامده و نحوه به وجود آمدن آن تفاوتی با دیگر گروه‌های جبهه ملی ایران در خارج کشور ندارد. می‌توانم ناگفته بگذارم، و لذا با تمام احترامی که به پیشکسوتی شما دارم، عرض می‌کنم که ایراد شما برای استفاده‌ی این گروه از نام «جبهه ملی»، یک ایراد غیرقابل قبول و غیرحقوقی است. و این موضع قاطعی که شما برای انحصاری کردن نام «جبهه ملی» اتخاذ کرده‌اید از نظر حقوقی، با توجه به اتفاقاتی که در دهه‌های اخیر بر سر این نهاد سیاسی آمده است، نمی‌تواند از اعتبار محکمی برخوردار باشد. این ادعا در قوی‌ترین شکل خود فقط می‌تواند مورد بحث و جدل قرار گیرد. شما عزیزان خود در همان تهران به محض اینکه اختلاف نظری با یکدیگر پیدا می‌کنید از یکدیگر جدا شده و «جبهه ملی» جدیدی به وجود می‌آورید. حال چگونه است که همان اقدام را از جانب دیگر هموطنان غیراخلاقی می‌دانید؟ و می‌فرمایید باید کنگره‌ای تشکیل شود تا بر وجود و فعالیت گروه تازه مهر تایید بزند والا آنها از نظر شما «جبهه ملی» نیستند! جساترا می‌پرسم آیا گمان نمی‌کنید که این کار شما بازی یک بام و دو هوا را به ذهن انسان متبادر می‌کند؟ اما نظر شخصی خودم در مورد «جبهه ملی ایران»، با پوزش از شما و دیگرانی که گونه‌ای دیگر فکر می‌کنند این است که نه «جبهه ملی ایران» و نه حتی مصدق، که تا زنده‌ام برایم قهرمان ملی و عزیز است، هیچکدام مقدس نیستند. «جبهه ملی ایران» متأسفانه کارآیی خود را در ایران از دست داده است. مدت‌هاست که ابتکار عملی نداشته است، پیر شده است و نیروهای جوان جذب نکرده است.

«جبهه ملی ایران» نیز مانند بسیاری دیگر در فتنه خمینی-

درددلی با پیشکسوتان «جبهه ملی ایران»: شما که با خمینی نوچه کاشانی دست مودت دادید، نگران آبروی «جبهه ملی» به خاطر پشتیبانی از سخنان شاهزاده رضا پهلوی هستید!؟

● شما عزیزان خود در همان تهران به محض اینکه اختلاف نظری با یکدیگر پیدا می‌کنید از یکدیگر جدا شده و «جبهه ملی» جدیدی به وجود می‌آورید. حال چگونه است که همان اقدام را از جانب دیگر هموطنان غیراخلاقی می‌دانید؟ و می‌فرمایید باید کنگره‌ای تشکیل شود تا بر وجود و فعالیت گروه تازه مهر تایید بزند والا آنها از نظر شما «جبهه ملی» نیستند!

● نه «جبهه ملی ایران» و نه حتی مصدق، که تا زنده‌ام برایم قهرمان ملی و عزیز است، هیچکدام مقدس نیستند. «جبهه ملی ایران» متأسفانه کارآیی خود را در ایران از دست داده است. مدت‌هاست که ابتکار عملی نداشته است، پیر شده است و نیروهای جوان جذب نکرده است.

● «جبهه ملی ایران» نیز مانند بسیاری دیگر در فتنه خمینی- غربی سال ۱۳۵۷ راه خطا رفت. اما خطای او از خطای دیگران دردناکتر بود. مصدق با خمینی نوچه کاشانی دست مودت نمی‌داد که بزرگان وقت «جبهه ملی» دادند و پیروان «جبهه ملی» را نیز به بیراهه بردند. نام پر افتخار «جبهه ملی ایران» در آنجا به طرز فجیعی خدشه‌دار شد. حال شما نگران از بین رفتن آبروی «جبهه ملی» به واسطه جانبداری گروهی از «جبهه ملی» از سخنان شاهزاده رضا پهلوی هستید؟

اخیرا برخی گروه‌های مختلف سیاسی با انتشار اعلامیه‌هایی پشتیبانی خود را از سخنان ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ شاهزاده رضا پهلوی ابراز داشته‌اند. پس از اینکه گروهی از اپوزیسیون خارج از ایران به نام «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» چنین موضعی را اعلام کردند، بلافاصله واکنشی تند و پرخاشگرانه از جانب بزرگان و سردمداران «جبهه ملی ایران» در تهران انتشار یافت. آن بزرگان که دست بر قضا خود از دو و یا احياناً سه «جبهه ملی» مختلف در تهران هستند ناگهان تصمیم گرفتند که وجود «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» را انکار کنند. آن پیشکسوتان متأسفانه، ضمن انکار آشنایی با این گروه از اپوزیسیون، نام آنرا «موهوم» و کار آنرا «سوء استفاده» از نام «جبهه ملی ایران» و پروسه به وجود آمدن آن را «یک‌شبه» خواندند.

روی سخنم با آن بزرگواران است:

دوستان گرامی، رهروان راه مصدق، اگر کم‌لطفی نفرمایید، به خوبی می‌دانیم که با نام همه «جبهه ملی»‌های خارج از کشور آشنایی دارید ولی از آنجا که این گروه موضعی متفاوت با موضع شما گرفته است ناخشنود هستید. حال به فرض اینکه شما گرامیان نشسته در تهران از وجود «جبهه ملی ایران- برون‌مرز» مطلع نبوده‌اید، آیا

برکناری فرمانده یگان حفاظت علی خامنه‌ای سه روز پس از برکناری حسین طائب از ریاست «ساس»

● به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های سپاه تغییراتی برای آنچه مقابله با نفوذ خوانده می‌شود آغاز شده است. آنهم در حالی که از یکسو تیم طائب یکی از نزدیک‌ترین جریان‌های امنیتی به خامنه‌ای بود و از سوی دیگر هیچ معلوم نیست آنهاپی که جانشین قبلی‌ها می‌شوند، خودشان نفوذی نباشند!

● سخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد حسن مشروعی فر جایگزین پاسدار ابراهیم جباری در سپاه حفاظت علی خامنه‌ای شده است.

● گفته می‌شود در روزهای اخیر شماری از فرماندهان رده بالای سپاه بازداشت شده‌اند.

سه روز بعد از برکناری حسین طائب از ریاست سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام شد فرمانده حفاظت «سپاه ولی امر» نیز برکنار شده است. پاسدار رمضان شریف سخنگوی سپاه شنبه چهارم تیرماه اعلام کرد با حکم فرمانده کل سپاه سردار پاسدار حسن مشروعی فر جایگزین پاسدار ابراهیم جباری شد.

سپاه «حفاظت ولی امر» از یگان‌های ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، که مسئولیت حفاظت فیزیکی از علی خامنه‌ای و شماری از اطرافیان او را به عهده دارد. این یگان با آغاز رهبری خامنه‌ای در سال ۱۳۶۸ و تفکیک بخشی از سپاه حفاظت «انصارالمهدی» تأسیس شد.

مقر اصلی سپاه حفاظت ولی امر واقع در مجموعه حفاظتی «مطهری» واقع در میدان پاستور بود با این حال بخش عمده‌ای از تجهیزات پشتیبانی آن از سال ۱۳۸۶ به خیابان نجات‌اللہی



دو سه روز قبل از برکناری طائب روزنامه الشرق الاوسط به نقل از منابع اسرائیلی نوشت «طائب اخیراً به دلیل تعداد زیاد ترور فرماندهان و نیروهای امنیتی رژیم ایران مورد انتقاد شدید قرار گرفته و با اتهام سهل‌انگاری روبروست بنابراین مسئله انتقام از اسرائیلی‌ها برای او به یک انتقام شخصی تبدیل شده است.» این در حالیست که برخی ناظران این خبر را آدرس غلط دانسته و احتمال می‌دهند خود طائب مأمور بوده باشد منتها اعتراف به آن برای جمهوری اسلامی بسیار دشوار است و چه بسا به «مرگ طبیعی» سر به نیست شود!

(ویلا) منتقل شد. تعداد نیروی «سپاه ولی امر» در حدود ۱۲۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های سپاه تغییراتی برای آنچه مقابله با نفوذ خوانده می‌شود آغاز شده است. آنهم در حالی که از یکسو تیم طائب یکی از نزدیک‌ترین جریان‌های امنیتی به خامنه‌ای بود و از سوی دیگر هیچ معلوم نیست آنهاپی که جانشین قبلی‌ها می‌شوند، خودشان نفوذی نباشند!

همچنین گفته می‌شود در روزهای اخیر شماری از فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازداشت شده‌اند.

در گذشت بانو شمسی رحیمی، همکار دیرینه کیهان



با قلبی مملو از تأسف و تأثر، در گذشت

بانو شمسی رحیمی

همکار عزیز و نازنین، همسر دکتر ناصر رحیمی را که همه دوستداران خود را در اندوهی فراوان فرو برد، به اطلاع می‌رسانیم.

شمسی رحیمی، در ۴ ژانویه ۱۹۴۴ در ایران دیده به جهان گشود و در ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲ در بیمارستانی در لندن چشم از دنیای فانی فرو بست. او فارغ التحصیل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود. وی پس از شورش ۱۳۵۷ ناچار به ترک ایران شد و همراه خانواده به انگلستان مهاجرت کرد.

بانو رحیمی از سال ۱۹۸۴ همکاری خود را با کیهان لندن آغاز و از همان روزهای نخستین، همکاران خود را شیفته اخلاق و رفتار خود نمود.

آن شادروان مین دوستی راستین بود که تا روزهای آخر زندگی آرزوی آزادی ایران و هموطنانش را در سر می‌پروراند و برای بازگشت به ایران روزشماری می‌کرد. افسوس که آرزویش برآورده نشد و دار فانی را وداع گفت.

این فقدان بزرگ را به **دکتر ناصر رحیمی**، فرزندان برومندش **علی**، **امیر** و خانواده‌های وابسته از صمیم قلب تسلیت گفته و برایشان آرامش آرزو داریم.

روانش شاد و نام نیکش پیوسته جاودان باد.

امیر طاهری، **لعبت والا**، **نازنین انصاری**، **محمد رضا حمیدی**، **پرویز مصباح زاده**، **احمد احرار**، **توفیق ممتاز**، **الاهه بقراط**، **رضا رزاقی** و **گیلدا وزیر دفتری**.

دکتر ناصر رحیمی عزیزم

ضایعه درگذشت، همسر ارجمند، شمسی بانورا از صمیم قلب بر شما، علی، امیر و خانواده‌های وابسته تسلیت گفته، استدعا دارم مرا در سوگواری خود شریک بدانید.

رضاتقی زاده

وریا غفوری در دل میلیون‌ها ایرانی؛ کاپیتان آبی و حامی مردم از «استقلال» رفت

● وریا غفوری از معدود ورزشکاران فعال در ایران است که بارها از حقوق مردم، اعتراضات و خواست‌های برحق آنها حمایت و از عملکرد جمهوری اسلامی انتقاد کرده است.

● وریا غفوری فوتبالیست ۳۴ ساله در ۶ سال حضورش در تیم فوتبال «استقلال» (تاج) صاحب یک مقام قهرمانی لیگ برتر و یک جام حذفی شده است.

● او پیشتر گفته بود وقتی صحبت از مسائل اجتماعی و مدنی می‌شود، فوتبال دیگر در اولویت او نیست و از جایگاه خود برای بیان خواسته‌های هواداران خود استفاده می‌کند.

● وریا غفوری در بهمن ۹۷ به دلیل انتقاد از محمدجواد ظریف وزیر خارجه دولت حسن روحانی به حراست وزارت ورزش احضار شده بود. ظریف گفته بود «افتخار می‌کنیم به خاطر فلسطین تحت فشاریم!» و این فوتبالیست به وی چنین واکنش نشان داده بود: «شما نیستید که تحت فشارید این مردم معمولی هستند که تحت فشارند».

وریا غفوری کاپیتان تیم فوتبال «استقلال» (تاج) و از حامیان اعتراضات و خواست‌های برحق مردم ایران در پی عدم تمدید قرارداد باشگاه «استقلال» از این تیم جدا شد. وریا غفوری فوتبالیستی که با مواضع خود محبوب مردم شده است، مدتی قبل اعلام کرده بود منتظر تماس مسئولان باشگاه «استقلال» (تاج) است تا قراردادش را با این تیم تمدید کند. در نهایت روز گذشته اعلام شد او به دلیل عدم تماس مسئولان «استقلال» تصمیم به جدایی از این تیم گرفته است. «استقلال» در توییتری صبح امروز چهارشنبه ۸ تیر به عنوان خبر فوری نوشت: «وریا غفوری از استقلال جدا شد». این خبر در حالی منتشر شده که وریا غفوری از معدود ورزشکاران فعال در ایران است که بارها از حقوق مردم، اعتراضات و خواست‌های برحق آنها حمایت و از عملکرد جمهوری اسلامی انتقاد کرده است.

در پی انتشار خبر تمدید نشدن قرارداد وریا غفوری، هواداران تیم «استقلال» در کنار دوستداران وریا غفوری در شبکه‌های اجتماعی، با یادآوری برخی موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی او در حمایت از اعتراضات مردم ایران، هشتگ #وریا_تنها_نیست را ترند کرده‌اند.

در مقابل اما برخی رسانه‌ها به «توجیه» عدم تمدید قرارداد باشگاه «استقلال» با او پرداخته و اعلام کردند که کادر مدیریتی باشگاه باز هم در صدد «جوانسازی» ترکیب تیم «استقلال» در فصل جدید است!

این توجیه در شرایطی مطرح شده که وریا غفوری فوتبالیست ۳۴ ساله در ۶ سال حضورش در تیم فوتبال



شعار «رضاشاه روح شاد» سر دادند و صداسیمای جمهوری اسلامی مجبور به قطع صدای استادیوم در پخش زنده شد. هواداران «استقلال» همچنین عبارت «رضاشاه» را با آهنگی خواندند که متن سرود اصلی آن چنین است: «تیم تاج (استقلال) قهرمان... نام تو جاودان!»

وریا غفوری در حاشیه جشن قهرمانی «استقلال» نیز گفته بود «قهرمانی استقلال را جشن نگیریم به خاطر مردم آبادان؛ این بیشتر مراسم بود و ته دلمان غم بزرگی برای مردم آبادان بود. دریغ که حکومت با گلوله پاسخ این غم را داده است.»

او چند روز پیش نیز در واکنش به جریان‌سازی عده‌ای از حامیان جمهوری اسلامی که شایعه کرده بودند وریا غفوری به جریان تجزیه‌طلب گرد نزدیک است، در جمع خبرنگاران گفت: «می‌خوام بهشون بگم وطن‌فروش من نیستم؛ تجزیه‌طلب من نیستم؛ من به جان دارم، هزاران بار فدای ایران می‌کنم.»

وریا غفوری در سال جاری نیز که مأموران انتظامی در ورزشگاه مشهد با پاشیدن اسپری فلفل به زنان و کودکان مانع ورود آنان به ورزشگاه شدند، این اقدام را «شرم‌آور» خواند و نوشت: «به عنوان یک فوتبالیست واقعاً شرمنده می‌شوم که در دورانی بازی می‌کنم که مادران و خواهران حق ورود به ورزشگاه را ندارند.»

کاپیتان پیشین تیم فوتبال «استقلال» تهران اردیبهشت امسال بعد از بازی تیم‌اش مقابل فولاد خوزستان، در حمایت از اعتراض‌های مردمی به ویژه در همین استان گفت «این حق مردم ایران است که سعادتمند زندگی کنند.» وی افزود: «من نمی‌دانم، مسئولین شرمنده نمی‌شوند این موقعیت و وضعیت را می‌بینند؟!»

وریا غفوری همچنین در بهمن ۹۷ به دلیل انتقاد از محمدجواد ظریف وزیر خارجه دولت حسن روحانی به حراست وزارت ورزش احضار شده بود. او در اینستاگرام خود با انتقاد از ظریف خطاب به او نوشته بود «اگر افتخار می‌کنید به خاطر فشارها برای حمایت از فلسطین و لبنان و یمن برای این است که شما نیستید که تحت فشارید این مردم معمولی هستند که تحت فشارند».

محمدجواد ظریف ۲۴ بهمن ۹۷ در یک سخنرانی گفته بود: «افتخار می‌کنیم به خاطر فلسطین تحت فشاریم!» این سخن «سردار دیپلماسی» جمهوری اسلامی انتقادات زیادی را علیه او در پی داشت.

بر اساس خبرهایی که تا کنون منتشر شده وریا غفوری احتمال دارد به تیم فولاد خوزستان بپیوندد. او پیش از این اعلام کرده بود پیوستنش به فولاد در صورتی رخ خواهد داد که در «استقلال» نباشد.

استقلال (تاج) صاحب یک مقام قهرمانی لیگ برتر و یک جام حذفی شده است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی طی چهار دهه فضایی به وجود آورده که بسیاری از هنرمندان و ورزشکاران و به اصطلاح سلبریتی‌ها در ازای دریافت موقعیت و رانت در



نقش حامیان نظام ظاهر شده و در مواردی چون انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی در حمایت از یکی از کاندیداهای حکومتی اعلام موضع می‌کنند، کم هستند ورزشکاران و هنرمندانی که مانند وریا غفوری که کنار مردم و ایران بایستند و از اقدامات جمهوری اسلامی انتقاد کنند. وریا غفوری چند هفته پیش در جمع خبرنگاران و در روزهایی که اعتراضات مردمی در آبادان و چند شهر ایران، و اعتراضات صنفی آموزگاران و بازنشستگان بطور گسترده ادامه داشت، گفته بود که وقتی صحبت از مسائل اجتماعی و مدنی می‌شود، فوتبال دیگر در اولویت او نیست و از جایگاه خود برای بیان خواسته‌های هواداران خود استفاده می‌کند.

در یکی از رویدادهای چشمگیر، وقتی تیم استقلال (تاج) روز دوشنبه ۹ خرداد در استادیوم «آزادی» (آریامهر) در حضور ده‌هزار تماشاگر به مصاف تیم نفت مسجد سلیمان رفت و سپس جشن پیروزی آن در لیگ برتر فوتبال ایران برگزار شد، این وریا غفوری بود که بارها با فریادهای پرشور از سوی همه تماشاگران و نه فقط طرفداران «استقلال» تشویق شد. این فوتبالیست وقتی برای دریافت جام قهرمانی به روی سکو می‌رفت، هواداران شعار می‌دادند «وریا با غیرت حرف تو حرف ملت!»

در همین مسابقه بود که هزاران تماشاچی در چند نوبت

محاكمه وزير (بازداشت سردار سپاه)

کالبدشکافی یک طغیان (۶)

(کيهان لندن شماره ۱۱۲۵-۱۱۰۰)

فروردین تا مهر ۱۳۸۵



احمد احرار

انتظار کشیدند و جست و جو کردند اثری از سپاه کرد یا هر نوع تحرک غیرعادی ندیدند. به تدریج شک در دل شاه راه یافت و این گمان برایش حاصل شد که شاید تمام ماجرا دروغی بیش نبوده باشد. پیش خودش منفعل بود که چرا دچار زودباری شده و با تصمیمی عجولانه چنان ستمی در حق وزیر اعظم روا داشته است. حکیمباشی را فراخواند و با تحکمی که کمتر از ناحیه او دیده شده بود دستور داد زخمهای اعتمادالدوله را مرهم نهد و مراقب سلامت او باشد و سوگند یاد کرد که اگر در این کار غفلت کند سرش به باد خواهد رفت.

پس از آن که وزیر تیره‌روز اندکی بهبود یافت و فتحعلی خان نیز در زندان جای گرفت و لشکرش پراکنده شد، به امر شاه سلطان حسین مجلسی برای محاکمه اعتمادالدوله ترتیب یافت. در این مجلس، شاه شخصا تحقیقات را بر عهده گرفت. وزیر معزول و مخدول را به حضور آوردند و اتهاماتی را که بر وی وارد شده بود برشمردند. او یکایک آن اتهامات را با دلایل قوی پاسخ گفت و متقابلاً دشمنانش را به دسیسه چینی متهم کرد.

گذشته از نامه مجعول و مواضع موهوم برای کشتن شاه و برانداختن سلطنت صفوی، اتهام دیگر اعتمادالدوله این بود که قدرت را در وجود خود و بستگانش متمرکز ساخته

خان اعتمادالدوله قصد دارد با کمک کردهای ناراخی شاه را غافلگیر ساخته به قتل برساند و در همان حال لطفعلی خان با سپاه زیر فرمان خود به اصفهان وارد شود و به سلطنت صفوی خاقه دهد.

در اثبات این ادعا، حکیمباشی و ملاباشی نامه‌ای را که ادعا داشتند اعتمادالدوله برای رئیس کردها فرستاده است به شاه ارائه دادند. نامه، مهر سلطنتی داشت و مهر سلطنتی نیز در اختیار اعتمادالدوله بود. بازي، چنان ماهرانه صورت گرفت که شاه سلطان حسین به وحشت افتاد و قورچی باشی (رئیس اسلحه خانه یا به تعبیر امروزی فرمانده گارد



شاه سلطان حسین و درباریان

و در کارها، بدون شور و صلاحیت شاه اقدام می‌کرده است. اتهامی که چندین قرن پیش از آن، موجب برکناری نظام الملک از منصب وزارت شده بود. زمانی که ملک‌شاه سلجوقی بر اثر سعایت مادرش ترکان خاتون و همدستان وی در دستگاه سلطنت، نظام الملک طوسی را به دلیل اقتدار و نفوذ بیش از اندازه‌اش مورد بی‌مهری قرار داد و به کناره‌گیری واداشت نظام الملک گفته بود دستار وزارت من و تاج سلطنت تو به هم پیوسته است. امروز دستار از سر من گرفته می‌شود، فردا تاج از سر تو خواهد گرفت. فتحعلی خان اعتمادالدوله نیز در مدافعات خود سخنی به همین مضمون بر زبان آورد و چیزی نباید که چنان واقع شد.

رفتاری که با لطفعلی خان صورت گرفت، از این هم قبیحتر و نامردمی‌تر بود. نوشته‌اند «حسب الامر دست او را بسته و سر او را شکسته و دو شاخه نموده (نوعی به بند کشیدن) به اصفهان رسانیدند و بر طبق خواهش امرا، او را ملبس به لباس نسوان نموده بر گاوی واژگون سوار کرده، دم گاو را به دست او داده بودند و لوطیان شهر (حزب‌اللهیان) استقبال او کرده و چند سگی را به هیئت کتل اسب، پیش پیش او می‌کشیدند و از اطراف و جوانب تف و لعنت و اهانت بی‌نهایت نموده او را حبس نمودند».

شماره آینده: افغان در پشت دروازه اصفهان

سلطنتی) را به حضور خواند و مأمور کرد که بی‌درنگ اعتمادالدوله را در خانه‌اش دستگیر و در صورت مقاومت، سر از تنش جدا کند.

قورچی‌باشی با افراد مسلح خود به خانه اعتمادالدوله هجوم برد. خانه را در محاصره گرفت و کسانی را به درون خانه فرستاد با این دستورالعمل که بلافاصله پس از دستگیر ساختن آن «خان» چشمانش را از حدقه بیرون بکشند. در همان حال شاه سلطان حسین قاصدی روانه شیراز کرد و پیامی محرمانه برای حاکم آن ولایت فرستاد که لطفعلی خان را با حیل به درون شهر بکشاند و سپس او را دستگیر کند و دست بسته به اصفهان گسیل دارد.

حاکم برای به دام کشاندن لطفعلی خان نیاز به حیل به نداشت. پیامی فرستاد و او را برای مشورت در امری مهم فرا خواند. لطفعلی خان که از توطئه بی‌خبر بود بدون کمترین سوءظن، به محض آن که پیام حاکم به وی رسید از لشکرگاه جدا شد و به شهر رفت و در دام افتاد. او را نیز چنان که مقرر شده بود، دست بسته به اصفهان بردند.

شاه سلطان حسین فردای شبی که آن ماجرا رخ داد بر تعداد مدافعان شهر افزود و افواجی را نیز مأمور کرد راه بر کردها بگیرند و آنان را که گفته شده بود برای کشتن وی می‌آیند به سزای عملشان برسانند. اما چندان که رفتند و

محمود افغان، به مدت پنج ماه کرمان را در تصرف خود داشت. با آن که شهر، بر اثر فرار حاکم، بدون مقاومت تسلیم شده بود سپاه فاتح، رفتاری بیدادگرانه پیش گرفت. سپاهیان از فرمانده خود فرمان داشتند که در هرخانه‌ای خواستند ساکن شوند. خراج‌های سنگین بر اهالی بسته شد و اموالشان به غارت رفت. این بار آنها بودند که شیعیان را به ترک مذهب خود و گرویدن به تسنن و امی‌داشتند و چون مانع و رادعی در برابرشان نبود تا مناطق بندری تاخت و تاز می‌کردند.

در این هنگام، لطفعلی خان برادرزاده فتحعلی خان اعتمادالدوله که سرداری شجاع بود با سپاهی مجهز در شیراز به سر می‌برد. این سپاه برای سرکوبی شورشیان مسقط تجهیز شده بود ولی چون نیروی دریایی نداشت لطفعلی خان برای اجاره کشتی از پرتغالی‌ها و گذراندن نیروهای خود از آبهای خلیج فارس به پول نیاز داشت و انتظار رسیدن پول را می‌کشید. این انتظار هم به دلیل آن که یا پولی در خزانه موجود نبود و یا بر اثر رقابت‌های داخل دستگاه، رقابتی عمو و برادرزاده در ارسال آن کوتاهی می‌کردند طولانی شده بود. لطفعلی خان که چنین دید کوتاه کردن دست مهاجمان را از کرمان و بنادر بر فرودنشان شورش اعراب مسقط مقدم شمرد و به جانب کرمان تاخت. افغانها در برابر سپاه مجهز و فرمانده مصمم تاب مقاومت نیاوردند و کرمان را وانهادند و به قندهار بازگشتند.

لطفعلی خان به تلافی رفتار ناپسند اعیان و اکابر کرمان که با به اصفهان گریخته و یا دروازه را به روی مهاجمان گشوده بودند بر آنها سخت گرفت و املاک و اموالشان را مصادره کرد و دشمنی آنان را که در دستگاه سلطنت و حکومت نفوذ داشتند برانگیخت. از طرفی آن دسته از خواجگان حرمسرا و درباریان که با گروه داغستانی‌ها به زعامت فتحعلی خان اعتمادالدوله و برادرزاده‌اش لطفعلی خان میانه خوشی نداشتند و قدرت گرفت آنان را، به ویژه پس از پیروزی لطفعلی خان در کرمان بر می‌تافتند به طرح توطئه‌هایی برای تیشه زدن به ریشه آن دو پرداختند.

شاه سلطان حسین این زمان در تهران می‌زیست و حرمسرای خود را نیز به همراه داشت. لطفعلی خان پس از آن که اوضاع کرمان را سامان بخشید و پادگان نیرومندی در آنجا برقرار ساخت به شیراز بازگشت تا قشون خود را برای عملیات بعدی، از جمله فرودنشان شورش مسقط و بازپس گرفتن قندهار آماده کند. به طوری که نوشته‌اند این قشون تنها نیروی منظم و کارآمدی بود که می‌توانست اقتدار از دست رفته را به دولت صفوی بازگرداند در حالی که قضا، هم برای فرمانده این سپاه و هم برای پادشاه دین پناه و تخت و تاج صفوی سرنوشت دیگری رقم زده بود.

شبی، هنگامی که شاه سلطان حسین با یکی از زنان متعدد خویش هم‌اغوش بود، ملاباشی و حکیمباشی سرزده به خوابگاه او وارد شدند. چنان عملی غیرمتعارف و گستاخانه بود. اما حکیم باشی و ملاباشی در برابر شاه که هم وحشت‌زده و هم خشمگین از بستر بیرون جهیده بود زانو زدند و بخشش طلبیدند و متعذر گشتند که اگر نگران جان مرشد کامل (عنوانی که در مورد سلاطین صفوی به کار می‌رفت) و به هدف پیوستن توطئه خائنانه داغستانی‌ها نبودند مرتکب چنین جسارتی نمی‌شدند.

آنها مدعی کشف یک «کودتا» توسط اعتمادالدوله و برادرزاده‌اش لطفعلی خان بودند بدین معنی که فتحعلی

حشمت مؤید

دانش

ماجرای شاه و دانشگاه شیکاگو

(تاریخ نشر در کیهان لندن: آبان ۱۳۸۸ شماره ۱۲۸۱)

های و شاه خیلی خندید. این کودک آن روز ۱۵ - ۱۶ سال بعد روزی از دوچرخه افتاد و بر اثر خونریزی مغز درگذشت. چندان مدتی نگذشته بود که منیژه هم به سکنه قلبی جان سپرد و همسر با فرهنگ خود را با دختری خردسال در مامی بیکران به جا گذاشت.

برگردیم به موضوع: پس از مراسم پرده برداری از سنگ زیر بنای عمارت «پهلوی»، شاه و همراهانش به معروفترین هتل شهر که گفته می‌شد سه طبقه آن را در اختیار شاه نهاده بودند رفت. گفته می‌شد که طبقه وسط خوابگاه شاه خواهد بود

و رئیس دانشگاه بر آن جلوس نمودند. قهوه مخصوصی آماده کرده بودند و یک فنجان آن به شاه تقدیم شد. معلوم ما نشد که آیا در اطاق استراحت برای اعلیحضرت صبحانه‌ای فراهم کرده بودند و حضور او در این ایوان صرفاً جنبه تشریفاتی و دیدار با دیگر استادان را داشت یا آن که وی واقعاً جز همان یک فنجان قهوه چیزی نخورد.

نیم ساعتی نگذشت که شاه برخاست و همراه با رئیس دانشگاه آهسته قدم زنان به قطعه زمینی که در سمت شرقی اربیتال اینستیتوت و کنار چهارراه واقع است رفتند. جمع قلیل

آنچه می‌خوانید خاطره‌ی است از دکتر حشمت مؤید استاد دانشگاه شیکاگو که در آخرین شماره «ایران شناسی» به چاپ رسیده است. فصلنامه «ایران شناسی» را دکتر جلال متینی رئیس پیشین دانشگاه فردوسی (مشهد) در آمریکا (مریلند) انتشار می‌دهد و دکتر حشمت مؤید با آن همکاری دارد.

دکتر مؤید، در حاشیه مطلب نوشته است: «حکایت این ماجرا که امروز دیگر فراموش شده، روزگاری موضوع حاد بحث‌های موافق و مخالف، مخصوصاً در حلقه‌ای از دانشمندان و دانشگاهیان آن ایام بود و در سفری که همان اوقات به تهران رفته همه به جد با طنز می‌خواستند از زبان من «اسراری مگو» بشنوند!

در تیر ماه سال ۱۹۶۹ (یا شاید ۱۹۷۰) محمدرضا شاه پهلوی سفری به شیکاگو آمد و یک شب و یک روز در هاید پارک (جنوب شهر) مهمان دانشگاه شیکاگو بود. وزیر دربار، اسدالله علم و پزشک مخصوص شاه سپهد دکتر ایادی از همراهان او بودند.

طرف غروب روز ورود، مهمانی مجلی در یکی از تالارهای موزه اربیتال اینستیتوت (Oriental Institute) ترتیب داده شده بود. رئیس مؤسسه مرا به شاه معرفی کرد و او از من پرسید که چند سال است که در این دانشگاه هستید و قبلاً کجا بوده‌اید. و از سر لطف اظهار امیدواری کرد که روزی در یکی از دانشگاههای ایران نیز درس بدهم و تجارب حاصل از تحصیل و تدریس در آلمان و ایتالیا و آمریکا را در اختیار شاگردان ایرانی خود بگذارم. در یک طرف تالار خانم زونیس (Zonis) که همراه شوهرش ایامی در ایران زیسته و موسیقی شرقی تحصیل کرده بود، سنتور می‌نواخت. شاه به او نزدیک شد و پرسشهایی کرد که نشان می‌داد با موسیقی ایرانی ابداً بیگانه نیست.

میزهای پذیرایی شام را در تالار وسیع دیگری چیده بودند. رئیس دانشگاه پروفیسور بی‌دل (Beadle) که از برندگان جایزه نوبل در زیست‌شناسی و مردی در حد اعلا صداقت و صفای قلب بود، بر طبق وظیفه‌اش کوشید که چیزی درباره شخصیت شاه بگوید، ولی از عهده ادای اصطلاحات تشریفاتی و مبالغه‌آمیز بر نیامد و با صراحت دلپذیر خود خواهش کرد پُلک (Polk)، رئیس عربی‌دان مرکز مطالعات خاورمیانه این وظیفه را ادا کند. پُلک به اختصار از ترقیبات اخیر ایران و نیز از استعدادهای شخص شاه و حتی مهارت او در خلبانی سخن گفت و شخص اعلیحضرت هم چند دقیقه اظهار تشکر نمود. پس از صرف شام شاه در گوشه‌ای دور از دیگران با رؤسای شرکتهای بزرگ نفت که از ایندیانا (Indiana)، ایالت مجاور ایلینوی به شیکاگو آمده بودند به گفتگو پرداخت. پس از آن شب نشینی فراموش نشدنی شاه برای استراحت به عمارت معروف Robie House در سوی دیگر خیابان رفت. این عمارت تاریخی اثر فرانک لوید رایت، آرشیستیک نامدار آمریکایی محل سکونت احدی نیست و همچون امانتی تاریخی و با نهایت دقت نگاهداری می‌شود و استراحت پادشاه ایران در آن شاید امری بی‌سابقه و مسلماً استثنایی بود. صبح روز بعد همه استادان در ایوان عمارت مزبور حاضر شده ایستادیم تا شاه پایین آمد. وسط این ایوان که مشرف بر خیابان و چهارراه است، فقط دو صندلی گذاشته بودند که شاه



و دو طبقه زیر و بالای آن را برای پرهیز از هر سوءقصدی مأموران حکومت پاسبانی می‌کنند.

پیش از ظهر روز دوم رئیس دانشگاه و چند تن از استادان و نمایندگان حکومت، شاه را تا فرودگاه مشایعت کردند. جمع مشایعان در کنار پله‌های هواپیمای اختصاصی به صف ایستادیم. اعلیحضرت با یک یک دست داد و همه جز رئیس دانشگاه و من خم شده و دست او را بوسیدند. شاه صریحاً از امتناع من ناخشنود و متعجب بود و در چشمانم خیره شد، اما خوشبختانه بیش از چند ثانیه فرصت نبود. امتناع من از بوسیدن دست شاه مبتنی بر هیچ‌گونه مخالفت با شخص او نبود بلکه ناشی از معتقدات مذهبی من بوده و هست که هرگز دست کسی را نبوسیده‌ام جز دست پدر و مادر و زن و فرزند و خواهر و برادر که آن را البته قبیح می‌دانم. بوسیدن دست دیگران یادآور روزگاری است که آخوندها

دیگری هم پشت سر وی بودند و از سنگ زیر بنای عمارتی که تاریخ حضور شاه بر آن کنده شده بود پرده برداشتند. رئیس دانشگاه توضیح کوتاهی برای خبرنگاران بیان کرد.

در مدت حضور شاه جمیع عمارات دور و بر زیر نظر و مراقبت شهربانی شیکاگو و مأموران دولتی بود. گروهی از دانشجویان ایرانی که در آن روزها نغمه ضد پادشاه ایران را سر داده بودند در پیاده‌رو سوی دیگر خیابان مشغول تظاهرات بودند. نزدیک به شاه و پشت زنده‌ای کوتاه دو تن زن ایرانی، با کودکی ۳ - ۴ ساله در آغوش یکی از آنها ایستاده بودند. منیژه به صدای بلند از من می‌خواست که نظر شاه را به حضور محبت‌آمیز آنها معطوف سازم. شاه به آنها نزدیک شد و دستی به سر و روی کودک کشید و از مادرش پرسید که آیا به کودکش فارسی یاد می‌دهد. عرض کرد البته یاد می‌دهد و از بچه خود خواست که بگوید سلام. اما طفل معصوم گفت:

در واشنگتن و او همراه با پلک برای موضوع مهمی دعوت کرده است و او گمان می‌کرده که این نیز یکی از آن دعوتهای مجلل شاهانه است که می‌گفتند زباند محافل سیاسی در پایتخت آمریکا است و سفیر ایران چک یک میلیون سوم را نیز به او خواهد داد. اما پس از یک پذیرایی رسمی، آقای سفیر به او می‌گوید که چون دانشگاه شیکاگو به تعهد خود وفا نکرده و ابداً قدمی در راه اجرای موافقتنامه برداشته است، وی - یعنی سفیر ایران - به فرمان مطاع شاه باید دو میلیون پرداختی ایران را فوراً پس بگیرد. استاد لوی گفت که این تقاضا برای من غیر قابل تصور بود و لذا به سفیر ایران پیشنهاد کردم که فقط دو روز مهلت بدهد تا من با امنای دانشگاه و شورای استادان مشورت کنم. ولی سفیر ایران با لحنی قاطع گفت که شما مختارید با هرکس و هر مقامی مشورت کنید، ولی دستور مطاع پادشاه من این است که چک دو میلیون دلار را بی‌درنگ از شما پس بگیرم.

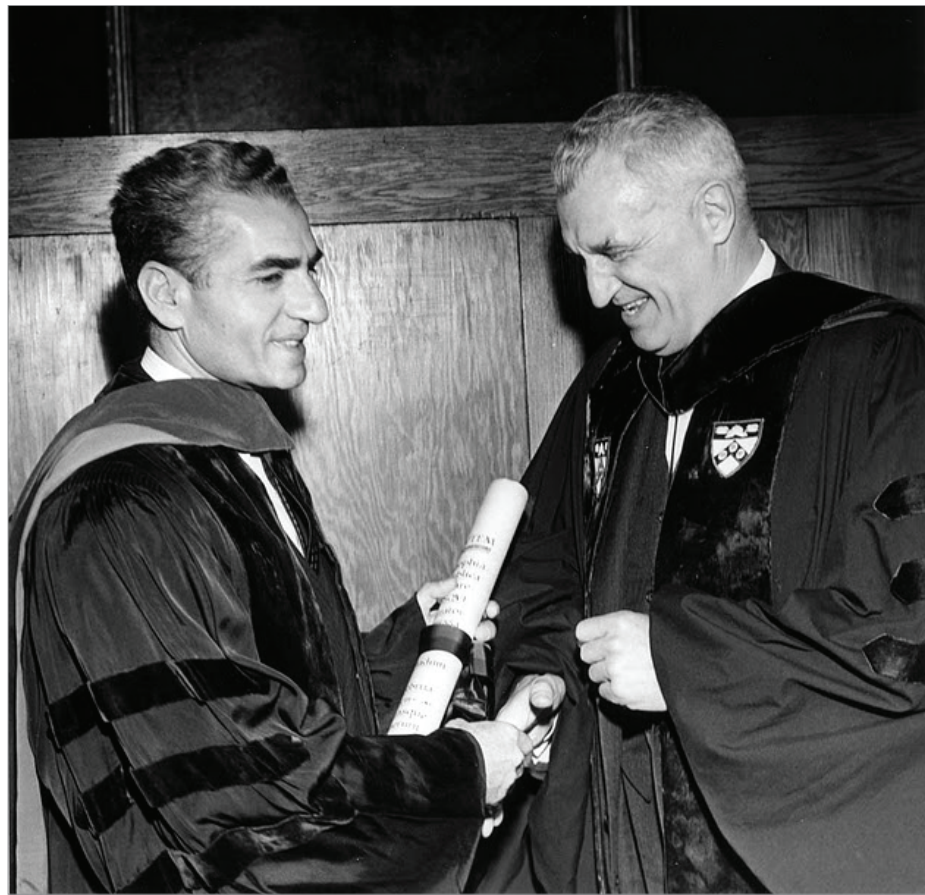
به این ترتیب ماجرای عطیه ملوکانه به دانشگاه شیکاگو که در ایران هم میان طبقات دانشگاهی بحثها و گفتگوهای مخالفت‌آمیزی برانگیخته بود، پایان یافت. مخالفان این طرح و تدبیر بی‌سابقه شاد شدند. آقای پلک هم که همیشه خیالات و هدفهای دیگری را دنبال می‌کرد از دانشگاه رفت و دیگر نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان. تدریس زبان و ادبیات فارسی دور از این بازیهای پس پرده و جنجالهای بازیگران جاه طلب ادامه یافت و چندی بعد دانشگاه با دعوت دو استاد دیگر، یکی در زبان‌شناسی و تدریس مقدماتی فارسی و دیگری در رشته تاریخ ایران از دوره صفوی به بعد، علاقه‌مندی و حمایت خود را از بسط دروس مربوط به ایران نشان داد. تعداد شاگردان ادبیات فارسی فزونی گرفت تا جایی که چند تن از فارغ‌التحصیلان همین رشته به استادی دانشگاههای دیگر خوانده شدند و تدریس زبان و ادبیات و تاریخ ایران رسمیت و اهمیت خود را احراز کرد. کتابخانه دانشگاه شیکاگو که در ابتدای ورود من بیش از 700 - 600 جلد کتاب مربوط به ایران شناختی نداشت، خواه به فارسی یا زبانهای معتبر غربی، امروز شنیدم بیش از هشتاد هزار کتاب مربوط به ایران را در گنجینه‌های خود جا داده است. زبان و ادبیات فارسی در سالهای بعد، مخصوصاً پس از انقلاب اسلامی، رسمیت و شیوع بیشتری یافت جز این که در سالهای اخیر طبعاً امتناع یا حداقل بیم یا بی‌میلی جوانان آمریکایی برای مسافرت‌های پژوهشی یا سیاحت و زبان‌آموزی به ایران بیشتر شده است، ولو آن که هر کس که رفته است با مهربانی و مهمان‌نوازی معروف خانواده‌ها و مقامات فرهنگی ایران پذیرفته شده و ممنون و راضی با بسیار خاطره‌های خوش برگشته است. امید که این سرچشمه زاینده لطف و دوستی و فرهنگ و ادب هرگز به خشکی نگراید و موطن فردوسی و نظامی و مولانا و سعدی و حافظ و خیام... همچنان قبله‌گاه عاشقان بماند و تحقیق در ادیان و جنبشهای قدیم و جدید مذهبی از زردشت و مانی گرفته تا آخرین آیین جهانی که از ایران ما برخاسته است، در این دانشگاه همچنان ادامه یابد.

البته نباید ناگفته گذاشت که پژوهش در رشته‌های مربوط به ایران باستان و نیز کاوشهای بسیار، نه فقط در تخت جمشید که متأسفانه فعلاً موقوف گشته، بلکه در بسیاری از نقاط مجهول دیگر ایران مانند چغامیش و چغازنبیل و کاشان و جیرفت کرمان و جاهای دیگر که همیشه در برنامه‌های فعالیتهای علمی این دانشگاه بوده است هرگز قطع نشده است و امروز هم ادامه دارد.

ودیع بگذارند که نیمی از آن هزینه ساختمان سابق‌الذکر را تأمین کند و با نیم دیگر چند استاد در رشته‌های تاریخ و ادیان و هنرها و علوم اقتصادی و سیاسی ایران انتخاب شوند. شاه که به ایران برگشت، دولت ایران یک میلیون اول سهم تعهد خود را حواله بانک مزبور پرداخت نمود با این توقع و انتظار معقول که دانشگاه متقابلاً به تعهد خود وفا کند و مقدمات کارهای ساختمانی شروع شود.

در این میان موضوع این موافقت به گوش همه استادان و میلیون‌نهایی که ستون مالی دانشگاه هستند رسیده بود و عده‌ای شدیداً به خشم آمده و مخالفت خود را با این که دانشگاهی عظیم با کیسه‌گدایی از یک کشور ضعیف مسلمان شرقی کمک بگیرد همه جا ابراز کرده بودند. در این بین استاد ادوارد لوی به ریاست دانشگاه انتخاب شد، همان کسی که مدتی رئیس آکادمی علوم آمریکا و دو - سه سالی وزیر دادگستری ایالات متحده بود، گمان می‌کنم در

وقتی که سوار بر اسب و الاغ در کوچه‌های قدیم شهرهای زمان قاجار می‌گذشتند، دست خود را دراز می‌کردند تا مریدانشان آن را به نشانه احترام و اعتقاد ببوسند. نگفتم که اصولاً مسافرت شاه به شیکاگو به چه علت و برای چه هدفی بود. توضیح مطلب این است که وقتی آقای ویلیام پُلک (Polk) به دعوت دانشگاه شیکاگو از شغل خود در وزارت خارجه آمریکا استعفا داد و برای ریاست مرکز (نه دپارتمنت) زبانهای شرقی به شیکاگو آمد، معتقد بود که فروش نفت چنان عایدی هنگفتی نصیب ایران می‌کند که شاه می‌تواند مبلغ ناچیزی از آن را برای پشتیبانی از رشته‌های گوناگون ایران‌شناسی به یک دانشگاه معتبر اهدا نماید. نیت او را رئیس و گروه استادان پسندیدند و او با هدیه‌ای نفیس به ایران رفت. هدیه مزبور یک دوره سه جلدی کتاب عظیم «تخت جمشید» چاپ دانشگاه و کار استادان دانشگاه بود که تا امروز هم کتابی به آن دقت و نفاست درباره تخت جمشید



زمان فورد (Ford). دولت ایران دو میلیون از مبلغ تعهد خود را پرداخت و هر روز منتظر اقدام دانشگاه برای شروع ساختمان و انتخاب تدریجی استادان جدید بود. این بود تا روزی رئیس دانشگاه تمام استادان علاقه‌مند را به حضور فوری در دفتر خود دعوت کرد. بیست نفری می‌شدیم که هر کار دیگری را گذاشتیم و به اطاق ایشان رفتیم. دعوت رئیس دانشگاه مربوط به هر موضوعی که باشد مهم و قبول آن برای استادان مقدم بر هر وظیفه دیگر است.

پرفسور ادوارد لوی گزارش داد که چند روز قبل سفیر ایران

منتشر نشده است. از من خواستند که عبارتی بر صفحه اول کتاب بنویسم. با خط خوش و حروف درشت نوشتم: «ران ملخی هدیه دانشگاه شیکاگو به درگاه پادشاه سلطان حشمتی» تقدیم به آستان...الخ. این عبارت را برای رئیس دانشگاه ترجمه کرده و حکایت مور ضعیف و ران ملخ را شرح داده بودند. وی البته آن را پسندیده، ولی با توضیحات پلک قبول کرده بود. سفر پلک به تهران و مذاکره با مقامات دربار منجر به عقد قراردادی شد که طبق آن دولت ایران و دانشگاه شیکاگو متعهد شدند که هرکدام مبلغ سه میلیون دلار در یکی از بانکهای معتبر

کودکانی که جمهوری اسلامی گشت

● نظام جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴ دهه حیات خود، گشتارهای گسترده جمعی خیابانی و زنجیره‌ای در زمین و هوا به راه انداخته و تعداد پرشمار و در عین نامعلومی از شهروندان ایران اعم از زن و مرد را گشته است. این گشتارها جدا از نقش ناکارآمدی مزمن رژیم در بحران‌های اقتصادی و اجتماعی است که باعث مرگ و بیماری و اعتیاد و آتش‌سوزی و فرو ریختن ساختمان‌ها و جدل‌های خیابانی و تصادفات رانندگی و قطار و سقوط هواپیما و گرسنگی و فقر و سوء تغذیه و... شده است.

● کودکان نیز به عنوان صدمه‌پذیرترین قشر جامعه از گشتار حکومتی مصون نمانده‌اند و شمار بسیاری از آنها در جریان اعتراضات خیابانی، شلیک موشکی سپاه به هواپیماهای مسافربری و قتل‌های زنجیره‌ای توسط مأموران نظام گشته شده‌اند.

● حساب توثیقی «۱۵۰۰+ تصویر» رشته توثیقی برای یادآوری کودک‌گشی رژیم ایران انتشار می‌دهد که در بین جانباختگان حتی کودک سه ساله نیز دیده می‌شود!

حساب حقوق بشری «۱۵۰۰+ تصویر» در توثیق‌هایی تصویر و نام، کودکانی را که توسط جمهوری اسلامی به روش‌های متفاوت گشته شده‌اند، منتشر می‌کند. اسامی و عکس کودکان جانباخته‌ای که تا کنون منتشر شده، کودکان ۳ تا ۱۷ ساله را در بر می‌گیرد. نظام جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴ دهه حیات خود، گشتارهای گسترده جمعی خیابانی و زنجیره‌ای در زمین و هوا به راه انداخته و تعداد پرشمار و در عین نامعلومی از شهروندان ایران اعم از زن و مرد را گشته است. این گشتارها جدا از نقش ناکارآمدی مزمن رژیم در بحران‌های اقتصادی و اجتماعی است که باعث مرگ و بیماری و اعتیاد و آتش‌سوزی و فرو ریختن ساختمان‌ها و جدل‌های خیابانی و تصادفات رانندگی و قطار و سقوط هواپیما و گرسنگی و فقر و سوء تغذیه و... شده است.

در این بین، کودکان نیز به عنوان صدمه‌پذیرترین قشر جامعه از گشتار حکومتی مصون نمانده‌اند و شمار بسیاری از آنها در جریان اعتراضات خیابانی، شلیک موشکی سپاه به هواپیماهای مسافربری و قتل‌های زنجیره‌ای توسط مأموران نظام گشته شده‌اند. آنگونه که سازمان عفو بین‌الملل از گشتار شهروندان در جریان اعتراضات آبان‌ماه ۱۳۹۸ اعلام کرده، شواهد محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد دست‌کم ۲۴ کودک و نوجوان در این اعتراضات با شلیک نیروهای سرکوبگر گشته شده‌اند. ۲۰ کودک نیز در بین ۱۷۹ سرنشین هواپیماهای مسافربری خطوط هوایی اوکراین بوده‌اند که هدف شلیک موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفته و جان باخته‌اند.

سعید افکاری یکی از برادران نوید افکاری در حساب توثیقی خود تصویر کودک سوخت‌بر جانباخته‌ای اهل سیستان و بلوچستان را انتشار داده که برای حمل تنها چند لیتر بنزین با شلیک گلوله گشته شد.

او نوشت: «بچه مردم رو بخاطر هیچی کشتی حالا دنبال پوکه‌ها می‌گردی؟ پ.ن: عکس کودکی که به خاطر دو بطری ۱/۵ لیتری بنزین کشته شد. از ابتدای سال میلادی تا کنون دست‌کم ۵۷ سوخت‌بر بلوچ کشته شدند.»

ویدئویی که از صحنه گشته شدن این کودک در شبکه‌های



شماری از کودکان و جوانانی که در آبان ۹۸ توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیدند

اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد، مأموران انتظامی در تاریکی هوا در جستجوی پوکه‌های فشنگ‌هایی هستند که به سمت این کودک شلیک کرده‌اند.

آنگونه که حساب حقوق بشری «۱۵۰۰+ تصویر» نوشته است، مأموران رژیم ایران در سیستان و بلوچستان «برنامه‌های روزانه» برای گشتی کودکان دارند، چنانکه در سه روز پیاپی کودکان ۷ ساله، ۱۶ ساله و ۱۷ ساله را که برای تأمین معیشت خود و خانواده‌شان مجبور به سوخت‌بری شده‌اند کشته است!

حساب توثیقی «۱۵۰۰+ تصویر» در پی توثیق خبر کشته شدن این سه کودک، در رشته توثیقی برای یادآوری کودک‌گشی رژیم ایران به انتشار نام و عکس کودکانی پرداخته که توسط جمهوری اسلامی کشته شده‌اند و در بین آنها حتی کودک سه ساله نیز دیده می‌شود.

امیررضا عبداللهی ۱۲ ساله، مرزگین پلنگی ۸ ساله، آرمین صادقی ۱۳ ساله، علی موسوی ۱۳ ساله، حسنی بامری ۳ ساله، صدرا نارویی ۵ ساله، احمد حیدری ۱۳ ساله، علیرضا بامری ۱۱ ساله، ریا اسماعیلیون ۹ ساله، کارون حاجی‌زاده ۹ ساله، مرتضی روستا ۳ ساله، محمدرضا ویسی ۱۳ ساله، سوفی امامی ۵ ساله، عثمان بامری ۱۱ ساله، رویا سارانی ۱۲ ساله، نیکیتا اسفندانی ۱۴ ساله، با استفاده از سلاح‌های مرگبار، رگبار گلوله، حمله موشکی و همچنین در ارتباط با ترویج باورهای قرون وسطایی گشته شده‌اند.

کاربران نیز در ادامه این رشته توثیق تصاویر، ویدئو و اسم‌های دیگر کودکان جانباخته را که به گفته آنان توسط حکومت به قتل رسیده‌اند، انتشار می‌دهند.

امیررضا یکی از گشته‌شدگان اعتراضات آبان‌ماه در «اسلام‌شهر» (شادشهر) است که هنگام عبور از خیابان، هدف شلیک گلوله‌ی مأموران قرار می‌گیرد و جان خود را از دست می‌دهد. خانواده امیررضا که کارگرند برای دریافت پیکر فرزندشان مجبور به سکوت و برگزاری مراسم خاکسپاری خصوصی و محدود شدند. تیراندازی نیروی انتظامی به اتومبیل خانواده پلنگی منجر به مرگ مرزگین ۸ ساله شد. نیروی انتظامی گفته بود، به دلیل نداشتن مدارک اتومبیل آنان را تحت تعقیب قرار داده است. این خانواده با اتومبیل خود در جاده تبریز به سمت زنجان در حرکت بوده‌اند.

آرمین صادقی نوجوان ۱۳ ساله نیز در «خمینی‌شهر» (همايونشهر) اصفهان هدف شلیک گلوله قرار گرفت. از خانواده‌ی او اعتراف تلویزیونی اجباری گرفته شد تا این ادعای دروغین را تأیید کنند که فرزندشان توسط معترضان گشته شده است!

نیکتا اسفندانی ۱۴ ساله در خیابان ستارخان تهران روز ۲۵ آبان‌ماه ۹۸ را اثر اصابت گلوله کشته شد. تلویزیون جمهوری اسلامی از پدر او نیز اعتراف اجباری گرفت که مأموران رژیم

فرزندش را نکشته‌اند.

حسنی بامری سه ساله به همراه دو دایی خود، حمزه و مسلم بامری ۱۱ ساله در ماشین دایی‌شان توسط نیروی انتظامی دلگان از توابع استان سیستان و بلوچستان به رگبار بسته شدند و همگی جان باختند. صدرا نارویی ۵ ساله در اردیبهشت ۱۴۰۰ با تیراندازی مأموران انتظامی در ایرانشهر جان خود را از دست داد. رویا سارانی نیز در اتفاقی مشابه در زاهدان پس از توقف با ایست مأموران، همراه برادرش هدف گلوله‌های آتشین قرار گرفت.

احمد حیدری کودک‌کار در جریان اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ در شهر قهدریجان در استان اصفهان با شلیک مأموران امنیتی جمهوری اسلامی گشته شد. کارون حاجی‌زاده کودک ۹ ساله به همراه پدرش حمید حاجی زاده شاعر، نویسنده و آموزگار کرمانی، از قربانیان سلسله قتل‌های سیاسی است که به «قتل‌های زنجیره‌ای» معروف شده است. مأموران پیکر او و پدرش را با ۱۰ ضربه چاقو بی‌رحمانه سلاخی کردند.

مرتضی روستا کودک سه‌ساله با حمله مأموران انتظامی ایرانشهر به خانه‌شان به اتهام قاچاق مواد سوختی به همراه پدرش به ضرب گلوله نیروی انتظامی گشته شد. امردادماه ۱۳۹۹، محمدرضا ویسی ۱۳ ساله با پدرش بدون هیچ‌گونه هشدار هدف گلوله قرار گرفتند. آنان مشغول آبیاری زمین کشاورزی‌شان بودند که به رگبار بسته شدند. گفته می‌شود نیروی انتظامی در این منطقه مشغول حفاری آثار باستانی بوده است.

ریا اسماعیلیون ۹ ساله و سوفیا امامی ۵ ساله نیز از مسافران هواپیماهای اوکراین بودند و قربانی شلیک موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شدند.

این کودکان و همچنین بسیاری دیگر از کودکان و نوجوانان در حالی به دست مأموران جمهوری اسلامی گشته شده‌اند که تبلیغات نظام برای افزایش جمعیت و فرزندآوری به مرز بیماری رسیده است! رهبر نظام فکر می‌کند با افزایش جمعیت، بر «لشکر اسلام» اضافه می‌شود! از همین رو با تطمیع به ویژه در میان خانواده‌های تنگدست و همچنین ممنوعیت‌های پزشکی در زمینه جلوگیری از بارداری و سقط جنین، سیاست خود را پیش می‌برد. این سیاست به ویژه در ماه‌های اخیر با سوء استفاده از کودکان و نوجوانان برای خواندن سرود ضدکودک و جنگ‌افروزان «سلام فرمانده» در حمایت از علی خامنه‌ای به اوج رسید. با اینهمه نه جامعه به تبلیغات رژیم پاسخ مساعد برای فرزندآوری می‌دهد و نه کودکان و جوانان اعتنایی به اقدامات نظام برای مغزشویی دارند. زندگی دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها از تصورات عقیدتی جمهوری اسلامی دورتر از آنست که بتوان آنها را جزو «سربازان نظام» به حساب آورد!

محمدحسین حاجیلو با تأکید بر اینکه اشراف کاملی بر فعالیت‌های افراد و گروه‌های مدعی تقلب در کنکور ۱۴۰۱ وجود دارد، داوطلبان کنکور و والدین آنها را تهدید کرد که از این کانالها خارج شوند: «عدم خروج از این گروه‌ها و همچنین استفاده از ابزار ممنوعه فروخته شده در این گروه‌های کلاهبردار عواقب سخت و جبران‌ناپذیری برای این داوطلبان به دنبال خواهد داشت.»

هر چند در همین کانال‌های تلگرامی سوالات و پاسخنامه‌هایی منتشر شده اما مقامات دولتی اصرار دارند که سوالات لو رفته جعلی هستند. عبدالرسول پورعباس درباره لو رفتن سوالات کنکور مدعی شده که پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) برخی از گروه‌هایی که اقدام به فروش سوالات جعلی کنکور کرده بودند را بازداشت کرد.

محمدحسین حاجیلو رئیس شورای حفاظت آزمون سراسری نیز بر جعلی بودن سوالات فروخته شده اصرار کرده و گفته که «با تلاش عوامل امنیتی، انتظامی و قضایی تعدادی از عوامل گروه‌هایی که اقدام به فروش سوالات جعلی کنکور یا وسایل الکترونیکی ارتباطی برای تقلب کرده بودند، بازداشت شدند، البته همه سوالات فروخته شده کاملاً جعلی و غیرواقعی هستند.»

اینهمه در حالیست که از سال‌ها پیش تقلب در کنکور و تخلف در راه یافتن تعدادی از افراد دارای رانت و نورچشمی‌ها به رشته‌هایی چون پزشکی و دندانپزشکی برای «خودی‌ها» وجود داشته است.

امسال نیز همزمان با برگزاری کنکور سراسری در ایران، روزنامه اعتماد در گزارشی اعلام کرده که تعدادی بدون امتحان و با دخالت مجلس شورای اسلامی به دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی راه یافته‌اند.

بر اساس این گزارش، در کنکور سراسری علوم تجربی سال گذشته «صدها نفر با تقلبی گسترده توانستند به دانشکده‌های پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی وارد شوند. این در حالی است که برخی از این افراد قبل از آنهم متهم به تقلب بوده‌اند.»

روزنامه اعتماد افزوده که «کار به امتحان دوباره سازمان سنجش، ده‌ها شکایت قضایی و چندین جلسه کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی هم رسیده اما نتیجه نتوانسته معترضان به تقلب را راضی کند. آنها می‌گویند متقلبان که حتی از فیلتر حداقل‌های آزمون دوباره سنجش هم رد نشدند، با پیگیری برخی نمایندگان مجلس دوباره به دانشگاه برگشته‌اند.»

به نوشته این روزنامه، این افراد در دانشگاه‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، ایلام و چند استان دیگر در دانشگاه‌های دولتی در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی مشغول تحصیل هستند.

از سوی دیگر سال‌هاست موضوع حذف کنکور نیز مطرح است اما به گفته وزیر علوم این آزمون همچنان برقرار خواهد بود. محمدعلی زلفی‌گل وزیر علوم امروز پنجشنبه نهم تیرماه تأکید کرده که حذف کنکور فعلاً ممکن نیست. وی گفته «تا زمانی که چشم‌انداز آینده شغلی، پرستیژ اجتماعی و درآمد برابر همه رشته‌های دانشگاهی یکسان نیست و بیشتر داوطلبان در پی انتخاب چند رشته خاص هستند، راهی جز آزمون سراسری یا کنکور برای گزینش بهترین متقاضیان وجود ندارد.» به نظر می‌رسد مافیای کنکور که شامل مؤسسات آموزشی، منتشر کنندگان کتاب‌های کنکور و مؤسسه‌های کمک آموزشی می‌شوند، مانع از حذف کنکور می‌شوند. برخی گزارش‌ها نیز درآمد چند میلیاردی صداوسیما از تبلیغات این مؤسسات را یکی دیگر از ابزارهای فشار برای برقرار ماندن کنکور ارزیابی می‌کنند.



♦ جواب سوالات کنکور رایگان ♦
پیام هدایت شده
از کلید کنکور (کانال خصوصی)

1=طالع برابند
2=ب،ج
3=پنج
4=هر چن که نمرات.....
5=بازاربان ازرومان.....
6=دوزخیان روی میز.....
7=جلال ال احمد، محمد بن جریر طبری
8=چهار مقاله
9=تشبه، ایهام، مجاز
10=چون قد سرو خرام
11=ب، الفج
12=سه
13=اگر خواهی که جان از.....
14=ماضی ساده، ماضی مستمر، مضارع مستمر
15=گرفتن، دیدن، نشان دادن
16=ماه، به نتایج کردار.....
17=اهل دل، بسخن حق.....
20=یار گویند که دارد سر عاشق.....
4.4K 09:21

♦ جواب سوالات کنکور رایگان ♦
پیام هدایت شده
از کلید کنکور (کانال خصوصی)

26=وعده ملاقات همگی ما.....
27=تفکر و تعلیم بر تو واجب است چه این.....
28=انجا بسازند کسان.....

تصویری از پاسخنامه کنکور، منتشر شده در تلگرام!

برای آندسته از شهروندانی شده که محل کار یا زندگی‌شان در حوالی حوزه‌های برگزاری کنکور است، بر اساس گزارش‌ها، اینترنت از حدود ساعت ۷ صبح قطع شده و پس از چند ساعت که شهروندانی که خانه یا محل کارشان حوالی حوزه‌های امتحانی بوده، گیج شده و در تلاش برای برقراری ارتباط اینترنت موبایل خود بودند، وزارت اطلاعات اعلام کرد که اینترنت عمده قطع شده است!

مهدی سالم مشاور وزیر ارتباطات پس از گذشت ۴ ساعت از قطع اینترنت اعلام کرد: «به درخواست وزارت علوم و تایید مراجع ذیربط امروز و فردا در حوزه‌های برگزاری آزمون کنکور دسترسی به اینترنت محدود خواهد بود.» وی افزوده که «از هموطنان به دلیل اعمال این محدوده‌ها و ایجاد اختلال در اینترنت در این مناطق عذرخواهی می‌کنیم.»

اینهمه در حالیست که گزارش‌ها از لو رفتن سوالات کنکور حکایت دارد. چندین کانال تلگرامی نیز با ادعای انتشار سوالات و پاسخنامه‌های کنکور از روزهای پیش از برگزاری آزمون مشغول به فعالیت بودند.

محمدحسین حاجیلو رئیس شورای حفاظت آزمون سراسری در اینباره گفته بود که «در روزهای اخیر تعدادی از افراد و گروه‌هایی که ادعای کذب در خصوص فروش سوالات کنکور داشته و از این طریق اقدام به کلاهبرداری از داوطلبان کرده بودند شناسایی و دستگیر شدند و در این خصوص لازم است داوطلبان هوشیار باشند که ادعاهایی که درباره فروش سوالات کنکور مطرح می‌شود، کذب محض است.»

کنکور ۱۴۰۱ با ۶۱ درصد متقاضی زن و ۳۹ درصد مرد؛ همراه با قطع اینترنت و تقلب و لو رفتن سوال‌ها!

● قطع بدون اطلاع‌رسانی قبلی اینترنت به دلیل کنکور سبب بروز مشکلاتی برای آندسته از شهروندانی شده که محل کار یا زندگی‌شان در حوالی حوزه‌های برگزاری کنکور است.

● رئیس سازمان سنجش مدعی شده چند داوطلب به دلیل همراه داشتن موبایل از شرکت در کنکور محروم شدند.

● هرچند در تعدادی از کانال‌های تلگرامی سوالات و پاسخنامه‌هایی مربوط به کنکور امسال منتشر شده اما مقامات دولتی اصرار دارند که سوالات لو رفته جعلی هستند.

● روزنامه اعتماد در گزارشی اعلام کرده که بیشتر تعدادی بدون امتحان و با دخالت مجلس شورای اسلامی به دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی راه یافته‌اند.

اینترنت اپراتورهای تلفن همراه همزمان با برگزاری آزمون کنکور در مناطقی که این آزمون برگزار می‌شد قطع شد اما بر اساس برخی گزارش‌ها سوالات کنکور لو رفته و در برخی کانال‌های تلگرامی منتشر شده است.

برگزاری کنکور سراسری ۱۴۰۱ از صبح روز چهارشنبه هشتم تیرماه با یک میلیون و ۴۸۹ هزار و ۲۲۰ نفر داوطلب آغاز شده و تا روز شنبه ۱۱ تیرماه ادامه دارد. آمار شرکت‌کنندگان در کنکور رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که تعداد داوطلبان رشته تجربی همچنان صدرنشین است؛ تقاضا در رشته ریاضی کماکان کاهش یافته است و علاقمندان علوم انسانی روز به روز بیشتر می‌شوند. آنهم در حالی که این رشته‌ها عمدتاً تحریف شده و در چارچوب ایدئولوژی جمهوری اسلامی ارائه می‌گردند!

همچنین بر اساس آمار اعلام شده از سوی سازمان سنجش، ۶۱ درصد کنکوری‌های امسال را زنان و ۳۹ درصد را مردان تشکیل می‌دهند.

روابط عمومی «همراه اول» اعلام کرده که به درخواست سازمان سنجش، در روزهای برگزاری آزمون سراسری، اینترنت اپراتورهای تلفن همراه در مناطقی که حوزه‌های امتحانی در آن قرار دارد تا ساعت ۱۲:۳۰ ظهر قطع شد.

گفته شده که قطع اینترنت با هدف عدم دسترسی شرکت‌کنندگان کنکور به منابع درسی و همچنین جلوگیری از سرقت سوالات کنکور صورت گرفته است.

همچنین عبدالرسول پورعباس رئیس سازمان سنجش نیز اعلام کرده که در حوزه‌های امتحانی «دستگاه آشکارساز نصب شده است که هر نوع وسایل الکترونیکی مانند موبایل و ساعت هوشمند شناسایی شود.»

رئیس سازمان سنجش همچنین مدعی شده روز چهارشنبه در نخستین روز برگزاری آزمون کنکور که مربوط به داوطلبان رشته هنر بود، چند داوطلب به دلیل همراه داشتن موبایل از شرکت در کنکور محروم شدند.

قطع بدون اطلاع‌رسانی قبلی اینترنت سبب بروز مشکلاتی

استاد دانشگاه طرفدار جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه‌ای درباره اتهامش به جنایات علیه بشریت صحبت می‌کند



یک دروغ بزرگ محسوب می‌شود: اول اینکه آمادگی و زمینه‌سازی این قتل عام مخفیانه بود، اما وقتی کشتارها شروع شد همه با خبر شدند. عفو بین‌الملل در مورد این کشتارهای در حال وقوع **شانزده** هشدار فوری صادر کرد. سازمان ملل در مورد آنها سؤال کرد. این جنایات مخفیانه نبودند.»

این وکیل دادگستری افزود: «ثانیاً، اگر آقای محلاتی واقعاً از «جزئیات» اطلاع نداشت، می‌توانست در پاسخ به سوال سازمان ملل در مورد آنها اظهار بی‌اطلاعی کند، اما چنین نکرد. او عمداً دروغ جمهوری اسلامی ایران را تکرار کرد و مدعی شد که اعدام شدگان تلفات میدان جنگ بوده‌اند.»

طنین در فضای مجازی

مصاحبه فارسی صدای آمریکا با محلاتی، رسانه‌های اجتماعی ایرانیان خارج از کشور را شوکه کرده و در درون حکومت مذهبی به شدت سرکوبگر نیز نفوذ کرده است. نازنین بنیادی بازیگر ایرانی- بریتانیایی و سفیر حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل در توییتری نوشت: «عجب! استاد محلاتی با ظفره رفتن مکرر از پرسش در مورد جنایت علیه بشریت به وضوح از جمهوری اسلامی دفاع می‌کند.»

جنایات و خونریزی‌هایی که بنا بر گزارش‌ها، محلاتی و دیگر مقامات رژیم آخوندی در جریان کشتارهای تابستان ۱۳۶۷ مرتکب شدند عمده‌تاً بدون مجازات باقی ماند. دولت آمریکا ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری اسلامی کنونی را، به دلیل نقش وی در آن زمان در «هیئت مرگ» تحریم کرده است؛ «هیئت مرگ» گروهی بود که تعیین می‌کرد چه کسی در برابر نظام قضایی نامشروع و هرج و مرج‌زده رژیم جمهوری اسلامی حاضر و محاکمه خواهد شد. کاوه شهروز نوشت: «سپس از محلاتی پرسیده شد آیا افرادی که نقش روشن و فعالی در کشتار ۱۳۶۷ داشته‌اند (مثل ابراهیم رئیسی که در «هیئت مرگ» حضور داشته است) باید محاکمه شوند؟ پاسخ‌های او مشتت را باز می‌کند و بر تمام دروغ‌های کالج او برلین مبنی بر اینکه او مروج صلح است خط بطلان می‌کشد.»

که بر طبق آنها محلاتی، در دوران خدمتش به عنوان سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در سال ۱۳۶۷، به گفته حقوقدانان و کارشناسان حقوق بشر در لاپوشانی جنایات علیه بشریت دست داشته است.

لادن بازرگان فعال حقوق بشر ایرانی در ماه‌های اخیر رهبری کمپین بین‌المللی پویایی به نام «ائتلاف علیه مدافعان رژیم اسلامی ایران» را به عهده گرفته است که قصد اخراج محلاتی از دانشگاه را دارند.

کار تمام است!

بازرگان روز چهارشنبه به اورشلیم پست گفت: «سال گذشته به کالج او برلین نامه‌ای نوشتم و گفتم وقت تلف کردن به نفع شما نیست، هرچه زودتر محلاتی را اخراج کنید بهتر است. اما گوش نکردند و الان بیش از ۱/۲ میلیون نفر مصاحبه مسیح علینژاد با من و محلاتی را دیده و فهمیده‌اند کالج او برلین استادی دارد که در جنایات علیه بشریت دست داشته. این تازه آغاز راه است، وقتی کنگره آمریکا درگیر شود، اوضاع بدتر از این خواهد شد.»

کاوه شهروز وکیل سرشناس ایرانی- کانادایی در توییتر نوشت: «محلاتی گفته‌هایش را با بیان این مطلب شروع می‌کند که به عنوان سفیر سازمان ملل در نیویورک نمی‌توانسته از همه آنچه در ایران می‌گذشته (جزئیات) با خبر شود. این جزئیاتی که محلاتی به آن اشاره می‌کند، قتل عام حدود ۵۰۰۰ انسان بوده است.»

عفو بین‌الملل سازمان حقوق بشر مستقر در لندن، در گزارشی بسیار مفصل در سال ۲۰۱۸ درباره کشتار جمعی ۵۰۰۰ زندانی بی‌گناه ایرانی توسط رژیم آخوندی در سال ۱۳۶۷ اذعان کرد: «محلاتی با سرپوش گذاشتن بر کشتار زندانیان سیاسی ایرانی مرتکب «جنایت علیه بشریت» شده است.»

وقتی جنایات بین‌المللی چندان مخفیانه نیستند

شهروز که عضو کمپین اخراج محلاتی از کالج او برلین در اوهایو است، افزود که محلاتی گفته است «این قتل عام در زمان وقوع کاملاً مخفیانه بود. این حرف از دو جنبه

● لادن بازرگان: «سال گذشته به کالج او برلین نامه‌ای نوشتم و گفتم وقت تلف کردن به نفع شما نیست، هرچه زودتر محلاتی را اخراج کنید بهتر است. اما گوش نکردند و الان بیش از ۱/۲ میلیون نفر مصاحبه مسیح علینژاد با من و محلاتی را دیده و فهمیده‌اند کالج او برلین استادی دارد که در جنایات علیه بشریت دست داشته. این تازه آغاز راه است، وقتی کنگره آمریکا درگیر شود، اوضاع بدتر از این خواهد شد.»

● کاوه شهروز: گذشته از ۱۶ هشدار سازمان عفو بین‌الملل در زمان وقوع کشتار زندانیان سیاسی، اگر آقای محلاتی واقعاً از «جزئیات» اطلاع نداشت، می‌توانست در پاسخ به سوال سازمان ملل در مورد آنها اظهار بی‌اطلاعی کند، اما چنین نکرد. او عمداً دروغ جمهوری اسلامی ایران را تکرار کرد و مدعی شد که اعدام شدگان تلفات میدان جنگ بوده‌اند.»

● نازنین بنیادی: «عجب! استاد محلاتی با ظفره رفتن مکرر از پرسش در مورد جنایت علیه بشریت به وضوح از جمهوری اسلامی دفاع می‌کند.»

● پویان تمیمی عرب: «در پس صحبت‌های محلاتی درباره جهان، مردی قرار دارد که واقعیت را انکار می‌کند و یاد نگرفته به ندای وجدان خود گوش فرا دهد.»

● لن خودورکوفسکی: «پس از این مصاحبه با مسیح علینژاد، بیش از هر زمان دیگری متقاعد شدم که «استاد صلح» کالج او برلین، محلاتی، نه تنها در کشتار ۱۳۶۷ دست داشته، بلکه احتمالاً هنوز هم عامل رژیم ایران است. آیا ریاست او برلین از استخدام چنین فردی خجالت نمی‌کشد؟»

بنجامین وینتال (اورشلیم پست) - محمدجعفر محلاتی استاد مطالعات اسلامی کالج او برلین در اوهایو، قتل عام ۵۰۰۰ ایرانی توسط رژیم جمهوری اسلامی را «جزئیات» خواند.

مصاحبه محمدجعفر محلاتی استاد مطالعات اسلامی کالج او برلین با مسیح علینژاد روزنامه‌نگار ایرانی- آمریکایی و فعال حقوق بشر در روز جمعه، مواردی را خاطرنشان کرد

محلای و اورشلیم پست

اتلاف علیه مدافعان رژیم جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواستار برکنار محلای است، بلکه می‌خواهد در دادگاه با اتهام جنایت علیه بشریت روبرو شود. محلای در سال ۲۰۲۰ به ایمیلی به اورشلیم پست، اتهام سرپوش‌گذاری بر کشتار ۱۳۶۷ را رد کرده است.

محلای در مصاحبه با صدای آمریکا به لادن بازرگان انتقاد کرد و گفت: «با خانم بازرگان که به حمایت یک روزنامه اسرائیلی می‌خواهند یک استاد دانشگاه را تخریب کنند بدون مدرک، البته که هیچ سخنی ندارم.»

برادر بزرگ لادن بازرگان، بیژن، از مدافعان اتحادیه‌های کارگری بود و در سال ۱۳۶۷ به دلیل دیدگاه‌های چپ به دست رژیم اعدام شد.

«روزنامه اسرائیلی» که محلای به آن اشاره کرده ظاهراً اورشلیم پست است که ماجرای محلای را کاملاً پوشش داده است. این روزنامه سال گذشته فاش کرد که محلای در زمانی که نماینده ارشد تهران در سازمان ملل بود، بر جبهه جهانی خشونت‌آمیز علیه اسرائیل تأکید کرده و پایه‌های ایدئولوژیک برای نسل‌کشی جامعه مذهبی سرکوب‌شده بهائیان ایران را بنا نهاده است.

پویان تیمیمی عرب استاد مطالعات دینی دانشگاه اوترخت هلند در توییت خود نوشت: «در پس صحبت‌های محلای درباره جهان، مردی قرار دارد که واقعیت را انکار می‌کند و یاد نگرفته به ندای وجدان خود گوش فرا دهد.» این استاد دانشگاه اضافه کرد «کالج اوبرلین، فکر نکن ما فراموش خواهیم کرد. من هر کاری که در توانم باشد انجام خواهم داد تا به همکاران دانشگاهی‌ام در هلند اطلاع دهم که موسسه شما چگونه در سمت اشتباه تاریخ ایستاده است.» محلای از اعتراضاتی که علیه او در کالج اوبرلین و سراسر جهان به راه افتاده به شدت گلایه کرد و گفت: «نیازی به آمدن به خیابان نیست.» کمپین ایرانی برکناری محلای همچنین برای کاهش تدریجی درآمد و قراردادهای کریس کاناون، رئیس هیئت امنای کالج اوبرلین، تلاش می‌کند.

کاناون شریک Lion's Head Global Partners است که مقر آن در بریتانیاست و بودجه دولتی دریافت می‌کند. کاناون، به گفته منتقدانش، تمام تلاش خود را کرده تا محلای را از انتقادات درباره نقش وی در قتل عام ۶۷ مصون نگه دارد. کاناون از پاسخ به پرسش‌های مطبوعاتی اورشلیم پست خودداری کرده است.

محلای در مصاحبه با صدای آمریکا تا جایی پیش رفت که انتقاد شدید از رفتار و سخنانش در سازمان ملل را با «جنایت علیه بشریت» مقایسه کرد. او مدعی شد: «همینطور اگر یک ترور شخصیت را علیه یک استاد انجام بدهید جنایت علیه بشریت کرده‌اید!»

لن خودورکوفسکی مشاور پیشین وزارت خارجه آمریکا در توثیقی نوشت: «پس از این مصاحبه با مسیح علینژاد، بیش از هر زمان دیگری متقاعد شدم که «استاد صلح» کالج اوبرلین، محلای، نه تنها در کشتار ۱۳۶۷ دست داشته، بلکه احتمالاً هنوز هم عامل رژیم ایران است. آیا ریاست اوبرلین از استخدام چنین فردی خجالت می‌کشد؟»

محمدجعفر محلای به واسطه تدریس در زمینه صلح و دوستی، لقب «استاد صلح» را یدک می‌کشد. روزنامه اورشلیم پست پرسش‌های مطبوعاتی خود را به کالج اوبرلین نیز ارسال کرده است.

*منبع: اورشلیم پست

*نویسنده: بنجامین وینتال

*ترجمه و تنظیم: لادن بازرگان

مشکل نان نیز به بحران آب اضافه شد! ساکنان روستاهای دور و افراد بی‌شناسنامه چگونه نان سهمیه‌بندی تهیه کنند؟!

- آمار غیررسمی از وجود نزدیک به یک میلیون شهروند بی‌شناسنامه در سراسر کشور حکایت دارد که با اجرای طرح «هوشمندسازی یارانه آرد و نان» برای خرید قوت غالب خود دچار مشکل شده‌اند.

- نبود زیرساخت‌های مناسب سبب شده حتی روستاییان دارای شناسنامه نیز در استان سیستان و بلوچستان برای خرید نان یارانه‌ای که به صورت روزانه سهمیه‌بندی شده با مشکل روبرو شوند.

توزیع نان یارانه‌ای با استفاده از «کد ملی» در استان‌های مختلف ایران آنهم با عنوان «هوشمندسازی یارانه آرد و نان» آغاز شده است. در این بین صدها هزار شهروند بی‌شناسنامه که غالباً در استان‌های شرقی ایران ساکن هستند از دریافت نان با نرخ دولتی محروم می‌شوند!

دولت ابراهیم رئیسی یارانه‌گندم را از زمستان گذشته حذف کرد و نرخ گندم دولتی به بخش تولیدی را از کیلویی ۲۵۰۰ تومان به ۱۲۰۰۰ تومان افزایش داد. با اینهمه اعلام شد که برای نان یارانه جدیدی طراحی و راه‌اندازی شده که با سهمیه‌بندی نان به ازای هر فرد، نان با نرخ دولتی از سوی نانوائی فروخته و تفاوت قیمت نان دولتی سهمیه‌بندی و نرخ آزاد به نانوا پرداخت می‌شود. این طرح از استان‌های قزوین و زنجان آغاز و حالا در سراسر ایران به اجرا درآمده است. محمد قربانی معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی در این طرح گفته است که خرید نان فقط با کارت بانکی متصل به کد ملی در واحدهای نانوائی امکان‌پذیر است و هیچ کارت دیگری برای خرید نان صادر نمی‌شود.

در این میان دولت هیچ راهکاری برای افراد بدون شناسنامه که از محروم‌ترین و تنگدست‌ترین اقشار هم هستند، در نظر نگرفته و حالا حتی تهیه نان نیز برای بخش مهمی از جامعه به بحران تبدیل شده است.

آمار غیررسمی از وجود نزدیک به یک میلیون شهروند بی‌شناسنامه در سراسر کشور حکایت دارد که با اجرای طرح «هوشمندسازی یارانه آرد و نان» برای خرید قوت غالب خود دچار مشکل تهیه نان می‌شوند! البته این آمار نیز قطعاً مانند دیگر اعداد و ارقام رسمی قابل اعتماد نیست.

استان سیستان و بلوچستان با آمار رسمی ۵۵ هزار شهروند بی‌شناسنامه و آمار غیررسمی بیش از صد هزار نفر، رتبه نخست را در آمار افراد بدون شناسنامه دارد. همچنین استان‌های تهران، قم، گلستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی و خراسان شمالی نیز دارای شمار زیادی از افراد بی‌شناسنامه هستند. در غالب موارد این افراد حاصل ازدواج مادر ایرانی با پدر غیرایرانی هستند که به دلیل قوانین جمهوری اسلامی از داشتن شناسنامه محروم می‌شوند.

همچنین در برخی موارد نیز ساکنان روستاهای کم‌جمعیت در مناطق دورافتاده به دلیل نبود امکانات و فقر و مشکلات برای رفت و آمد به شهر، برای فرزندان خود اصلاً شناسنامه تهیه نکرده‌اند و خودشان نیز شناسنامه‌ای ندارند! در برخی

موارد نیز افراد بی‌شناسنامه، شهروندان حاصل از روابط خارج از ازدواج رسمی هستند.

حالا این افراد که اکثراً از تنگدست‌ترین اقشار ایران به شمار می‌روند و بیشتر از بسیاری از خدمات شهروندی از جمله داشتن حساب بانکی و دفترچه بیمه خدمات درمانی محروم بوده‌اند، حالا نمی‌توانند نان یارانه‌ای با قیمت دولتی تهیه کنند. به ویژه آنکه اغلب خانواده‌های بی‌شناسنامه پرجمعیت نیز هستند و نان غذای اصلی آنهاست!

در همین رابطه روزنامه همشهری گزارش داده که افراد بی‌شناسنامه‌ی سیستان و بلوچستان بیشتر در زاهدان، چابهار، دشتیاری، سراوان و هیرمند زندگی می‌کنند. در این گزارش آمده یکی از ساکنان بی‌شناسنامه سیرکان، مرکز بخش بم‌پشت، پیش از این به دلیل جمعیت بالای خانواده روزانه تا ۱۰ عدد نان با پول نقد خرید می‌کرده و حالا چند روزی است دست به دامان همسایه شده است. او به همشهری توضیح داده که «کارم این شده که هر روز دم خانه همسایه بروم، به او پول نقد بدهم و کارت بانکی‌اش را برای خرید نان قرض کنم اما تا کی می‌توانم کارت همسایه را بگیرم؟ نانوائی‌ها به هر نفر روزی ۵ عدد نان می‌دهند و همسایه نهایتاً بتواند ۲ عدد نان از سهمیه خودش را به من اختصاص بدهد.»

منصور عدل مدیر بازرسی و نظارت بر بازار محصولات کشاورزی سیستان و بلوچستان هم به همشهری گفته که «در جلسات با متولیان [مسئولان] در وزارت کشور درباره بی‌شناسنامه‌ها سؤال کرده‌ایم. آنچه متولیان [مسئولان] به ما اعلام کرده‌اند این است که فعلاً تا صدور دستور رسمی پول نقد استفاده می‌شود و تا آن زمان بی‌شناسنامه‌ها و افرادی که به هر دلیل کارت بانکی ندارند، تعیین تکلیف می‌شوند.» خرید نان یارانه‌ای برای افراد بی‌شناسنامه در استان سیستان و بلوچستان در حالی به بحران تبدیل شده که بیشتر گزارش‌هایی از کمبود و گرانی نان در این استان منتشر شده بود. عبدالناصر درخشان نماینده ایرانشهر و سرباز در مجلس شورای اسلامی دی‌ماه گذشته گفته بود که قیمت نان در ایرانشهر به ۱۰ هزار تومان رسیده و این باعث ایجاد صف‌های طولانی شده است. به گفته او مردم باید «پارتی» داشته باشند تا بتوانند نان از نانوائی بخرند!

این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت زیرساخت‌های «بد» استان سیستان و بلوچستان گفته که جاده‌های اصلی این منطقه جزو غیراستانداردترین جاده‌های کشور هستند و جاده‌های روستایی به علت سیل از بین رفته‌اند. به گفته این نماینده مجلس اسلامی، علت اصلی گرانی نان سهل‌انگاری مقامات محلی است.

نبود زیرساخت‌های مناسب سبب شده حتی روستاییان دارای شناسنامه در این استان هم برای خرید نان یارانه‌ای که به صورت روزانه سهمیه‌بندی شده با مشکل روبرو شوند چون به دلیل مسافت طولانی روستا و شهر امکان رفت و آمد هر روزه به شهر و خرید نان سهمیه‌ای را ندارند.

رحیمه درازمی یکی از روستاییان دهستان بم‌پشت در شهرستان مرزی سراوان و یکی از محروم‌ترین شهرستان‌های سیستان و بلوچستان در اینباره گفته که «هوشمندسازی یارانه آرد و نان برای من هم که شناسنامه دارم، چالش ایجاد کرده. راهمان به مرکز شهرستان دور است و وسیله نقلیه هم نداریم و به همین دلیل همیشه ماهی یکبار به شهر می‌آمدم و نان یک ماه را می‌خریدیم. حالا نانوائی‌ها می‌گویند بیش از ۵ عدد نان در روز نمی‌دهند و باید این مسیر طولانی را چندبار در ماه طی کنیم.»

اینهمه نشان می‌دهد طرح‌های جمهوری اسلامی از جمله طرح «هوشمندسازی یارانه آرد و نان» تا چه اندازه کارشناسی نشده، عجولانه و بی‌حساب تدوین و اجرا می‌شوند!

آموزش و پرورش بخشنامه داد: حذف آموزگاران مرد از مدارس دخترانه! جایگزین این آموزگاران چه کسانی هستند؟ طلاب و حوزوی‌ها!؟

● دست کم ۲۳۰ آموزگار در جریان اعتراضات سراسری دو ماه گذشته همچنان در بازداشت بسر می‌برند. این آموزگاران خواهان اجرای دقیق قانون یکسان‌سازی حقوق معلمان و پرداخت معوقه‌ها و اصلاح قوانین استخدامی هستند. اما وزارت آموزش و پرورش نه تنها از آموزگاران حمایت نکرده، بلکه بر اجرای بخشنامه حذف آموزگاران مرد در مدارس دخترانه نیز اصرار می‌ورزد.

● معاون آموزش متوسطه حذف آموزگاران مرد از مدارس دخترانه را در راستای طرح تفکیک جنسیتی در مدارس اعلام کرده که بر اساس آن، «تطابق جنسیت کارکنان مدارس با دانش‌آموزان الزامی است».

● در طول ۱۲ سال آموزش در دبستان و دبیرستان، محدود کردن ارتباط‌ها از سوی وزارتخانه مرتبط با کودکان و نوجوانان، هرگونه شناخت، احترام و درک نسبت به هویت جنسی را مسدود کرده و منجر به انواع تعرض‌ها، تجاوزها و نقض حقوق یکدیگر شده و می‌شود.

در حالی که وزارت آموزش و پرورش جاده را برای ورود طلاب حوزه‌های علمیه صاف می‌کند، همزمان ممنوعیت فعالیت تدریس آموزگاران مرد را در مدارس متوسطه دخترانه ابلاغ کرده است. چنین اقدامی علاوه بر کاهش سطح آموزش در مدارس ایران، عرصه را هر روز برای فعالیت طلاب باز می‌کند و بر بیکاری و فقر میان آموزگاران می‌افزاید.

اینهمه در حالیست که دست کم ۲۳۰ آموزگار در جریان اعتراضات سراسری دو ماه گذشته بازداشت شده و در زندان بسر می‌برند. این آموزگاران خواهان اجرای دقیق قانون یکسان‌سازی حقوق معلمان و پرداخت معوقه‌ها و اصلاح قوانین استخدامی هستند. اما وزارت آموزش و پرورش نه تنها از آموزگاران حمایت نکرده، بلکه حذف آموزگاران مرد در مدارس دخترانه را در دستور کار قرار داده است!

با وجود اعتراضات گسترده آموزگاران، وزارت آموزش و پرورش در تلاش برای سرعت بخشیدن به روند استخدام طلاب حوزه‌های علمیه و اجرای ماده ۲۸ جذب نیرو به این وزارتخانه است. از این رو، از فعالیت آموزگاران با سابقه و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کند تا بتواند جاده را برای ورود طلاب به مدارس کشور هموارتر کند.

همزمان با توسعه فعالیت طلاب در مدارس، مهدمهدی کاظمی معاون آموزش متوسطه از ممنوعیت تدریس دبیران



مرد در مدارس متوسطه دخترانه خبر داده تا قوانین تفکیک جنسیتی را که از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی اجرا می‌شده به حد اعلا برساند!

طبق توضیحات او، این بخشنامه ۲۸ اردیبهشت‌ماه ابلاغ شده و به استناد ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مدارس است که در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسیده است. معاون آموزش متوسطه حذف آموزگاران مرد از مدارس دخترانه را در راستای طرح تفکیک جنسیتی در مدارس اعلام کرده که بر اساس آن، «تطابق جنسیت کارکنان مدارس با دانش‌آموزان الزامی است».

کاظمی گفته است: «بخشنامه‌ای را به استان‌ها ابلاغ کردیم و گفتیم تخصیص «دبیر غیرهمجنس» در مدارس دوره اول و دوم متوسطه شامل همه مدارس عادی دولتی، استعدادهای درخشان، نمونه دولتی، شاهد و حتی مدارس غیردولتی فاقد وجاهت قانونی است».

پیشتر گزارش شده بود، آموزگاران مرد می‌توانند در مدارس استعدادهای درخشان تدریس کنند که معاون آموزش متوسطه این موضوع را نیز تکذیب کرد.

وی در توضیح ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان ادامه داد: «بر اساس این ماده واحده به دانشگاه فرهنگیان اجازه داده شده که از طریق مراکز آموزش عالی و حوزوی، متقاضیان عرصه تعلیم و تربیت بر اساس قوانین سازمان استخدامی جذب آموزش و پرورش شوند و حوزه نیز بر اساس وظیفه ذاتی خود در این مرحله به اندازه سهم کوچکی قدم برداشت و طلاب و روحانیون برادر و خواهر جذب آموزش و پرورش شدند».

وزارت آموزش و پرورش در طول ۴ دهه همواره هدف تفکیک جنسیتی مدارس را دنبال کرده ولی کمبود آموزگار زن در مدارس دخترانه، مانع اجرای کامل آن بوده است.

محمد بطحایی وزیر آموزش و پرورش دولت حسن روحانی سال ۱۳۹۷، بار دیگر موضوع ممنوعیت به کار گرفتن آموزگاران مرد در مدارس دخترانه را اعلام کرده و گفته بود که کمبود نیروی زن در مدارس مرتفع شده و به اندازه نیاز مدارس دخترانه، معلم زن وجود دارد. بطحایی با بیان اینکه

استفاده از دبیر مرد در مدارس دخترانه به هیچ عنوان توجیه ندارد، تصریح کرده بود: «این موضوع مشکلاتی را هم برای دانش‌آموزان و هم برای معلمان ایجاد می‌کند».

وزیر دولت تدبیر و امید حتی تهدید کرد که بی‌توجهی به این الزام، برخورد قانونی در پی دارد.

علاوه بر مدارس دخترانه، موضوع آموزش آموزگاران مرد در آموزشگاه‌های زبان خارجی و کلاس‌های آمادگی کنکور نیز همواره مسئله‌ساز شده است. در سال ۱۳۹۲ آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای ابلاغ کرد که فعالیت دبیران مرد در کلاس‌های کنکور مدارس دولتی و غیردولتی ممنوع است.

کارشناسان، آموزش حذف آموزگاران مردان از مدارس دخترانه را حاوی این پیام می‌دانند که «مردان جامعه قابل اعتماد نیستند» و آموزش و پرورش سعی می‌کند مردان را از این جنس خطرناک دور کند و مصون بدارد!

جمهوری اسلامی همواره بجای روشنگری و آگاهی در مورد مسائل جنسی و جنسیتی ترجیح داده است راه حذف و جداسازی و یا آپارتاید جنسیتی را دنبال کند. این در حالیست که در نظام‌های عادی، کودکان از دبستان با مسائل مربوط به بیولوژی آشنا می‌شوند تا با آگاهی وارد دوران نوجوانی و جوانی شوند. با اینهمه ۴ دهه است که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها برای شناخت جنسی از کودکی، نوجوانی و جوانی و بزرگسالی، باعث بروز مشکلات اجتماعی گسترده شده که در بسیاری موارد به جرم و جنایت انجامیده است!

در طول ۱۲ سال آموزش در دبستان و دبیرستان، محدود کردن ارتباط‌ها از سوی وزارتخانه مرتبط با کودکان و نوجوانان، هرگونه شناخت، احترام و درک نسبت به هویت جنسی را مسدود کرده و منجر به انواع تعرض‌ها، تجاوزها و نقض حقوق یکدیگر شده و می‌شود. حالا با ابلاغیه مربوط به ممنوعیت تدریس آموزگاران مرد در دبیرستان‌های دخترانه، جمهوری اسلامی یکبار دیگر ثابت می‌کند که این نظام به همه چیز نگاه جنسی دارد آنهم در حالی که ایران پیش از فاجعه انقلاب اسلامی مسیری عادی بدون بروز اینهمه ناهنجاری و جرائم نوظهور را طی می‌کرد.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



محسنی با اشاره به اینکه ۳۰۰ لیتر آب برای تولید یک کیلو هندوانه آب نیاز است، می‌گوید وقتی بیش از توان منابع آبی مصرف صورت می‌گیرد، منجر به فرونشست می‌شود و متأسفانه با راهکارهایی چون تغذیه مصنوعی دشت‌ها و شیرین کردن آب این مشکل درمان نمی‌شود بلکه فقط می‌توان با راهکارهایی جلوی تخریب بیشتر را گرفت.

این استاد زمین‌شناسی به کشت برنج در طبس که یک منطقه بیابانی است، اشاره کرده و تاکید می‌کند: «کاشت برنج در کویر فاجعه است، باید این واقعیت را بپذیریم که کشور ما گرم و خشک است و کاشت برنج در منطقه بیابانی اصلاً جا ندارد.»

عضو هیئت علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا، فروچاله را از پیامدهای فرونشست عنوان کرده و یادآور شد که بیش از ۳۰۰ دشت در شرایط بحران آبی است و از دهه ۹۰ به بعد الگوی فرونشست از سوی زمین‌های کشاورزی به محدوده شهری در حرکت است بطوری که این موضوع در شهرهایی چون اصفهان و تهران قابل مشاهده است.

به گفته این کارشناس، دشت همدان که به سمت بهار، کبودرآهنگ، فامنین و قهاوند می‌رود، بیشترین خطر فرونشست را دارد. احمد گلچین عضو هیئت علمی گروه علوم خاک‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان نیز وضعیت خاک این استان را نامطلوب توصیف کرده و می‌گوید که باید با عملیات آبخیزداری در زمستان‌ها آب باران به سفره‌های زیرزمینی تزریق شود تا جلو این فرونشست را بگیریم اما مشاهده می‌شود حجم بسیار زیادی از آب مرغوب استان زنجان برای فضا سبز مصرف می‌شود که از حد نرمال و بهینه خیلی بیشتر است.

گلچین اشاره کرده که کشت برنج و هندوانه در بعضی از شهرستان‌های استان مصداق مصرف آب بی‌رویه و تطبیق نداشتن نوع محصول با شرایط آب و هوایی منطقه می‌شود. علی محمد زنگانه استاندار گلستان نیز با بیان اینکه این استان یک‌هزار و ۶۰۰ لیتر بر ثانیه کسری آب آشامیدنی دارد، گفته که ۹۵ درصد آب آشامیدنی موردنیاز استان گلستان از چاه‌ها برداشت می‌شود که در بلندمدت فرونشست زمین و آسیب‌های زیاد ناشی از آن را به دنبال دارد.

سعید سروری مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای خراسان جنوبی، اعلام کرده که از ۴۴ دشت خراسان جنوبی، ۸ دشت سرایان، سده، طبس، دستگردان، فردوس، بشرویه، درمیان و قاین در وضعیت ممنوعه بحرانی قرار دارند و نشست کرده‌اند.

حال و احوال زاینده‌رود هم که این روزها بر کسی پوشیده نیست و اعتراضات مردمی و تجمع کشاورزان به خاطر برخورداری از مایه حیات پاسخی جز سرکوب نگرفت بدون آنکه حکومت و مقامات مسئول توانسته باشند علیه مشکلات کاری انجام دهند. مجتبی موسوی نائینی مدیر سد و نیروگاه زاینده‌رود اعلام کرده که تنها ۳۰ درصد سد زاینده رود آب دارد و در پی گرم شدن هوا ورودی آب به این سد کاهش پیدا کرده است.

ابراهیم رئیس‌ی در سفر هفته گذشته‌اش به اصفهان بیان کرد که این سفر برای آغاز طرح جدیدی نیست، چون از دهه ۶۰ تا کنون طرح‌های ناتمام بسیاری برای اجرا پیشنهاد داده شده و عمده برنامه دولت سیزدهم «نهضت به سامان رسیدن طرح‌های نیمه‌تمام است.»

سال‌ها طرح‌های نیمه‌تمام با پروژه‌های پولساز برای گروه‌های مافیایی وابسته به حکومت به اجرا درآمد و حالا در یک بحران حیاتی از قرار معلوم باید سال‌هایی دیگر منتظر ماند تا دولت «قاضی مرگ» این طرح‌های نیمه‌تمام را شاید به سامان برساند! وعده‌ای که بنا بر تجربه و ناکارآمدی نظام هرگز تحقق نخواهد یافت.



نیست.

به گفته بیت‌اللهی، در برخی از مناطق مانند جنوب غرب تهران این عدد بیشتر بوده و تا مرز ۲۵ سانتیمتر در سال و در برخی دیگر از مناطق مانند مازندران این عدد کمتر از ۳ سانتیمتر است. با توجه به کاهش آبخوان‌ها از سال ۱۳۷۵ تا امروز مدیر بخش مرکز زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی اینگونه برآورد کرده است که به ازای هر یک متر کاهش سطح آب زیرزمینی حداقل یک سانتیمتر فرونشست خواهیم داشت.

عضو هیئت علمی و رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اعلام اینکه ۱۴۰ کیلومتر مکعب از مخزن آب‌های زیرزمینی کشور کاهش پیدا کرده است، توضیح داد: «برای اینکه این عدد قابل فهم باشد مثالی می‌زنم؛ فرض کنیم استخری وجود دارد که طول آن از دریای مازندران تا جزیره کیش است و پهنای آن یک کیلومتر و عمق آن ۱۰۰ متر است، ما حجم آب شیرینی به اندازه آب موجود در این استخر از آب‌های زیرزمینی کشور از دست داده‌ایم. این کسری مخزن آب زیرزمینی اثرات رو به رشد خود را روی فرونشست و در نتیجه بر روی ساختمان‌ها، پل‌ها، جاده‌ها، راه‌آهن و کلیه استحکامات نشان می‌دهد.»

بیت‌اللهی کاهش بارش برف و باران را از دلایل فرونشست در مناطق پرآب کشور دانسته و تاکید می‌کند که به خاطر برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، رشد نامتوازن و ناپایدار بر فرونشست این مناطق تاثیر مستقیم داشته است. مدیر بخش مرکز زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با بیان اینکه ۹۰ درصد مصرف این آب‌های زیرزمینی در حوزه کشاورزی است، یادآور شد: «از ابتدای دهه ۵۰ شمسی ما شاهد کاهش مخزن آب زیرزمینی به دلیل افزایش جمعیت و سطح زیر کشت بوده‌ایم. صنعت و آب شرب هم هر یک ۵ درصد مصرف دارند. از سال ۱۳۵۵ تا امروز سطح آب‌های زیرزمینی روبه کاهش بوده اما از سال ۱۳۷۵ تا امروز به طور متوسط حدود ۱.۵ متر نشست جمعی را برای کل کشور شاهد بوده‌ایم که در مناطق فلات مرکزی ایران عدد این پدیده بیشتر از مناطق غربی و شمالی کشور بوده است.»

وی در حالی که قابل کنترل بودن این بحران اشاره می‌کند که در جایی دیگر حسن محسنی عضو هیئت علمی گروه زمین‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا از صادرات روزانه ۷۰۰ کانتینر هندوانه به ترکیه خبر داده و می‌گوید: «متأسفانه ما به کشور پرآبی چون ترکیه آب صادر می‌کنیم و از این موضوع هم خوشحالی‌م!»

رکوردشکنی‌های

منفی ادامه دارد؛

ایران در رتبه سوم

فرونشست دنیا

● علی بیت‌اللهی عضو هیئت علمی و رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، با اشاره به برآوردهای زمین‌شناختی در ۳۰۰ سایت مختلف می‌گوید: «در حال حاضر پدیده فرونشست در تمامی استان‌های کشور به غیر از گیلان وجود دارد. در گیلان نیز به دلیل کم‌آبی به ویژه در مناطق جلگه‌ای کم‌کم شاهد فرونشست خواهیم بود.»

● دشت همدان که به سمت مناطق بهار، کبودرآهنگ، فامنین و قهاوند می‌رود، بیشترین خطر فرونشست را دارد.

● علی محمد زنگانه استاندار گلستان نیز با بیان اینکه این استان یک‌هزار و ۶۰۰ لیتر بر ثانیه کسری آب آشامیدنی دارد، گفته که ۹۵ درصد آب آشامیدنی موردنیاز استان گلستان از چاه‌ها برداشت می‌شود که در بلندمدت فرونشست زمین و آسیب‌های زیاد ناشی از آن را به دنبال دارد.

مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، وضعیت سفره‌های زیرزمینی ایران را توضیح داده و می‌گوید که ایران به لحاظ نرخ فرونشست زمین، جزو سه کشور اول دنیا محسوب می‌شود. کوهرنگ، زاینده رود، کارون، دز، تجن و بسیاری از سرچشمه‌ها و رودخانه‌های کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب خشک شده‌اند. تغییرات اقلیمی موجب شده تا خشکسالی مزمزم به مرز بحران برسد و کاهش بارندگی بیش از پیش به نگرانی‌ها دامن بزند. از طرف دیگر تاسیس صنایعی که آب زیاد مصرف می‌کنند در مناطق خشک و اجرای طرح‌های متعدد انتقال آب از حوزه‌های آبخیز طی دهه‌های گذشته موجب شده مناطقی در سراسر ایران برای تامین آب آشامیدنی، مصارف کشاورزی، دامداری و حتی صنعتی با مشکلات بسیار جدی روبرو شوند.

انگار رکوردزنی ایران در اخبار بد تمامی ندارد و رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با اشاره به وضعیت سفره‌های آب زیرزمینی، ایران را به لحاظ نرخ فرونشست زمین، جزو سه کشور اول دنیا معرفی کرده است. علی بیت‌اللهی عضو هیئت علمی و رئیس بخش زلزله‌شناسی مهندسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، با اشاره به برآوردهای زمین‌شناختی در ۳۰۰ سایت مختلف می‌گوید: «در حال حاضر پدیده فرونشست در تمامی استان‌های کشور به غیر از گیلان وجود دارد. در گیلان نیز به دلیل کم‌آبی به ویژه در مناطق جلگه‌ای کم‌کم شاهد فرونشست خواهیم بود.» طبق پیش‌بینی‌های این مقام مسئول، افزایش گستره فرونشست زمین امری کاملاً بدیهی است و سالیانه حدود ۱۰ سانتیمتر فرونشست برای کل پهنه ایران دور از ذهن

می‌توانند به گناهان خود اعتراف کنند و بخشیده شوند. بنابراین نیازی به دستگاه عریض و طویل کلیسای متحد با قدرت سیاسی نیست. این داعیه‌ها به سرعت به سوی انکار اقتدار پاپ کشیده شده، و در حقیقت اقتدار اجتماعی و سیاسی کلیسای کاتولیک مورد انکار قرار گرفت. در نهایت اینکه با رها شدن معتقدان به دیانت مسیح از جرم‌گرایی آیینی کلیسا، نهضت اصلاح‌طلبی (رفرمیسم مذهبی مارتین لوتر) توانست اندیشه‌های باورمندان را از جمود فکری آزاد ساخته و به آنها بیاموزد تا بر تکیه بر ظرفیت عقلانی خویش بطور آزادانه و مستقل زندگی را تعریف و برای برخورداری از نعمات ممکن در حیات دنیایی بکوشند.

این پیش‌زمینه‌ها در آثار فلسفی سیاسی راه خود را باز کرد. جان لاک معتبرترین و تاثیرگذارترین متفکر عصر مدرن است که تباهی‌های حاصل از حکومت متکی بر مذهب را به تصویر کشیده و پایه‌های فکری سکولاریزم را بنیاد نهاد. سپس این اندیشه‌های نوین در تاریخ مدرن فلسفه سیاسی ادامه یافت تا جایی که بهترین ترجمان آنرا در آثار روسو، کانت، استوارت میل و دیگر متفکرانی یافت که همگی

حکومت مذهبی و تباهی جامعه (۱)

بود سلطه خود بر سازمان‌های آموزشی را نیز حفظ کرده و به این طریق افکار و اندیشه‌های مردم و جوانان را نیز در اختیار خود گیرد.



فضای لازم را برای رشد حکومت‌های مردمی در مقابل نظام‌های مبتنی بر مذهب فراهم آوردند. با وجود همه این تحولات در جهت انسانی ساختن نوع حکومت‌داری، هنوز هم هواداران حکومت مبتنی بر مذهب سعی بر برپایی نظام‌های فکری مورد علاقه خود دارند. جمهوری اسلامی در ایران و حکومت طالبان در افغانستان رسماً سیاست را به خدمت مذهب فرا خوانده‌اند. عربستان سعودی و موریتانی و سودان طبقه به اصطلاح روحانی را پشتوانه نظام‌های سیاسی خود قرار داده‌اند. نفوذ رهبران مذهبی بر سیاست در پاکستان، ترکیه و عراق نیز به خوبی مشهود است.

آمارهایی حیرت‌انگیز

موسسه «پیو» که گزارش‌های معتبر آماری در حوزه سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد، در گزارش سال ۲۰۱۵ خود توضیح می‌دهد که تعداد افرادی که به هیچ مذهبی وابستگی ندارند، رو به کاهش دارد. بر اساس این گزارش ویژگی‌ها مذهبی جهان به سرعت در حال تغییر است. این تغییرات عمدتاً به دلیل تفاوت در نرخ باروری و اندازه جمعیت جوانان در میان مذاهب اصلی جهان، و همچنین به دلیل تغییر عقاید مردم، و نیز مهاجرت بین‌المللی است. ←

● پس از آنکه رفرمیسم مذهبی مارتین لوتر قدرت بی‌چون و چرای کلیسای کاتولیک را به چالش کشید، جان لاک معتبرترین و تاثیرگذارترین متفکر عصر مدرن است که تباهی‌های حاصل از حکومت متکی بر مذهب را به تصویر کشیده و پایه‌های فکری سکولاریزم را بنیاد نهاد. سپس این اندیشه‌های نوین در تاریخ مدرن فلسفه سیاسی ادامه یافت تا جایی که بهترین ترجمان آنرا در آثار روسو، کانت، استوارت میل و دیگر متفکرانی یافت که همگی فضای لازم را برای رشد حکومت‌های مردمی در مقابل نظام‌های مبتنی بر مذهب فراهم آوردند.

● موسسه «پیو» که گزارش‌های معتبر آماری در حوزه سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد، در گزارش سال ۲۰۱۵ خود توضیح می‌دهد که تعداد افرادی که به هیچ مذهبی وابستگی ندارند، رو به کاهش دارد. بر اساس این گزارش ویژگی‌ها مذهبی جهان به سرعت در حال تغییر است. این تغییرات عمدتاً به دلیل تفاوت در نرخ باروری و اندازه جمعیت جوانان در میان مذاهب اصلی جهان، و همچنین به دلیل تغییر عقاید مردم، و نیز مهاجرت بین‌المللی است. طی چهار دهه آینده، مسیحیان بزرگترین گروه مذهبی باقی خواهند ماند، اما اسلام سریع‌تر از هر مذهب دیگری رشد خواهد کرد.

محمود مسائلی - پرسش‌ها: اگر مبنای حاکمیت قوانین مذهبی است، چرا حکومت‌های مذهبی مانند جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌اند، جامعه را در مسیر کمال مطلوب هدایت کنند؟ چرا بیشترین میزان فساد در همه ابعاد کلمه جامعه را در بر گرفته است؟ آیا این فساد و تباهی ناشی از ناتوانی ذاتی مذهب در اداره امور است یا اینکه آنهایی که خود را در لباس مذهب آراسته‌اند موجبات تباهی جامعه را فراهم آورده‌اند؟ اگر تجربه حکومت مذهبی، حداقل در ایران امروز و یا افغانستان همواره با شکست مواجه بوده است، چرا هنوز عده ای به اینگونه حکومت‌ها اقبال نشان می‌دهند؟ در دو بخش به توضیحاتی درباره این پرسش‌ها می‌پردازم.

طرح موضوع

شاید از آغاز تاریخ بشری همواره کسانی با داعیه داشتن نمایندگی از سوی خداوند سایه سنگین و سیاه حکومت خود را بر جوامع توضیح داده و یا با کمک کسانی که خود را نمایندگان مذهب می‌دانسته‌اند، حکومت خود را توجیه کرده‌اند. در امپراتوری رم، رهبران مذهبی توسط دولت انتخاب می‌شدند. آنان از طریق رابطه‌های مستقیم با مرکز قدرت از یکسو به حفظ و ادامه نظام سیاسی یاری می‌رساندند، و از دیگرسو سهم خود را در دسترسی به منابع قدرت حفظ می‌کردند.

قرون وسطا بازتاب یکی از سیاه‌ترین ادوار تاریخی است که در آن مذهب با سلطه بر روابط اجتماعی و سیاسی توانست حضور پررنگ خود را در سیاست حفظ کند. کلیسای کاتولیک در سراسر قرون وسطا توانست نه تنها قوانین خاص خود را به جامعه تحمیل کند، بلکه به دلیل حضور رسمی در نهادهای سیاسی و حکومتی توانسته بود ثروت و مکتب زیادی نیز برای خود فراهم آورد. اسقف‌ها که اغلب ثروتمند و از اشراف بودند، بر جوامعی که اسقف‌نشین نامیده می‌شدند حکمروایی می‌کردند. در سلسله مراتب کلیسایی، آنهایی که پیشینه‌های فرودست و اغلب تحصیلات کمتری نیز داشتند، در سطوح پایین جامعه یعنی در محلات و روستاها به خدمات اجتماعی نیز می‌پرداختند. از همه مهمتر اینکه کلیسای کاتولیک با آموزش زبان لاتینی توانسته

میلیون‌ها انسان با ایمان در سراسر جهان در پروژه‌های اقدام اجتماعی برای کمک به فقرا و به حاشیه رانده‌شدگان یاری می‌رسانند. کلیساها، مساجد، کنیسه‌ها در مراکز تامین مواد غذایی برای نیازمندان، و پروژه‌های حمایت از پناهندگان مشارکت دارند.

همین گزارش، از نقطه نظر سیاسی، رشد ادیان و مذاهب را که با تعصب و آزار بیشتر برای دیگران در جوامع است را یادآوری می‌کند. پیروان اکثر مذاهب اصلی از افزایش خصومت و در بسیاری موارد خشونت خرم می‌دهند. مسیحیان عمدتاً از خاورمیانه رانده شده‌اند که برخی آن را نسل‌کشی جدید می‌دانند. در همین حال یهودی‌ستیزی و اسلام‌هراسی در اروپا در حال افزایش است. یکی از بزرگترین تحولات در چشم‌انداز مذهبی در چند سال آینده واکنش شدید نیروهای محافظه‌کار کلیسای کاتولیک نسبت به اصلاحات در این نهاد مذهبی خواهد بود. هرچند گزارش یادشده و نیز دو گزارش پیشین اشاره‌ای به تأثیرات تباہ‌کننده حکومت‌های اسلامی بر حیات مردم ندارند، اما واقعیات جهان سیاست نشان می‌دهد که رشد اسلامگرایی عرصه سیاست را با مشکلاتی برای علاقمندان به حقوق بشر و دموکراسی مواجه ساخته است.

اسلامگرایی سیاسی کنونی می‌کوشد ضرورت حضور خود را زیر عنوان حکومت الهی مشروعه [۱] توضیح دهد. این نوع داعیه‌های حکومت‌داری بر اساس دینت و مذهب سه چهره مشخص به خود گرفته است:

در اولین مدل، مذهب چهره خود را در تأملات سیاستمداران پنهان می‌کند، سکولاریزم را تأیید می‌کند، اما حضور پررنگ مذهب را در سیاست محفوظ می‌دارد. جرج بوش پسر موضوع حمله آمریکا به عراق را متأثر از الهامی الهی توضیح می‌داد، و اغلب حکومت‌های راست افراطی همواره از پشتیبانی نهادهای مذهبی برخوردار بوده‌اند. مدل دوم حکومتی را پیشنهاد می‌کند (مانند عربستان سعودی، موریتانی، یمن) که در آن قدرت سیاسی در اختیار مردان مذهبی نیست، اما مذهب حضور قدرتمندی در سیاست‌گذاری‌ها دارد.

مدل سوم، آنگونه که در ایران امروز و افغانستان، و نیز واتیکان، مشاهده می‌شود، ماهیت حکومتی را آشکار می‌سازد که در آن، آنهایی که خود را نمایندگان خداوند بر روی زمین می‌دانند، رسماً سیاست را در کنترل انحصار خود داشته و همه منابع طبیعی و انسانی کشور را در اختیار خود در آورده‌اند. اینان به ویژه با تصرف قوه قانونگذاری توانسته‌اند همه اهرم‌های قدرت را در اختیار خود گرفته و مدل حکومتی مطلوب خویش را به عنوان برترین نظام سیاسی برآمده از اراده الهی به دیگران تحمیل نمایند.

* دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] Constitutional Democracy

[i] The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050. Pew Research Institute. April 2, 2015

[ii] How Religious Will be the World in 2050? World Economic Forum, 2015

[iii] Religion: Why Faith is becoming More and More Popular. Guardian. Monday 27 August 2018

با سطوح بسیار بالای تنوع مذهبی (چین و ژاپن) باشند. با افزایش تنوع مذهبی و جمعیت مذهبی، تأثیر بالقوه آنها نیز افزایش می‌یابد و چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی را برای جوامع، دولت‌ها و اقتصادها ایجاد می‌کند. رشد جمعیت مذهبی همچنین پیامدهایی بر چگونگی توزیع ثروت جهان دارد. دگرگونی‌های اقتصادی چین و هند را همه می‌دانند. اما آنچه کمتر شناخته شده این است که پیش‌بینی می‌شود پنج اقتصاد پیشرو در سال ۲۰۵۰ یکی از متنوع‌ترین جوامع با گروه‌های مذهبی مختلف را داشته باشند.

گاردین در گزارشی در سال ۲۰۱۸، در خصوص چرایی رشد مذاهب توضیح می‌دهد که ۸۴٪ از جمعیت جهان با یک گروه مذهبی پیوند دارند. مذهبیون عموماً جوان‌تر هستند و فرزندان بیشتری نسبت به افرادی که هیچ وابستگی مذهبی ندارند، به دنیا می‌آورند، بنابراین جهان مذهبی‌تر می‌شود، نه کمتر. اگرچه تفاوت‌های جغرافیایی قابل توجهی وجود دارد. البته ۱۶٪ جمعیت جهان وابستگی مذهبی ندارند. اما این بدان معنا نیست که همه آن افراد خداناباور هستند. برخی و یا شاید بیشتر آنها، احساس قوی معنویت یا اعتقاد



دکتر محمود مسائلی

به خدا، به خدایان، و یا نیروهای فوق طبیعی دارند، اما بر اساس یک دین رفتار نمی‌کنند. [iii]

این گزارش می‌افزاید که اسلام سریع‌ترین دین در حال رشد در جهان است؛ بیش از دو برابر سریع‌تر از جمعیت کلی جهان. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۶۰، انتظار می‌رود که جمعیت جهان ۳۴٪ افزایش یابد، اما پیش‌بینی می‌شود که جمعیت مسلمانان ۷۰٪ افزایش یابد. مسیحیان نیز در آن دوره از جمعیت عمومی پیشی خواهند گرفت، با پیش‌بینی افزایش ۳۴٪ که عمدتاً به دلیل رشد جمعیت در جنوب صحرا آفریقا پیش‌بینی می‌شود، تا اواسط این قرن مسیحیت احتمالاً جایگاه اول خود را در جدول جهانی ادیان در مقایسه با اسلام از دست خواهد داد. بنابراین، رشد ادیان تأثیرات سیاسی بر جهان دارد. دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ با حمایت قاطع مسیحیان انجیلی سیدپوست پیروز شد. قانونگذاران آرژانتین اخیراً تحت فشار اسقف‌های کاتولیک و پاپ به قانونی کردن سقط جنین رای منفی دادند. نخست‌وزیر راست افراطی مجارستان، برای توجیه سیاست‌های ضد مهاجرتی خود، به ضرورت حفاظت از فرهنگ مسیحی کشورش اشاره کرد. در پایان این گزارش رویکردی مثبت به رشد ادیان و مشارکت آنان مطرح شده و آمده است که اینها خبرهای بدی نیستند.

طی چهار دهه آینده، مسیحیان بزرگترین گروه مذهبی باقی خواهند ماند، اما اسلام سریع‌تر از هر مذهب دیگری رشد خواهد کرد. گزارش ادامه می‌دهد [i] که اگر روند فعلی ادامه یابد، تا سال ۲۰۵۰:

• تعداد مسلمانان تقریباً برابر با تعداد مسیحیان در سراسر جهان خواهد شد.

• ناخداپوران، آگوستیک‌ها، و سایر افرادی که به هیچ دین و مذهبی وابسته نیستند، اگرچه تعداد آنها در کشورهایمانند ایالات متحده و فرانسه افزایش می‌یابد، سهم رو به کاهشی از کل جمعیت جهان را تشکیل خواهند داد.

• جمعیت پیروان آیین بودا در جهان تقریباً به همان اندازه‌ای خواهد بود که در سال ۲۰۱۰ بود، در حالی که جمعیت هندوان و یهودیان از امروز بیشتر خواهند بود.

• در اروپا، مسلمانان ۱۰ درصد از کل جمعیت را تشکیل خواهند داد.

• در کشور هند، معتقدان به دینت هندو رشد خود را حفظ خواهد کرد، اما همچنین بیشترین جمعیت مسلمان را در بین کشورهای جهان خواهد داشت و این تعداد از جمعیت مسلمانان اندونزی پیشی خواهد گرفت.

• در ایالات متحده آمریکا، مسیحیان از بیش از سه چهارم جمعیت در سال ۲۰۱۰ به دو سوم در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهند یافت و یهودیت دیگر بزرگترین دین غیرمسیحی نخواهد بود. تعداد مسلمانان در ایالات متحده بیشتر از افرادی خواهد بود که خود را یهودی معرفی می‌کنند.

• از هر ۱۰ مسیحی در جهان، چهار نفر در جنوب صحرا آفریقا زندگی می‌کنند، امری که نشان‌دهنده رشد این دین در آفریقای جنوب صحراست.

بر اساس این گزارش، تا سال ۲۰۱۰، مسیحیت با حدود ۲/۲ میلیارد پیرو، تقریباً یک سوم (۳۱٪) از کل ۶/۹ میلیارد نفر روی زمین، با اختلاف بسیار بزرگترین دین جهان بود. اسلام با ۱/۶ میلیارد پیرو یا ۲۳٪ از جمعیت جهان در رتبه دوم قرار داشت.

با این حال، اگر روندهای جمعیتی کنونی ادامه یابد، اسلام تقریباً تا اواسط قرن بیست و یکم رشد زیادی خواهد داشت. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ تقریباً برابری بین مسلمانان (۳۰٪ جمعیت) و مسیحیان (۳۱٪) به وجود آید که برای اولین بار در تاریخ خواهد بود.

به استثنای پیروان آیین بودا، همه گروه‌های مذهبی بزرگ جهان حداقل در دهه‌های آتی به تعداد مطلق رشد خواهند کرد. انتظار می‌رود که جمعیت جهانی بودایی به دلیل نرخ پایین باروری و پیروی جمعیت در کشورهایمانند چین، تایلند و ژاپن نسبتاً پایدار باشد. پیش‌بینی می‌شود که جمعیت هندوها در سرتاسر جهان تا ۳۴٪ افزایش یابد و از کمی بیش از یک میلیارد به نزدیک به ۱/۴ میلیارد نفر برسد که تقریباً همگام با رشد کلی جمعیت است. انتظار می‌رود یهودیان، کوچک‌ترین گروه مذهبی که پیش‌بینی‌های جداگانه‌ای برای آنها انجام شد، ۱۶٪ رشد کنند.

مجمع جهانی اقتصاد در گزارشی که در همان سال ۲۰۱۵ انتشار یافت، در گزارشی با عنوان «جهان تا سال ۲۰۵۰ تا چه اندازه مذهبی خواهد بود» [ii]، توضیح می‌دهد که تغییر جمعیت مذهبی در جهان بر اقتصادها تأثیر خواهد گذاشت. امروزه هفت کشور از کشورهای گروه هشت دارای اکثریت مسیحی هستند. اما پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ تنها یکی از اقتصادهای پیشرو، یعنی ایالات متحده آمریکا، دارای اکثریت جمعیت مسیحی باشد. پیش‌بینی می‌شود که دیگر اقتصادهای بزرگ در سال ۲۰۵۰ شامل کشوری با اکثریت هندو (هند)، اکثریت مسلمان (اندونزی) و دو کشور

روزنامه «کیهان تهران» که بازتاب دهند مواضع «بیت رهبری» و اطرافیان است در گزارشی با عنوان «مذاکره در قطر تله است نباید به آمریکا جایزه بدهید» تأکید کرده «سفر بولر به تهران نوعی تقسیم کار آمریکا و اروپا در موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۴ و اساساً فاز دیگری از فشار و تهدید برای چانه‌زنی و تله‌گذاری برای ایران است.»

در این گزارش تأکید شده «آمریکایی‌ها نه تنها از برجام خارج شدند و مسئولیت نپذیرفتند بلکه تلاش می‌کنند از یکسو با فعال کردن لابی صهیونیسم و برخی حکام مرتجع منطقه و سایر همپالگان اروپایی خود فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران را تشدید کنند و از سوی دیگر با یارگیری اروپایی‌ها و تله‌گذاری‌های دیپلماتیک، توپ را در زمین ایران بیندازند.»

کیهان تهران در سرمقاله این روزنامه نیز هشدار داده «مذاکره غیرمستقیم با آمریکا در قطر، هدیه‌ای ناخواسته به حامیان مذاکره با آمریکا و رژیم صهیونیستی است.» در واکنش به برخی شایعات در مورد احتمال مذاکره مستقیم آمریکا و جمهوری اسلامی سعید خطیب‌زاده

اختلاف در نظام بر سر تغییر «فرمت» و قطر به عنوان محل مذاکرات اتمی؛

ترفند یا اجبار؟!

خارجی در همه جای دنیا مربوط به مجامع بالادستی است، مسئولین عالی‌رتبه کشور تصمیم می‌گیرند. لکن اینطور نیست که تصمیم‌گیری‌ها تابع وزارت خارجه باشد. وزارت خارجه مجری است.»

کیهان لندن دیروز در گزارشی به این نکته اشاره کرد که موضوع تغییر «فرمت» و محل مذاکرات می‌تواند ترفندی برای عقب‌نشینی جمهوری اسلامی باشد که شرایطش در مذاکرات وین قبول نشده و آن را به

محمد مردنی مشاور تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در وین به روزنامه «العربی الجدید» گفته «توافق اتمی در گرو اراده آمریکاست و امضای توافق منوط به برداشتن تحریم‌ها و دادن تضمین قابل قبول به ایران است.»

● مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند انتقال مذاکرات اتمی از وین به قطر انتخاب آنهاست.

● چنانکه از شواهد به نظر می‌رسد، در بالاترین سطوح جمهوری اسلامی بر سر تغییر «فرمت» مذاکرات و انتخاب قطر به عنوان محل جدید گفتگوها نیز اختلافات جدی وجود دارد.

● روزنامه «کیهان تهران» که بازتاب دهند مواضع «بیت رهبری» و اطرافیان است در گزارشی با عنوان «مذاکره در قطر تله است نباید به آمریکا جایزه بدهید» تأکید کرده «سفر بولر به تهران نوعی تقسیم کار آمریکا و اروپا در موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۴ و اساساً فاز دیگری از فشار و تهدید برای چانه‌زنی و تله‌گذاری برای ایران است.»

● از این وضعیت می‌توان این برداشت را داشت که مخالفت‌ها در مورد ادامه مذاکرات صرفاً نمایشی و ترفندی است برای حفظ حیثیت خامنه‌ای و نظام جهت لاپوشانی تسلیم در برابر فشارهای غرب. اما از سوی دیگر بعید نیست حتی خامنه‌ای هم اختیار زیادی در تعیین شرایط نداشته باشد و مجبور به تبعیت از گروه یا جریانی قدرتمند در داخل خود نظام و یا ناچار به تسلیم در برابر فشارهای بین‌المللی شده و تغییر «فرمت» مذاکرات و محل آن به همین دلیل است.

جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در جریان سفرش به تهران اعلام کرد «مذاکرات بین جمهوری اسلامی، آمریکا و اتحادیه اروپا دیگر در وین انجام نخواهد شد و احتمالاً در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس برگزار خواهد شد.» او همچنین گفت «فرمت این مذاکرات دیگر در چارچوب ۱+۴ نیست!»

حالا پایگاه خبری «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی گزارش داده است که محل برگزاری دور جدید مذاکرات در قطر خواهد بود. این رسانه همچنین در حالی که تأکید کرده است مذاکرات وین به «بن‌بست» رسیده اما نسبت به «گشایش» مذاکرات در قطر ابراز امیدواری کرده است.

محمد مردنی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی در وین به روزنامه «العربی الجدید» گفت «ایران، قطر را به عنوان کشوری برای میزبانی از مذاکرات انتخاب کرد زیرا این کشور دوست ما است.»

او توضیح داد، «با توجه به جنگ اوکراین و سخت شدن شرایط آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها، امضای توافق به سود آمریکا است.» وی همچنین گفت، «از سرگیری مذاکرات هسته‌ای به معنای نزدیک شدن به احیای توافق نیست زیرا توافق اکنون در گرو اراده آمریکا است و امضای توافق منوط به برداشتن تحریم‌ها و دادن تضمین قابل قبول به ایران است.»

اینکه جوزپ بولر در سفر خود به تهران اشاره کرد در مورد ادامه مذاکرات با «فرمت جدید» با جمهوری اسلامی توافق شده و اینکه حالا مقامات تهران قطر را به عنوان میزبان مذاکرات اتمی معرفی کرده‌اند نمی‌تواند بدون تأیید و نظر علی خامنه‌ای باشد. رهبر جمهوری اسلامی در همین ارتباط پیشتر گفته بود «همه بدانند که سیاست



دیدار مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با وزیر خارجه جمهوری اسلامی در تهران

سخنگوی وزارت خارج جمهوری اسلامی ششم تیرماه اعلام کرد «هیچ مذاکره مستقیمی با آمریکا انجام نخواهد شد، مذاکرات به صورت غیرمستقیم و با تسهیل‌گری اتحادیه اروپا انجام خواهد شد.»

با اینهمه ابهامات در مورد آغاز مجدد مذاکرات اتمی زیاد است به ویژه آنکه شماری از نزدیکان به علی خامنه‌ای نسبت به ادامه مذاکرات اتمی انتقاد کرده‌اند از جمله احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد پدرزن ابراهیم رئیسی که گفته بود برجام از اول فکر غلطی بود که البته استمرار آن غلط‌تر است!

از این وضعیت می‌توان این برداشت را داشت که مخالفت‌ها در مورد ادامه مذاکرات صرفاً نمایشی و ترفندی است برای حفظ حیثیت خامنه‌ای و نظام جهت لاپوشانی تسلیم در برابر فشارهای غرب. اما از سوی دیگر بعید نیست حتی خامنه‌ای هم اختیار زیادی در تعیین شرایط نداشته باشد و مجبور به تبعیت از گروه یا جریانی قدرتمند در داخل خود نظام و یا ناچار به تسلیم در برابر فشارهای بین‌المللی شده و تغییر «فرمت» مذاکرات و محل آن به همین دلیل است.

بن‌بست کشاننده و حالا به نام تغییر «فرمت» و محل مذاکرات از وین به کشوری دیگر، همان مذاکرات را چه بسا بطور مستقیم با نمایندگان آمریکا پیش خواهد برد. تغییری ظاهری که ممکن است با عقب‌نشینی و یک «نرمش قهرمانانه» دیگر از سوی جمهوری اسلامی همراه شود. با اینهمه غربی‌ها نسبت به نیت جمهوری اسلامی با احتیاط و تردید برخورد می‌کنند. کیهان لندن همچنین نوشت که «وقت‌کشی» فقط به سود یکطرف نیست و همه طرفین می‌توانند در فرصتی که به دست آورده‌اند برنامه‌های خود را پیش ببرند. چنانکه به تازگی وال استریت ژورنال از نشست محرمانه آمریکا و اسرائیل و کشورهای عربی در شرم‌الشیخ مصر پرده برداشت! نشستی که در ماه مارس چند هفته پس از توقف مذاکرات وین و همچنین حمله نظامی روسیه به اوکراین برگزار شد.

در هر حال، چنانکه از شواهد به نظر می‌رسد، در بالاترین سطوح جمهوری اسلامی بر سر تغییر «فرمت» مذاکرات و انتخاب قطر به عنوان محل جدید گفتگوها نیز اختلافات جدی وجود دارد.



مدنی و ایجاد فضا برای تعاون‌های جمعی و کمپین‌های اجتماعی و میدان‌دادن به حضور هویت‌ساز و غرورآفرین نوجوانان کم کنید.»

در این مطلب آمده که «در مدارس، خسته‌ی تکالیف بارشی و تلقینی دینیشان نکنید؛ به موی سر و ناخن و ابروی دختر و پسر دهکده‌ی جهانی بی‌در و پیکر امروز گیر ندهید؛ در عوض با او رفیق و هم‌دل شوید و امکانات تخلیه‌ی انرژی‌اش را در ورزش و سفر و باشگاه و مسئولیت مدرسه‌ای فراهم کنید و امنیت گردش و تفریح سالم و خوش‌خلقی و دوری از بیم حساب و کتاب خیابانی و «ارشادی» را به او هدیه نمایید.»

«خمینی‌شهر» (همایونشهر) در مجلس شورای اسلامی روز گذشته خواستار برخورد با نوجوانان شرکت‌کننده در تجمع چند روز پیش شیراز شد و گفت: «هم به لحاظ قانونی و هم به لحاظ شرعی، در اینباره قانون صریح داریم و توجیهاتی از این دست که این تجمعات، مجوز داشته است، منکر برخورد نمی‌شود.»

اینهمه در حالیست که دکتر محمدعلی فیاض‌بخش روانشناس اجتماعی در مطلبی با عنوان «مدتی گیر دادن به مو و ابروی پسران و دختران را رها کنید» در روزنامه اطلاعات نوشته که «تبلیغات شبانه‌روزی بارشی ایدئولوژیک را مدتی به نفع اخلاق

هراس از آزادیخواهی دهه هشتاد و نودی‌ها؛ پلمب کافی‌شاپ‌ها، افزایش گشت ارشاد اسلامی و رصد آرایشگاه‌ها در شیراز

شود. همچنین شمار پیامک‌های تذکر و توقیف اتومبیل به دلیل «بدحجابی» نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده و حضور نیروها و ون‌های گشت ارشاد اسلامی در شهر خیلی پررنگ‌تر از قبل ادامه دارد.

این در حالیست که پیشتر لطف‌الله شیبانی فرماندار شیراز سه روز پس از برگزاری در شیراز اعلام کرد که تا کنون ۱۰ نفر از عوامل برپایی این تجمع بازداشت شدند. فرماندار شیراز بازداشت‌شدگان را «عوامل مؤثر» و «مستولان مربوطه ورزشی» خوانده و مدعی شده «هیچ نوجوانی» بازداشت نشده است.

لطف‌الله شیبانی افزوده بود که «طبق بررسی‌های انجام شده و بر اساس اقدامات ضابطین قوه قضاییه و نیروی انتظامی، مراسمی که در بلوار چمران برگزار شده با طرح و برنامه قبلی بوده است.»

در روزهای گذشته رسانه‌های اصولگرا و مقامات نظام با استفاده از عباراتی چون «هنجارشکنی» و «رواج بی‌اخلاقی» نسبت به برگزاری چنین تجمعی از سوی نوجوانان واکنش نشان دادند و برخی از هواداران نظام با سازماندهی حکومتی در همان محل تجمع ورزشی جوانان، نماز وحشت خوانده‌اند!

حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری در شورای اسلامی شهر تهران مدعی شد: «از این دختران نوجوان در قالب تجمع سوء استفاده شده بود» و «برای نظام جمهوری اسلامی ایران با تعداد زیادی شهید و سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی زیننده نیست که چنین اتفاقاتی را شاهد باشیم!»

حسین حقایقی مدیرکل حوزه اجتماعی و فرهنگی استاندار فارس نیز این اتفاق را محکوم کرد و از برخورد قانونی و سلبی در مقابل بی‌حجابی در استان خبر داد. وی با اشاره به ایجاد قرارگاه عفاف و حجاب در این شهر چنین رخدادهایی را در شأن شیراز، سومین «حرم اهل بیت» ندانست و تأکید کرد که بر اساس قانون، کشف حجاب جرم آشکار است و باید با آن برخورد شود.

این واکنش‌ها همچنین ادامه دارد. حجت‌الاسلام محمدتقی نقدعلی نماینده

● دست کم ۲۰ کافه محل دیدار نوجوانان و جوانان به دستور اداره اماکن شیراز پلمب شده است.

● آرایشگاه‌ها به ویژه آرایشگاه‌های زنانه زیر رصد شدید نیروی انتظامی و اماکن قرار دارند تا «شئونات اسلامی» در آنها رعایت شود.

● شمار پیامک‌های تذکر و توقیف اتومبیل به دلیل «بدحجابی» نیز با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.

تجمع نوجوانان در شیراز بدون حجاب و با پوشش عادی همچنان با واکنش مقامات استانی و کشوری روبروست. ده‌ها کافی‌شاپ در شیراز پلمب شده، آرایشگاه‌های زنانه برای رعایت «شئونات اسلامی» زیر فشار شدید اداره اماکن و نیروی انتظامی قرار گرفته‌اند و حضور گشت ارشاد اسلامی در شهر پررنگ‌تر از گذشته شده است.

در آخرین روز خردادماه، برنامه‌ای با عنوان «روز جهانی اسکیت‌بورد» در بلوار «چمران» شهر شیراز برگزار شد. در این تجمع ده‌ها دختر و پسر نوجوان دهه هشتادی و نودی بدون حجاب و اکثراً با پوشش عادی که بر خلاف توقع و ایده‌آل‌های جمهوری اسلامی است حضور داشتند.

انتشار ویدئوهای این تجمع طی روزهای گذشته با واکنش‌های شدیدی از سوی مقامات مختلف استانی و کشوری، و همچنین مذهب‌یون خشک‌مغز حامی جمهوری اسلامی روبرو شده است. اکنون با گذشت ۱۰ روز گزارش‌ها حکایت از فشارهای نیروی انتظامی و اداره اماکن برای بستن بیشتر فضای اجتماعی شهر و فشار به مردم شیراز دارد.

یکی از آخرین اقدامات مقامات حکومتی پلمب ده‌ها کافی‌شاپ در شهر شیراز بوده است. بر اساس گزارش‌ها دست کم ۲۰ کافه محل دیدار نوجوانان و جوانان به دستور اداره اماکن این شهر پلمب شده است.

روزنامه اینترنتی «فراز» به نقل از یکی از کافه‌داران شیراز نوشته که «ساعت ۲ آمدند گفتند ساعت ۱۲ می‌آییم پلمب‌تان می‌کنیم». این کافه‌دار گفته که از ۴ روز پیش کرکره مغازه‌اش را بالا نداده و می‌گوید هیچ امیدی به زمان بازگشایی مجددش ندارد.

کافه آبی، کافه ۴۰۴، رستوران بن کتو، کافه جینیوس و بوکلند شیراز از جمله معروف‌ترین کافی‌شاپ‌هایی هستند که طی روزهای گذشته پلمب شدند.

موج فشارها اما فقط به پلمب کافی‌شاپ‌ها ختم نشده و فشارهای همه‌جانبه برای امنیتی کردن و بستن فضای اجتماعی شیراز در جریان است.

آرایشگاه‌ها به ویژه آرایشگاه‌های زنانه زیر رصد شدید نیروی انتظامی و اماکن قرار دارند تا «شئونات اسلامی» در آنها رعایت

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسر خان)

برای نخستین بار ایجاد کرده حضور نظامی و بانکته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ناس یا کیهان لندن naid@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

معامله‌ی آثار تاریخی تحت عنوان «حراج ملی ایران»؛ رد پای فساد داماد هاشمی شاهرودی!

نشده است. با توجه به قدمت و نفاست این آثار، خروج آنها از کشور ممنوع بوده و برابر با ماده ۵۶۱ مجازات اسلامی جرم محسوب خواهد شد.

«حراج ملی ایران» بطور رسمی اعلام داشته که در طول مدت برگزاری، ۲۳ قلمدان و پاکت نامه (منسوب به قاجار)، مینیاتوری منسوب به حسین بهزاد، شمایل منسوب به آقا ابراهیم، شمایل اثر علی ابن محمد ابراهیم نقاشی، نقاشی لاک منسوب به میرزا بابا، پنج لت نقاشی منسوب به علی خان صبا، در چوبی متعلق به کارگاه میرزا آقا امامی (منسوب به دوره قاجار)، نسخ خطی قرآن و یکسری دست‌بافته را به حراج گذاشته شده است.

بیش از یک دهه از تاسیس خانه «حراج ملی» می‌گذرد. این خانه نخستین دوره حراج خود را سال ۹۵ برگزار کرد و

به ۱۰ سال زندان محکوم شده است.

در پی اعتراض وزارت میراث فرهنگی، مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از پذیرش مسئولیت این حراجی سر باز زده‌اند و می‌گویند که مجوز این بخش در اختیار وزارت میراث فرهنگی است و اصالت سنجی آثار عرضه شده را نیز کارشناسان تعیین کرده‌اند، نه این وزارتخانه!

محمود سالاری معاون هنری وزارت ارشاد اسلامی تاکید کرد، حراج ملی مجوز آنها را دریافت کرده اما برای ارائه آثاری که متعلق به میراث فرهنگی است، آنها باید پاسخگو باشند زیرا آثار حراج ملی دو دسته هستند که آثار هنری آن از طرف معاونت هنری مجوز دریافت می‌کند و آثار دیگر در حوزه اختیار میراث فرهنگی هستند.

این در حالیست که معاونت امور هنری وزارت فرهنگ

● هفتمین دوره «حراج ملی ایران» یکم تا سوم تیرماه ۱۴۰۱، با عرضه ۴۰ اثر هنری با عنوان «کلاسیک ایرانی و اسلامی» و سود اعلام‌شده‌ی ۴۲ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان به پایان رسید.

● مرتضی ادیب‌زاده سرپرست اداره‌کل موزه‌های کشور در صفحه شخصی اینستاگرام خود در این رابطه نوشته: «هیچگونه مجوزی از سوی اداره کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای حراج ملی صادر نشده است. با توجه به قدمت و نفاست این آثار، خروج آنها از کشور ممنوع بوده و برابر با ماده ۵۶۱ مجازات اسلامی جرم محسوب خواهد شد.»

● حالا برگزارکنندگان این حراجی که ادعای فروش آثار دوره صفویه و قاجاریه را آنهم به مدت ۷ سال دارند با اتهام قاچاق روبرو هستند که مطابق ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی، متهمان علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌شوند.

هفتمین «حراج ملی ایران» با داد و ستدهای میلیاردی به پایان رسید، در حالی که سود ۴۲ میلیاردی حاصل از فروش آثار تاریخی و باستانی، وزارتخانه میراث فرهنگی را به اعتراض واداشته است. میراث فرهنگی فروش آثار تاریخی در این حراجی را خلاف قانون و جرم اعلام کرده، حال آنکه کارشناسان نیز اصالت آثار فروخته‌شده را مورد تردید قرار داده‌اند.

هفتمین دوره «حراج ملی ایران» یکم تا سوم تیرماه ۱۴۰۱، با عرضه ۴۰ اثر هنری با عنوان «کلاسیک ایرانی و اسلامی» و سود اعلام‌شده‌ی ۴۲ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان به پایان رسید.

طبق اعلام حراجی، ۱۰ اثر با قیمت پایه بالای یک میلیارد تومان برآورد شدند و گران‌ترین آنها با قیمت ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان مجموعه‌ای از ۲۱ قلمدان و دو عدد پاکت نامه متعلق به دوره زندیه بوده است.

یک سینی قلم‌زنی متعلق به دوره زندیه با قیمت ۳۹ میلیون تومان و سپس قلمدان لاک‌ی اثر آقا‌زمان متعلق به دوره قاجار با قیمت ۹۰ میلیون تومان و یک نسخه خطی قرآن متعلق به دوره تیموری با قیمت ۴۰۰ میلیون تومان گران‌قیمت‌ترین آثار «حراج ملی ایران» بوده‌اند.

دو روز پس از پایان این حراج، وزارت میراث فرهنگی به عرضه و فروش آثار تاریخی در رویداد اعتراض کرده و گفته است، که «هیچ مجوزی برای این حراجی از سوی این وزارتخانه صادر نشده و موضوع در حال بررسی است.»

وزارت میراث فرهنگی می‌گوید، «حراج ملی ایران» غیرقانونی و خروج این آثار از ایران را «جرم» است. درحالی این حراجی غیرقانونی خوانده شده که هفت دوره از برگزاری آن می‌گذرد و همواره نیز آثاری از دوره‌های تیموری، صفوی و قاجاریه را به فروش می‌رساند.

برخی منابع آگاه می‌گویند، «حراج ملی ایران» متعلق به احمد هاشمی شاهرودی داماد و برادرزاده آیت‌الله محمود هاشمی شاهرودی رئیس سابق قوه قضاییه است و به اسم هنر سنتی و «اسلامی»، اقدام به معامله عتیقه‌جات و آثار تاریخی و باستانی می‌کند. این فرد در پرونده بانک سرمایه



هفتمین دوره حراج ملی ایران با فروش ۴۲ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان به کار خود پایان داد

ظاهرا شعارش این است که می‌خواهد به بازار هنرهای سنتی و صنایع دستی رونق دهد و در پویایی بخش‌های تولید، صادرات، برگزاری گالری و حراج نقش موثر داشته باشد. هادی پورجاوید، علی روحانی و زهرا محمودوند در دوره‌های مختلف مدیر و عوامل اجرایی این حراج بوده‌اند.

هادی پورجاوید مدیرعامل حراج ملی در هفتمین حراج گزارى آثار هنرى ایرانى و «اسلامى» از ارائه ۴۰ اثر هنرى مربوط به دوران «هنر اسلامى- ایرانى» خبر داد که مجموعاً ۴۲ میلیارد و ۴۲۴ میلیون تومان برای این خانه درآمد داشت. به گفته جاویدپور، بسیاری از کلکسیونرها و کالکتورهای آثار هنری که می‌خواهند آثارشان را بیاورند و بفروشند و آثار جدیدی را خریداری کنند به ایشان مراجعه کرده و بعد از مراحل کارشناسی متعددی با متخصصان پژوهش هنر، روی آثار قیمت‌گذاری می‌شود.

این مدیر هدف خود را حفظ آثار ایرانی در کشور همراه با گردش مالی عنوان کرده اما با اشاره به اینکه خریداران خارجی نیز می‌توانند در حراج شرکت کنند به نوعی

و ارشاد اسلامی، ابتدا گفته بود، این حراجی با مجوز این وزارتخانه برگزار شده است، اما اکنون با عرضه و فروش بدون مجوز آثاری منسوب به دوره‌های تاریخی با واکنش وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مواجه شده است.

هادی پورجاوید یکی از مدیران «حراج ملی ایران» امروز به ایستای ضمن رد غیرقانونی بودن حراجی گفته است، «مجوز کلی» را از وزارت ارشاد گرفته‌اند و «بر اساس همان روال قانونی و آیین‌نامه‌های جلو رفتیم و از خود اتحادیه صنایع دستی و اشیای قدیمی نیز مجوز دریافت کردیم. آن چیزی که الان به عنوان مجوز برگزاری حراج وجود دارد نیز همین است.»

او همچنین می‌گوید که به زودی اسامی تمام کارشناسان حراج ملی را اعلام خواهند کرد.

مرتضی ادیب‌زاده سرپرست اداره‌کل موزه‌های کشور در صفحه شخصی اینستاگرام خود در این رابطه نوشته: «هیچگونه مجوزی از سوی اداره کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای حراج ملی صادر

نمایندگان با ۱۲۰ رأی موافق، ۸۱ رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۸ نماینده حاضر با این تحقیق و تفحص موافقت کردند.

محورهای تحقیق و تفحص مجلس از عملکرد وزارت نیرو به شرح زیر است:

۱- آثار و پیامدهای سدهای ساخته شده بر محیط زیست، میراث فرهنگی، آموزش، بهداشت و زیست جوامع محلی مخزن و پائین دست سدهای ساخته شده توسط وزارت نیرو.

۲- نحوه تطابق جانمایی سدها و تخصیص از آنها در ارتباط با حفظ محیط زیست و تمامی ذینفعان حوضه و بررسی عملکردهای زیست‌محیطی، فنی، مالی و اقتصادی سدهای ساخته شده.

۳- بررسی چگونگی نحوه اخذ ردیف‌های اجرایی طرح‌های توسعه‌ای منابع آب اعم از مجوز تخصیص، تصویب مطالبات، قراردادهای اجرا و عملکرد شرکت‌های مشاور، مجوز محیط زیستی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی، جهاد کشاورزی، امور عشایر و ... و انطباق مجوزهای صادره با روندهای قانونی.

۴- نحوه برخورد با برداشتهای غیرمجاز، آب‌های زیرزمینی و سطحی، متجاوزان به حریم بستر و حفظ مرفولوژی رودخانه و چگونگی بهره‌برداری آب در تولیدات کشاورزی و اقدامات انجام شده برای اصلاح الگوهای کشت.

۵- نحوه تدوین برنامه بهره‌برداری از منابع سطحی و زیرزمینی در دشت‌های مختلف.

۶- بررسی رعایت اصول یونسکو در اجرای طرح‌های انتقال آب و سدسازی و بررسی ساختار ارزیابی محیط زیستی طرح‌های توسعه‌ای مطابق با معیارهای جهانی. گفتنی است این جلسه با حاشیه عجیبی نیز همراه شد. محمدتقی نقدعلی نماینده مردم «خمینی‌شهر» در استان اصفهان (همایون‌شهر) که به نظر می‌رسد منتقد گزارش ارائه شده از سوی کمیسیون کشاورزی و موافقت نمایندگان با تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت نیروست، گفت: «کسی با تحقیق و تفحص مخالفت نیست، ما در کمیسیون کشاورزی حاضر شدیم. این تحقیق و تفحص به نام تحقیق و تفحص کلی است، اما به نام یک استان. اگر انتقال آب اشتباه است، به یزد و بروجن هم اشتباه است.»

محمدعلی نقدعلی که به شدت عصبانی بود و فریاد می‌کشید افزود «به چه مجوزی تکرور کردید؟ و چرا تحقیق تفحص را یکجانبه تأیید کردید؟ این چه مدیریتی است؟ تحقیق و تفحصی که فقط به نفع چهارمحال باشد مورد قبول ما نیست.»

نماینده «خمینی‌شهر» (همایون‌شهر) به حدی عصبی بود و فریاد می‌کشید که عمامه از سرش افتاد اما او همچنان به داد و فریاد ادامه داد و بلافاصله هم میکروفون خود را به همراه پایه آن به دست گرفت و به صورت ایستاده به مخالفت ادامه داد.

پس از دقایقی چند تن از نمایندگان که به دور وی جمع شده بودند، عمامه وی را بر سرش گذاشتند.

این اتفاق مضحک در حالیست که فریاد کشیدن و حتی کتک‌کاری در صحن علنی مجلس شورای اسلامی بارها از سوی نمایندگان در دوره‌های مختلف این نهاد گوش به فرمان رهبری جمهوری اسلامی تکرار شده است. در برخورد عصبی محمدعلی نقدعلی در صحن علنی امروز نیز خونسردی نمایندگانی که پشت سر او نشستند بودند و همچنین خونسردی هیئت رئیسه نشان می‌داد که این برخورد «غیرعادی» برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی کاملاً «عادی» است!

تصویب دو طرح تحقیق و تفحص در مجلس شورای اسلامی و افتادن عمامه نماینده عصبانی حین داد و فریاد!

- بررسی وضعیت مدیریت اقتصادی، مالی، اداری و حقوقی شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی و شرکت‌های زیر مجموعه آن محور اصلی طرح تحقیق و تفحص از شستا است. گزارش کمیسیون کشاورزی درباره تصویب تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد وزارت نیرو در دولت حسن روحانی به نمایندگان ارائه شد و نمایندگان با این تحقیق و تفحص موافقت کردند.

- در برخورد عصبی محمدعلی نقدعلی در صحن علنی امروز که عمامه نیز از سرش افتاد، خونسردی نمایندگانی که پشت سر او نشسته بودند و همچنین خونسردی هیئت رئیسه نشان می‌داد که این برخوردهای «غیرعادی» برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی کاملاً «عادی» است!

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی دو طرح تحقیق و تفحص توسط نمایندگان تصویب شد که در پی تصویب یکی از این طرح‌ها یکی از نمایندگان آخوند مجلس معترض شد و برای دقایقی در حالی که عمامه از سرش افتاده بود به داد و فریاد مشغول شد.

در جلسه علنی امروز نمایندگان تحقیق و تفحص از شرکت شستا از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۹ با ۱۶۱ رأی موافق، ۴۷ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۷ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند.

شهباز حسن پور بیگلری نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره گزارش کمیسیون اقتصادی در رابطه با تقاضای تحقیق و تفحص از شستا گفته که «بررسی وضعیت مدیریت اقتصادی، مالی، اداری و حقوقی شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی و شرکت‌های زیر مجموعه آن محور اصلی این طرح است.»

بررسی مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های زیر مجموعه، فرایند خرید و فروش دارایی‌ها و نحوه رعایت صرفه و صلاح شرکت، اجاره دارایی‌ها، اخذ وام بانکی و نحوه پرداخت به شرکت‌های تابعه از نمونه محورهای فرعی این تحقیق و تفحص است.

شستا مخفف «شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی» است در سال ۱۳۶۵ به عنوان شرکت سهامی خاص آغاز به کار کرد اما به مرور مثل موارد مشابه به یکی از کانال‌های رانت و فساد مالی جمهوری اسلامی تبدیل شد. در حال حاضر شستا دارای ۱۶۵ شرکت مدیریتی و ۶۵ شرکت غیرمدیریتی است و مجموع سرمایه آن از سال ۹۷ در حدود ۵۷ هزار میلیارد تومان بوده است. همچنین درآمد سالانه آن ۳۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود که با توجه به شرایط، اکنون باید دو برابر باشد.

در جلسه علنی امروز مجلس شورای اسلامی همچنین گزارش کمیسیون کشاورزی درباره تصویب تقاضای تحقیق و تفحص از نحوه عملکرد وزارت نیرو در دولت حسن روحانی به نمایندگان ارائه شد و در نهایت

سختن خود را نقض کرده چرا که خریدار خارجی آثار را در کشور نگه نمی‌دارد!

به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی، الحاق «تبصره ۲» به ماده ۲۹ آیین‌نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی - تاریخی منقول مجاز، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نهاد صادرکننده مجوز برای حراج و فروش آثار هنری است که از زمان تولید آنها بیش از ۱۰۰ سال نگذشته باشد که شامل «آثار و نفایس ملی نیست».

حالا برگزارکنندگان این حراجی که ادعای فروش آثار دوره صفویه و قاجاریه را آنهم به مدت ۷ سال دارند با اتهام قاچاق روبرو هستند که مطابق ماده ۵۶۱ قانون مجازات اسلامی، متهمان علاوه بر استرداد اموال، به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌شوند.

ضمن اینکه، ماده ۱۷ قانون میراث ملی تجارت و همچنین خروج اشیاء عتیقه تنها با مجوز دولت امکان‌پذیر است و خلاف آن، ضبط اشیای مزبور توسط دولت را به دنبال دارد.



محمود سالاری معاون امور هنری وزارت ارشاد نیز با پذیرش این اصل، تأکید کرده که با وجود ارائه مجوز به این حراجی، مسئولیت آثار تاریخی و مجوز این بخش در حوزه اختیار وزارت میراث فرهنگی است و حتی موضوع اصالت‌سنجی آثار به عهده کارشناسان حراجی است و وزارت ارشاد اسلامی دخالتی در آن ندارد.

مسئله که پس از برگزاری این دوره در فضای مجازی بسیار حاشیه‌ساز شده و عده‌ای از اساس اصالت برخی آثار ارائه شده را زیر سوال برده‌اند و این حراجی را به جمعه‌بازاری تشبیه کرده‌اند که در آن در قالب یک رویداد فرهنگی مبالغی برای پولشویی جابجا می‌شود.

حساسیت در مورد این حراجی نزد فعالان میراث فرهنگی و افکار عمومی در حالی تشدید شده که مجلس شورای اسلامی به تازگی طرح «استفاده بهینه از اشیاء باستانی و گنج‌ها» را ارائه داد تا برای کمبود بودجه، چوب حراج به آثار باستانی و تاریخی ایران را بطور قانونی بزند و عرصه قاچاق میراث فرهنگی را به یک تجارت قانونی و روی زمینی بدل کند.

تکمیل سیستم سانسور و فیلترینگ؟! اختلال و کندی سرعت اینترنت در ایران؛ از انکار مقامات مسئول تا کارزار #گزارش_اختلال



● از دو هفته پیش اختلال شدید روی برخی پروتکل‌های رمزنگاری شده در اینترنت ایران رخ داده که گفته می‌شود اقدامات دولت پشت سر آن قرار دارد.

● اختلال اینترنت در ایران به حدی مشکلات کسب و کارهای مختلف را افزایش داده که از ششم تیرماه کارزاری با عنوان «اعتراض عملی به اختلالات گسترده در اینترنت» برای امضای عموم به راه افتاده است.

● وزیر ارتباطات شامگاه پنجم تیرماه در برنامه‌ای در صداوسیما جمهوری اسلامی مدعی شده که سرعت اینترنت در ایران افزایش پیدا کرده است.

● خامنه‌ای درست در اوج روزهایی که کاهش و اختلال سرعت اینترنت در کشور انتقاد مردم را به همراه داشته امر به محدود ساختن بیشتر فضای مجازی و حتی وضع قوانین جدید داده است!

● کیهان لندن نیز مرتب از مخاطبان خود در شبکه‌های اجتماعی پیام دریافت می‌کند که وضعیت اینترنت در ایران و دسترسی آنها به سوشیال مدیا بسیار دشوار شده است.

کاهش سرعت و قطع و وصل مکرر اینترنت در برخی ساعات سبب اعتراض کاربران ایرانی شده و صاحبان کسب و کارهای آنلاین از مختل شدن فعالیت خود خبر می‌دهند. رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات اعلام می‌کند که آنها اختلالی در اینترنت ایجاد نکرده‌اند و فقط در حال جلوگیری از فروش غیرقانونی VPN هستند. کارشناسان و فعالان کسب و کارهای اینترنتی می‌گویند بیش از دو هفته است فعالیت آنها با مشکلات جدی روبروست و اختلال شدید روی پروتکل‌های رمزنگاری شده TLS و اخلال روی DNSها و در نهایت کاهش شدید کیفیت اینترنت وجود دارد.

وبسایت «زومیت» که به حوزه اینترنت و فناوری اطلاعات در ایران می‌پردازد گزارش داده که از دو هفته پیش اختلال شدید روی برخی پروتکل‌های رمزنگاری شده در اینترنت ایران دیده می‌شود که اقدامات دولت پشت سر آن قرار دارد.

بر اساس این گزارش، برخی فعالان اینترنت در ایران با انتشار اسناد و مدارکی تلاش می‌کنند ثابت کنند دولت «در حال ایجاد اختلال عمدی روی برخی پروتکل‌ها به خصوص پروتکل‌های رمزنگاری شده TLS است».

کیهان لندن نیز مرتب از مخاطبان خود در شبکه‌های اجتماعی پیام دریافت می‌کند که وضعیت اینترنت در ایران و دسترسی آنها به سوشیال مدیا بسیار دشوار شده است.

یکی از مدیران فنی یک شرکت فناوری درباره مشکلات اینترنت در روزهای گذشته گفته است «اختلال‌هایی که شاهد آن هستیم ربطی به مشکلات زیرساختی ندارد چرا که شاخص‌های شبکه زیرساخت در حالت طبیعی است».

به باور او سیستم فیلترینگ کشور در حال تغییر است و همین امر باعث شده تا اینترنت کل کشور با اختلال و کاهش کیفیت همراه شود.

گفته‌های این مدیر شرکت فناوری به معنای اجرای طرح صیانت در ایران است؛ موضوعی که از سوی برخی دیگر از کارشناسان نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

مقامات حکومتی اما اجرای طرح صیانت را تکذیب

می‌کنند. مهدی سالم رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات در اینبار گفته که «دسترسی هیچ فردی به اینترنت محدود نشده و اگر کسی با اختلال در دسترسی به اینترنت مواجه است و در این زمینه اطمینان کامل دارد باید از طریق سامانه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (کمیته فیلترینگ) شکایت خود را مطرح کند تا ادعایش توسط این کارگروه بررسی شود.»

کارشناسان و کاربران اما به شدت با «راهکار» ارائه شده از سوی رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت اطلاعات مخالف هستند و می‌گویند «دولت با این کار می‌خواهد یک لیست سفید درست کند تا مشکل یک تک آدرس یا رنج آدرس‌های اینترنتی را رفع کند که از این طریق صدای صاحبان دیتاسترها، سرویس‌دهندگان مختلف و متخصصان را خاموش کند و در نتیجه مشکل اصلی و اختلال کاربر نهایی همچنان باقی خواهد ماند.»

آرین اقبال فعال و محقق در شبکه هم اعلام کرده که «اختلال ایجاد شده در حال حاضر روی همه پروتکل‌های رمز شده شبکه اینترنت است و وی‌پی‌ان فقط یکی از آنهاست.»

به گفته آرین اقبال، در حال حاضر اختلال‌های شدیدی روی پروتکل HTTPS و بقیه پروتکل‌ها که قابلیت رمز شدن دارند، گزارش شده است.

محمد امینی فعال در حوزه دیتاستر و خدمات اینترنتی نیز با بیان اینکه «دولت به اسم چند وبسایت فروش وی‌پی‌ان، امنیت کل سرویس‌های HTTPS را به خطر انداخته» گفته که «ما با یک سیستم فیلترینگ گسترده‌ای روبرو هستیم که اگر نتوانیم جلوی آن را بگیریم کسانی که در این اکوسیستم فعالیت می‌کنند دیگر وجود نخواهند داشت و کلاً به وضعیت ۳۰ سال پیش بازمی‌گردیم.»

از سوی دیگر بر اساس گزارشی که در وبسایت «زومیت» منتشر شده، اظهار نظر فعالان صنفی در حوزه اینترنت و کارشناسان فناوری درباره اینترنت مورد رصد دولت قرار می‌گیرد و آنها از سوی حکومت «تذکر» می‌گیرند. در این گزارش آمده «یکی از مدیران که با او از طریق همین کانال‌های تلگرامی تخصصی مربوط به اینترنت آشنا شدم، می‌گوید که حتی اعتراض آنها در این گروه‌های تلگرامی در مورد اختلال عمدی دولت روی برخی پروتکل‌های اینترنتی رصد و به آنها تذکر داده شده که بیش از این در این مورد صحبت نکنند.»

اختلال اینترنت در ایران به حدی مشکلات کسب و

کارشناسان و کاربران اما به شدت با «راهکار» ارائه شده از سوی رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات در اینبار گفته که «دسترسی هیچ فردی به اینترنت محدود نشده و اگر کسی با اختلال در دسترسی به اینترنت مواجه است و در این زمینه اطمینان کامل دارد باید از طریق سامانه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (کمیته فیلترینگ) شکایت خود را مطرح کند تا ادعایش توسط این کارگروه بررسی شود.»



به گفته رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت ارتباطات «اگر بعد از این بررسی‌ها مشخص شود که فرد سرویس درست و قانونی ارائه می‌کرده و دسترسی‌های غیرقانونی هم نداشته و به دلیل خطایی، سیستم‌اش فیلتر شده حتماً مشکل‌اش رفع می‌شود.»

مهدی سالم همچنین تنها راه برای رفع مشکل این گروه را ثبت اعتراض آنها در کمیته فیلترینگ می‌داند. او می‌گوید کسانی که نسبت به دسترسی به وبسایت‌ها و سرویس‌های مختلف اعتراض دارند می‌توانند IP آدرس خود را در اختیار وزارت ارتباطات بگذارند تا مشکلاتشان حل شود!

ماه مارس برگزار شد: «نشست محرمانه» آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی در مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی



نفتالی بنت در یکی از پایگاه‌های نیروی هوایی جنوب اسرائیل سخنرانی می‌کند؛ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲

اظهار نظر در مورد این نشست خودداری کرده و تعدادی نیز شرکت در این نشست را انکار کرده‌اند.

تنها دولت ابوظبی اعلام کرده است: «امارات متحده عربی طرف هیچ اتحاد نظامی یا همکاری منطقه‌ای که هدفش کشور خاصی باشد، نیست و از هیچگونه بحث رسمی در رابطه با چنین اتحاد نظامی منطقه‌ای آگاه نیست.»

بنا بر اعلام منابع آگاه روزنامه وال استریت ژورنال، شرکت‌کنندگان در مذاکرات «شرم‌الشیخ» سناریوهای فرضی برای شناسایی و دفاع مشترک در برابر تهدید هوایی را بررسی و در مورد روش‌های مختلف اطلاع‌رسانی در هنگام شناسایی تهدید هوایی به توافق دست یافته‌اند.

این روزنامه گام بعدی را جلب حمایت رهبران سیاسی برای تدوین ترتیبات اطلاع‌رسانی و تعیین منافع رهبران خاورمیانه در گسترش همکاری اعلام کرده است.

خبر برگزاری نشست محرمانه آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب خاورمیانه که در ماه مارس سال جاری برگزار شد، در حالی نزدیک به سه ماه بعد از سوی روزنامه وال استریت ژورنال منتشر می‌شود که به تازگی ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از ایده تشکیل یک پیمان نظامی مانند ناتو در خاورمیانه سخن گفته است.

گفتنی است که بنی گانتز وزیر دفاع اسرائیل نیز به تازگی در پارلمان این کشور گفته بود: اسرائیل در حال ایجاد یک ائتلاف دفاع هوایی منطقه‌ای تحت حمایت آمریکا است.

از سوی دیگر قرار است جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در اواسط ماه ژوئیه از اسرائیل و عربستان سعودی دیدار کند. او همچنین قرار است با محمود عباس رئیس‌تشیکلات خودگردان فلسطین در کرانه غربی رود اردن نیز دیدار داشته باشد.

جو بایدن در این سفر علاوه بر دیدار و گفتگو با مقامات این کشورها، در نشست مشترک رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس، مصر و اردن نیز شرکت خواهد کرد.

● بنا بر اعلام منابع آگاه روزنامه وال استریت ژورنال، شرکت‌کنندگان در مذاکرات «شرم‌الشیخ» سناریوهای فرضی برای شناسایی و دفاع مشترک در برابر تهدید هوایی را بررسی و در مورد روش‌های مختلف اطلاع‌رسانی در هنگام شناسایی تهدید هوایی به توافق دست یافته‌اند.

● خبر برگزاری نشست محرمانه آمریکا، اسرائیل و کشورهای عرب خاورمیانه که در ماه مارس سال جاری برگزار شد، در حالی نزدیک به سه ماه بعد از سوی روزنامه وال استریت ژورنال منتشر می‌شود که به تازگی ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از ایده تشکیل یک پیمان نظامی مانند ناتو در خاورمیانه سخن گفته است.

روزنامه وال استریت ژورنال از «نشست محرمانه» آمریکا، اسرائیل و چند کشور عربی منطقه خاورمیانه برای بررسی راه‌های مقابله با پیشرفت‌های پهبادی و موشکی جمهوری اسلامی خبر داد. این نشست بی‌سابقه مارس ۲۰۲۲ در «شرم‌الشیخ» مصر برگزار شد.

وال استریت ژورنال روز یکشنبه ۵ تیر (۲۶ ژوئن) به نقل از منابع آمریکایی و منطقه‌ای اعلام کرد که مقامات این کشور در نشست محرمانه و بی‌سابقه با نظامیان ارشد اسرائیل و چند کشور عربی منطقه در ماه مارس در «شرم‌الشیخ» مصر گزینه‌های مقابله با توانایی‌های موشکی و پهبادی رو به رشد ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند.

این برای نخستین بار است که چنین طیفی از افسران عالی‌رتبه اسرائیل و کشورهای عربی تحت نظارت ارتش آمریکا برای بررسی چگونگی مقابله با یک تهدید مشترک ملاقات و گفتگو کرده‌اند.

در این گزارش آمده: در حالی که چنین همکاری نظامی‌ای تا چند دهه پیش غیرقابل تصور بود، اسرائیل و همسایگانش در مرحله اولیه نشست شرم‌الشیخ درباره «همکاری مشترک نظامی احتمالی» بحث و گفتگو کرده‌اند.

به نوشته این روزنامه آمریکایی، چند تغییر زمینه برگزاری چنین نشستی را فراهم کرده است: نگرانی مشترک از اقدامات موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی، بهبود روابط سیاسی در نتیجه «پیمان ابراهیم» و تصمیم دولت پیشین آمریکا برای گسترش منطقه تحت پوشش فرماندهی مرکزی ایالات متحده در خاورمیانه که اسرائیل را نیز شامل می‌شود. این در حالیست که مسئولان جمهوری اسلامی پیش از این اعلام کرده بودند، فعالیت‌های نظامی مشترک اسرائیل و برخی کشورهای عربی در خلیج فارس «از سر ناامیدی» صورت می‌گیرد.

بنا بر آنچه وال استریت ژورنال منتشر کرده، در این نشست ژنرال فرانک مکزی رئیس وقت فرماندهی مرکزی آمریکا، آویو کوهای رئیس ستاد ارتش اسرائیل، فیاض بن حامد الرویلی رئیس ستاد نیروهای مسلح عربستان سعودی و تعدادی از افسران ارشد نظامی، امارات متحده عربی، بحرین، مصر، اردن و قطر شرکت داشته‌اند.

ژنرال مکزی پیش از این اعلام کرده بود، جمهوری اسلامی، مهم‌ترین تهدید در سطح منطقه است و تمرکز کشورش مقابله با تهدیدهای رژیم ایران است.

در این میان برخی از کشورهای حاضر در نشست «شرم‌الشیخ» در برابر پرسش‌های وال استریت ژورنال از

کارهای مختلف را افزایش داده که از ششم تیرماه کارزاری با عنوان «اعتراض عملی به اختلالات گسترده در اینترنت» برای امضای عموم به راه افتاده است.

در متن این کارزار آمده که «برای نشان دادن عمق مشکل که فراتر از سرویس‌دهندگان اینترنت است و محدودیت‌هایی که بطور کلی در حال اعمال می‌باشد باید بطور مداوم اختلالات را در سامانه ۱۹۵ ثبت کنیم و اسناد آن را با هشتگ #گزارش_اختلال به اشتراک بگذاریم تا با نشان دادن سطح این اختلالات و حمایت عموم جامعه بتوانیم صدای اعتراض خود را به مسئولین برسانیم.»

در بخشی از متن این کارزار نیز اشاره شده که «اپلیکیشن‌های سنجش سرعت اینترنت به این دلیل که پروتکل‌های مورد استفاده در آن توسط فیلترینگ محدود نشده است یا سرویس‌های سنجش سرعت در همان سرویس دهنده اینترنت نصب شده و اکثر مردم سرویس‌های پیش‌فرض که نزدیکترین است را انتخاب می‌کنند، گزینه‌ی خوبی برای بررسی شرایط فعلی نیستند، شاید در کشوری آزادتر و شبکه‌ای غیرانحصاری بتوان از این ابزارها سود برد.»

در آنسو اما عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات شامگاه پنجم تیرماه در برنامه‌ای در صداوسیما جمهوری اسلامی مدعی شده که سرعت اینترنت در ایران افزایش پیدا کرده است: «همه آمارهایی که از اپراتورها داریم نشان می‌دهد که واقعاً وضعیت ما بدتر از گذشته نشده، هرچند که نیاز مردم در این زمینه بیشتر شده است. کیفیت سرویس‌ها در حال افزایش پیدا کردن است. گزارش مراجع جهانی هم نشان می‌دهد که سرعت اینترنت کشور رو به کاهش نیست؛ اما متناسب با نیاز مردم افزایش پیدا می‌کند.»

وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی در ادامه گفته که «در حال حاضر ما مشکلی در تأمین اینترنت مورد نیاز کشور نداریم. عده‌ای شبهه وارد می‌کنند که دولت سیزدهم در واردات پهنای باند محدودیت ایجاد کرده است. اصلاً چنین بحثی وجود ندارد. هر چقدر که پهنای باند مورد نیاز کشور باشد، تأمین می‌کنیم و حتی تدبیری در این مدت کوتاه اندیشیده‌ایم که منابع مختلفی برای تأمین اینترنت از مسیرها و شرکت‌های مختلف را در نظر بگیریم تا اگر قطعی اتفاق افتاد جوری نباشد که ظرفیتی برای جایگزینی نداشته باشیم.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی درست در اوج روزهایی که کاربران و فعالان کسب و کارهای اینترنتی به کاهش و اختلال سرعت اینترنت در کشور به شدت انتقاد می‌کنند، خواستار محدود ساختن بیشتر فضای مجازی و حتی وضع قوانین جدید در این زمینه شد!

رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی گفته فضای مجازی «امنیت روانی مردم را از بین می‌برد!» وی امر به محدود ساختن بیشتر فضای مجازی داده و به مقامات حکومتی گفته «اگر قانون ندارید، سریع تهیه کنید!»

علی خامنه‌ای گفته که «امنیت روانی از جمله حقوق عمومی است و دستگاه قضایی باید از نگران کردن و تخریب ذهن مردم به‌وسیله شایعات و اظهارات دروغ و هراس‌افکنی افراد مشخص یا نامشخص در رسانه‌ها و فضای مجازی جلوگیری کند.» این سخنان در حالیست که نه تنها امنیت روانی، بلکه امنیت جسمی و شغلی و جانی شهروندان ایران توسط خود جمهوری اسلامی هر روز در معرض تخریب و نابودی قرار دارد!

با اینهمه رهبر جمهوری اسلامی به خود جرأت داده و با گستاخی گفته است «تا دیروز فقط روزنامه‌ها بودند که این کارها را می‌کردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده است!»

عکس هفته



سران «جی۷» / از چپ: ماریو دراگی نخست‌وزیر ایتالیا، اورسولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا، جو بایدن رئیس جمهور آمریکا، اولاف شولتز صدراعظم آلمان، بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا، جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا، فومیو کیشیدا نخست‌وزیر ژاپن، امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه و چارلز میکل شورای اتحادیه اروپا در نخستین روز نشست «جی۷» / ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲
/ کاخ المائو در ایالت بایرن جنوب آلمان